آزفا
۱

آموزش زبان فارسی

دورهٔ مقدّماتی

کتاب اوّل

تألیف

دکتر یدالله ثمره



جمهوری اسلامی ایران

اداره کل روابط و همکاریهای بین‌الملل

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

فهرست مطالب

شماره برگهٔ فهرست‌نویسی کتابخانه ملی ۵۸۰ ـ ۶۶ م

نام کتاب: آموزش زبان فارسی، دورهٔ مقدماتی، کتاب اول، شماره ردیف ۱

مؤلف: دکتر یدالله ثمره

ناشر: ادارهٔ کل روابط و همکاریهای بین‌الملل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

نوبت چاپ: چاپ اول

تعداد: سه هزار نسخه

تاریخ انتشار: ۱۳۶۶ هجری شمسی

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

موضوع	صفحه

به‌نام خُدا

پیش‌گفتار

این کتاب، نخستین بخش از دورهٔ مقدماتی «آموزش زبان فارسی» (آزفا) است، مجموعهٔ کامل آزفا شامل سه دورهٔ مقدماتی، متوسطه، و عالی است. هدف از تدوین این مجموعه آموزش خط و زبان فارسی به خارجیان از آغاز تا مرحله پایانی آنست تا زبان‌آموز بتواند از رادیو، تلویزیون، روزنامه و متون نظم و نثر فارسی بهره‌مند گردد.

دورهٔ مقدماتی شامل دو کتاب است که طیّ آن زبان‌آموز با فارسی متداول گفتاری و نوشتاری در حدّ نیازمندیهای عملی روزمرّه آشنا می‌گردد. در پایان این دوره وی قادر خواهد بود با فارسی زبانان ارتباط زبانی برقرار کند، متون فارسی در حدّ دورهٔ تحصیلات ابتدائی را بخواند و بفهمد، و نیز اصطلاحات و ساختهای دستوری زبان گفتاری را دریابد و به کار برد.

زبان فارسی، مانند هر زبان دیگر، دارای دو گونهٔ گفتاری و نوشتاری است. تفاوت دو گونهٔ مذکور گاه به اندازه‌ایست که گویندهٔ غیربومی در درک آن با اشکال روبه‌رو می‌شود و خود را ناگزیر از آموزش می‌بیند. ویژگی گونهٔ گفتاری کوتاه‌سازی برخی واژه‌ها و افعال از طریق حذف، تغییر و یا همگون‌سازی پاره‌ای از صداهاست. جای اجزاء جمله چندان ثابت نیست و نیز گاهی جزء یا اجزائی از جمله حذف می‌گردد. به عنوان نمونه‌ای از این تفاوتها به چند مثال زیر توجه نمائید: صورت اوّل گونهٔ نوشتاری است و صورت دوّم گونهٔ گفتاری.

می‌نشینیم	می‌شینیم	I sit
می‌روند	می‌رن	They go
نان	نون	Bread
او به خانه آمد	اون اومد خونه	He came home

در دورهٔ مقدماتی هر دو گونه از زبان مورد توجّه قرار گرفته و پا به پای گونهٔ نوشتاری شکل گفتاری واژه‌ها و افعال و جمله‌ها نیز داده شده است.

ندیشه‌ها و بیان لطیف‌ترین احساسات و عواطف انسانی به عهده داشته است. بزرگانی چون
ردوسی، مولوی، سعدی، حافظ و بسیاری دیگر شاهکارهای جاویدان خود را به این زبان پدید
ورده‌اند. از این‌روست که یادگیری زبان فارسی و تسلّط بر آن در حکم کلیدی است برای
ستریسی به گنجینه‌ای بس غنی و شگفت‌انگیز. و امید است که مجموعهٔ «آموزش زبان فارسی»
(آزفا) بتواند خدمتی، ولو اندک، در جهت تسهیل امر یادگیری این زبان به علاقمندان آن عرضه
نماید.

در اینجا لازم می‌دانم از سرکار خانم دکتر ژاله آموزگار استاد محترم زبانهای باستانی در
دانشگاه تهران که نسخهٔ دست‌نویس این کتاب را به دقّت از نظر گذرانده نظرات و پیشنهادهای
بسیار مفیدی ارائه نمودند، و همچنین از جناب آقای حسن عسکری‌راد که طرحی برای آموزش
سمعی و بصری فارسی به خارجیان تهیه نموده و نگارنده را به تألیف این کتاب ترغیب نمودند، و
نیز از جناب آقای محمّد معصومی که با علاقهٔ وافر موجبات چاپ و انتشار این کتاب را فراهم
ساختند صمیمانه سپاسگزاری نمایم. باید اذعان کنم که جمعیّت خاطری که هنگام تألیف این کتاب
داشته‌ام مرهون همسرم دکتر ایران کلباسی است.

دکتر یدالله ثمره

از میان لهجه‌های گوناگون فارسی، لهجهٔ تهرانی که لهجهٔ معیار یا «استاندارد» محسوب می‌شود و در رادیو، تلویزیون، و فیلمهای سینمائی و غیره به کار می‌رود انتخاب گردیده است.

دستورزبان به طور غیرمستقیم و در خلال عبارتها و جمله‌ها مطرح می‌گردد. یعنی همان‌طور که کودک زبان مادری خود را می‌آموزد. منتهی چون خوانندهٔ این کتاب خود از قبل با مفاهیم دستوری زبان مادری خویش آشناست لذا معمولاً چکیده‌ای از هر مطلب دستوری به صورت یک فرمول ارائه گردیده و نیز توضیحی مختصر دربارهٔ آن به زبان انگلیسی ساده در پانویس صفحهٔ مربوطه آمده است. برای هر مطلب دستوری مثالهای فراوان وتمرینهای گوناگون، و گاه طولانی، که همه دارای کاربرد روزمرّه هستند داده شده است تا از این طریق زبان‌آموز خود را در محیط فارسی زبان احساس کند و درنتیجه اشتیاق آغازین برای یادگیری زبان در او تداوم یابد.

استفاده از زبان انگلیسی به عنوان زبان واسط فقط در حدّ ضرورت صورت گرفته است. البتّه معادل واژه‌ها و ترجمهٔ بسیاری از جمله‌های نمونه به انگلیسی داده شده است. این ترجمه‌ها بیشتر صورت واژه به واژه دارد تا ترجمهٔ سلیس، زیرا هدف زبان فارسی است نه انگلیسی و ترجمهٔ واژه به واژه بهتر می‌تواند ویژگیهای دستوری جملهٔ فارسی را نشان دهد. از این‌روست که گاه بعضی از جمله‌های انگلیسی ممکن است غیرمعمول جلوه کند.

از آنجا که تلفّظ صحیح واژه‌ها، عبارتها وجمله‌ها و نیز آهنگ صدا نقش بنیادین را در گفتار به عهده دارد سعی شده است حداکثر استفاده از وسایل سمعی و بصری به عمل آید تا هم کار زبان‌آموزی را آسان‌تر و دلپذیرتر نماید و هم در عین حال بیشترین نتیجه را در کمترین زمان به دست دهد. از این‌رو تمام مطالب کتاب بر روی نوار «کاست» ضبط گردیده که باید همراه با کتاب مورد بهره‌برداری قرار گیرد. همچنین در نظر است که پاره‌ای فیلمهای کوتاه «ویدیوئی» بر پایهٔ جمله‌ها و گفت وشنودهای مندرج در کتاب فراهم گردد که بی‌شک تأثیر شایان در امر زبان‌آموزی خواهد داشت.

لازم به یادآوریست که کتاب و نوارهای مربوط به آن می‌توانند، درصورتی که معلّم فارسی‌زبان فراهم نباشد، به طور خودآموز مورد استفاده قرارگیرد مشروط بر آن که با دقّت در شنیدن نوار و تکرار کافی سعی شود واژه‌ها و جمله‌ها همان‌طور که شنیده می‌شوند تلفّظ گردند. با این حال وجود معلّم فارسی زبان در ارزیابی تلفّظ و تصحیح آن بسیار مفید و کارساز خواهد بود.

چنان که می‌دانیم، زبان فارسی در طیّ قرون نقشی بس ارزنده در تجلّی ظریف‌ترین

راهنمای تدریس و استفاده از کتاب

۱. نشانه‌هائی که در این کتاب به کار رفته به قرار زیر است:

الف ــ صورت گفتاری واژه‌ها و عبارتها و جمله‌ها بین دو قلّاب به صورت [ ] آمده است

ب ــ چون ترجمهٔ انگلیسی معمولاً واژه به واژه است، بنابراین آنچه که در انگلیسی هست ولی در فارسی نیست بین دو ابرو به صورت ( ) آمده و آنچه که در فارسی هست ولی در انگلیسی نیست به صورت (=) دیده میشود. به عنوان مثال:

زیباست (It) is pretty.

هوا سرد است It (=the air) is cold.

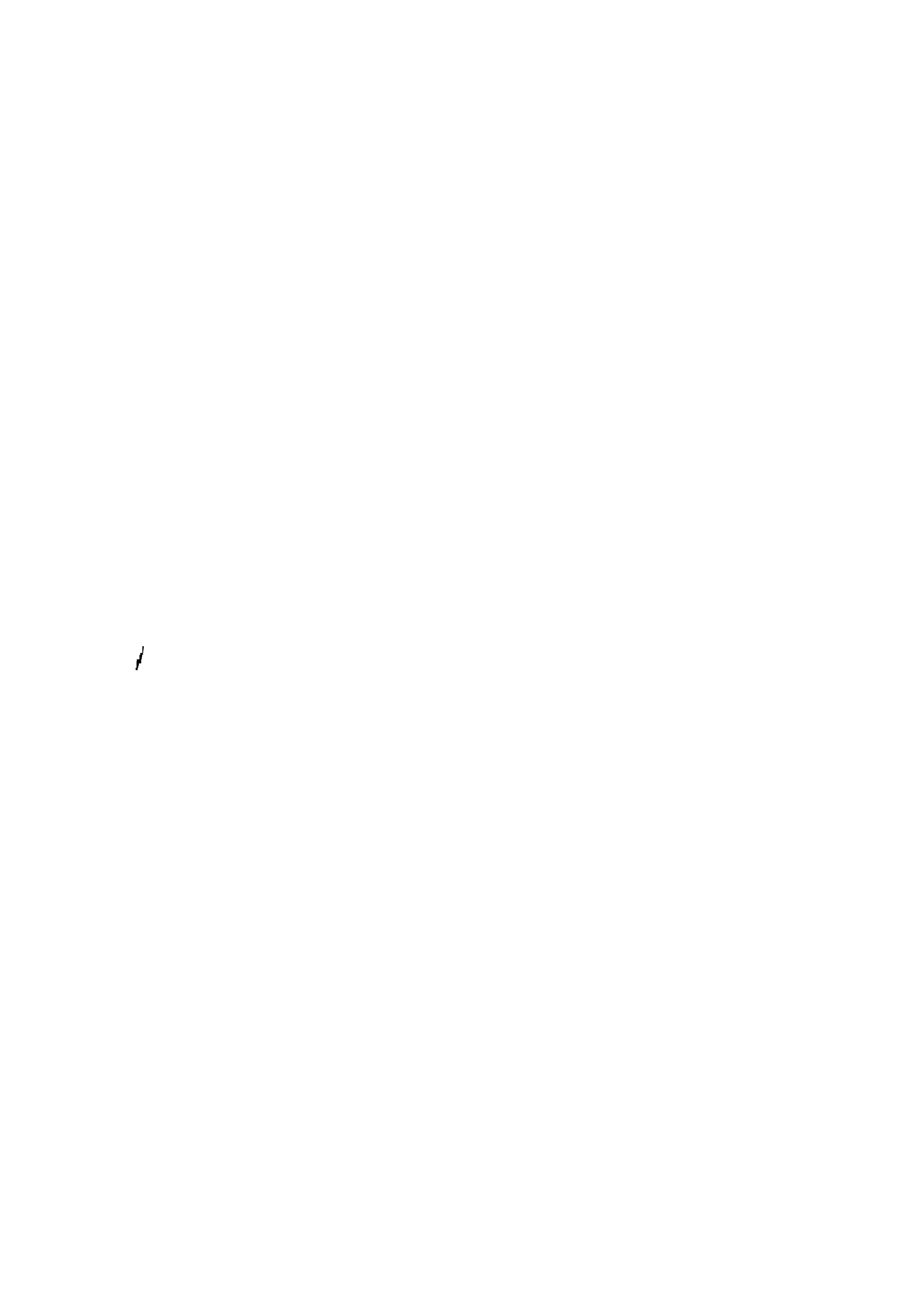
پ ــ علامت { } به معنی ارزش یکسان کلمات داخل آنست یعنی انتخاب مساوی

ت ــ نشانهٔ / به معنی or = یا است.

۲. کتاب حاضر دارای هشت درس است که فراگیری آن به حدود هشت هفته زمان نیاز دارد. در هر هفته حدود ۶ ساعت کار در کلاس و نیز دست‌کم ۶ ساعت کار در منزل توسّط زبان‌آموز جهت حل تمرین‌ها و گوش دادن به نوار و تکرار آن باید درنظر گرفته شود

۳. درسهای اوّل و دوّم که مخصوص آموزش صداها و خط فارسی است از اهمیّت ویژه برخوردارند و تا حصول اطمینان از این که زبان‌آموز آنها را به درستی فرا نگرفته نباید به دروس دیگر پرداخت. تمام دقّت زبان‌آموز باید متمرکز بر نحوهٔ تلفّظ صداها باشد و بنابراین نباید از وی خواست تا معنی واژه‌های این دو درس را به ذهن بسپارد.

در مورد واکه‌ها، تفاوت بین صداهای â و a (آ و ـَ)، i و e (ای و ـِ)، u و o (او و ـُ)، ey و e (اِی و ـِ)، ow و o (اُو و ـُ) باید به درستی درک شود. این کار به وسیلهٔ تمرین و تکرار زیاد امکان‌پذیر خواهد بود.



«نادر امشب کجاس؟» پرسیده شود «آن مرد امروز کجاس؟» و غیره. زبان این گونه تمرین‌ها صرفاً محاوره‌ای یا گفتاری است، بنابراین باید دقّت شود که آهنگ صدا و جای تکیه در واژه‌ها به درستی رعایت گردد.

۸. تکلیف منزل زبان‌آموز حتماً باید توسّط معلّم بررسی گردیده اشتباهات آن به وی گوشزد گردد. این کار را می‌توان به صورت جمعی در کلاس انجام داد، بدین معنی که از یک‌یک آنان خواسته شود تا آنچه را که نوشته‌اند بخوانند و اشتباهات آنان توسّط معلّم توضیح داده شود. در مواردی که تصحیح کلاسی به دلیل صرف وقت زیاد مقدور نیست معلّم باید تکالیف را در منزل تصحیح نموده و جلسه بعد موارد اشتباه را توضیح دهد. البتّه کلید تمرین‌ها کمک مؤثری در این‌باره به معلّم می‌کند زیرا زبان‌آموز می‌تواند تکلیف خود را از روی آن تصحیح کند. ولی بسیار اتّفاق می‌افتد که دلیل چیزی را نمی‌فهمد که در این صورت باید توسّط معلّم توضیح داده شود.

۹. باید توجّه داشت که حتی ساده‌ترین مسائل زبانی که برای معلّم فارسی زبان بدیهی و واضح می‌نماید ممکن است برای زبان‌آموز مسئله‌ای مشکل جلوه کند. از این‌رو رفتار معلّم باید چنان صمیمانه و توأم با مهربانی باشد که زبان‌آموز بتواند هرنوع مشکلی را به راحتی مطرح سازد.

۱۰. کلید هر تمرین به جای خود آن تمرین بر روی نوار ضبط شده است، بنابراین، بخشی زیر عنوان «کلید تمرین‌ها» آن گونه که در پایان کتاب دیده می‌شود بر روی نوار وجود ندارد.

۱۱. زبان‌آموز باید معنی تمام واژه‌های خوانده شده و نیز جمله‌های نمونه و جمله‌های اصطلاحی را به ذهن بسپارد.

۱۲. باید زبان‌آموز را ترغیب نمود تا آنجا که ممکن است در ساعات غیرکلاسی به نوار گوش فرا دهد و خود آنرا تکرار کند، زیرا، چنان که می‌دانیم، اساس کار زبان‌آموزی بر شنیدن و تکرار استوار است. هرچه بیشتر به این دو نکته توجّه شود نتیجه مطلوب‌تر خواهد بود.

۱۳. کلاس زبان باید زنده و باروح و توأم با حوصله و مهربانی اداره شود. در غیر این صورت اشتیاق زبان‌آموز به تدریج فروکش کرده درنتیجه از تعداد شرکت کنندگان به طور روزافزون کاسته می‌گردد.

۱۴. در شروع دوره برای هر زبان‌آموز باید یک پروندهٔ تحصیلی تشخص گردد که در آن میزان حضور در کلاس، میزان شرکت در فعالیتهای کلاسی، میزان پیشرفت، نمرات دیکته و تکالیف منزل، نمرات آزمونهای کلاسی، نظرات معلّم دربارهٔ چگونگی کار زبان‌آموز به طور مرتّب

۴. در آغاز هر درس واژگان مربوط به آن درس دیده میشود. تلفّظ هر یک از واژه‌ها باید ابتدا از نوار پخش گردد و سپس از زبان‌آموز خواسته شود تا آنرا تکرار کند. معلّم باید تلفّظ زبان‌آموز را ارزیابی و تصحیح نماید. این روش باید در مورد یک‌یک زبان‌آموزان اعمال گردد

۵. پس از واژگان، نوبت به نکات دستوری و جمله‌های نمونه می‌رسد. جمله‌های نمونه که با عنوان «بشنوید و تکرار کنید» مشخص شده‌اند حاوی نکات دستوری می‌باشند و باید پس از شنیده شدن از نوار توسط یک‌یک زبان‌آموزان تکرار شود. تلفّظ زبان‌آموز باید بوسیلهٔ معلّم ارزیابی و تصحیح گردد. نکات دستوری جمله‌های نمونه باید به وسیلهٔ معلّم حتی‌الامکان به زبان فارسی تشریح گردد. البته این کار در اوائل قدری مشکل است امّا می‌توان از زبان ایما و اشاره و یا بعضی نشانه‌ها بر روی تخته سیاه استفاده کرد. مثلاً، می‌خواهیم به زبان‌آموز بگوئیم که کاربُرد ضمائر اشارهٔ «این و آن» برای مفرد و جمع، برخلاف انگلیسی، یکسانست. عبارت «این مرد» و مقایسهٔ آن با «این مردها» حاوی همین نکته است. می‌توان روی تخته چنین نوشت:

این مرد

این مردها

این ~~اینها~~ مردها

۶ تمرین‌هائی که مستلزم فکر می‌باشند مانند «به فارسی بنویسید» (ترجمه از انگلیسی به فارسی)، «جمله سازید»، «واژهٔ درست را انتخاب کنید» و یا «جاهای خالی را پر کنید» مخصوص کار در منزل است. البته معلّم باید قبلاً روش حل تمرین را به زبان‌آموز بگوید. بعضی از اینگونه تمرین‌ها را که نیازمند فکر کمتری هستند می‌توان به طور جمعی در کلاس حل کرد. جواب این تمرین‌ها در پایان کتاب زیر عنوان «کلید تمرین‌ها» آمده است ولی زبان‌آموز باید فقط بعد از حل تمرین و به منظور ارزیابی جوابهای خود به آن مراجعه نماید.

۷. تمرین‌هائی که حاوی گفت وشنود هستند حتماً باید در کلاس توسّط خود زبان‌آموزان و با کمک معلّم پس از شنیده شدن از نوار اجرا شوند. گفتگوها دو نفره یا گاهی بیشتر هستند. جمله‌های این تمرین‌ها معمولاً نمونه بوده و می‌توان با جایگزین کردن واژه‌های آنها دهها جملهٔ دیگر ساخت. به عنوان مثال، تمرین ۱۷ گفت وشنودیست بین علی و پروین. معلّم باید خود در نقش علی جمله‌های مربوط به علی را از یک‌یک زبان‌آموزان سئوال کند و نیز همین جمله‌ها را با تغییر واژه از زبان‌آموزان بپرسد تا آنان نیز در جواب جمله‌های متفاوت بسازند. مثلاً، به جای

دَرس ۱

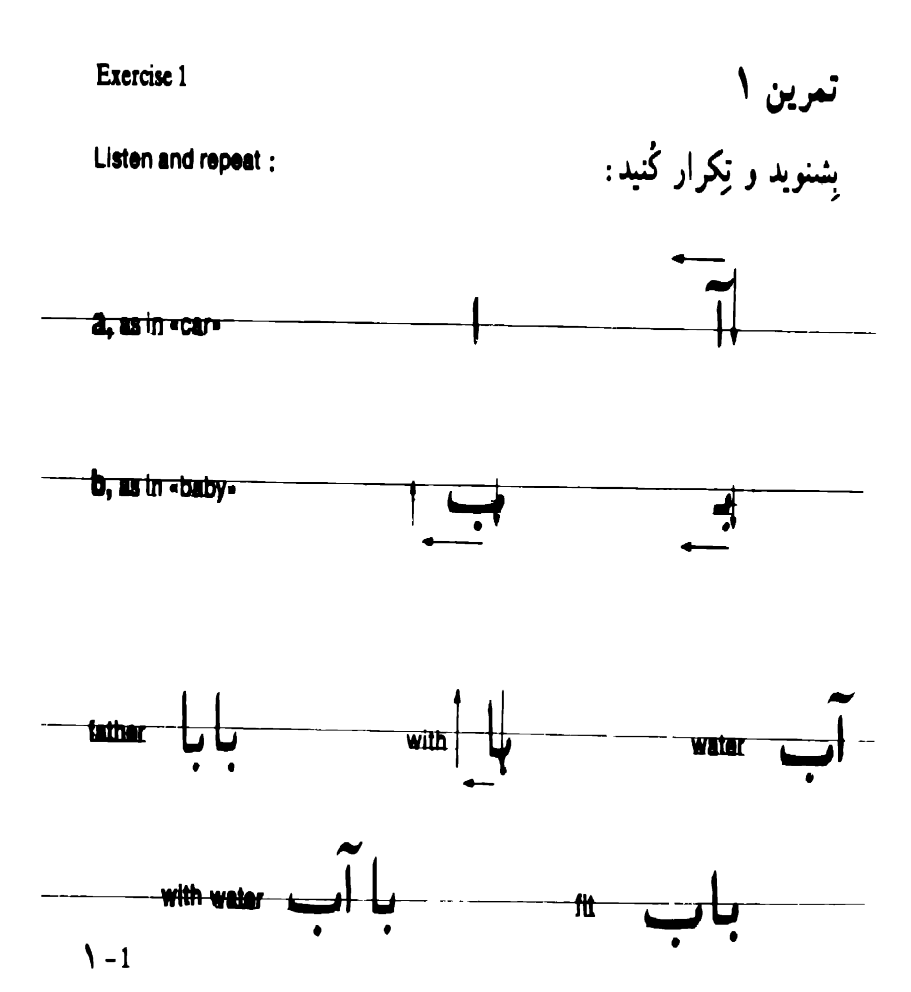
Lesson One

صِداها و اَلِفبای فارسی

Persian Sounds and Alphabet

Exercise 1 **تمرین ۱**

Listen and repeat : بِشنوید و تِکرار کُنید:



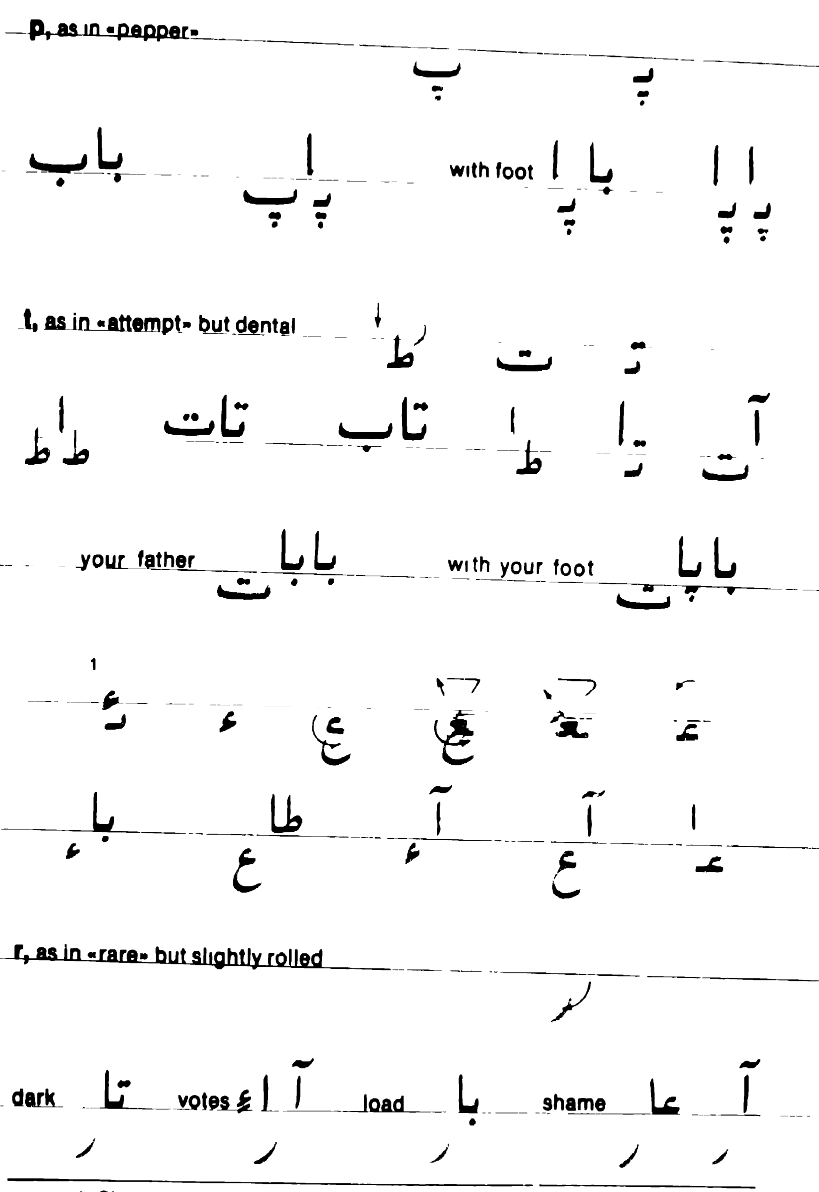
منعکس گردد.

۱۵. در پایان هر دو هفته یک آزمون مختصر کلاسی، کتبی یا شفاهی، از مطالب خوانده شده باید برگزار شود تا میزان پیشرفت زبان‌آموز به درستی ارزیابی گردد. در پایان کتاب نیز آزمون اصلی باید به عمل آید و نتیجهٔ آن در پروندهٔ زبان‌آموز ضبط شود.

۱۶. مسلماً نمی‌توان ادّعا کرد که کتاب، خالی از هرگونه نقص و عیب است، ولی می‌توان با استفاده از نظرات ارزنده و پیشنهادهای سازندهٔ مدرّسین آن که بی‌شک از دلسوزی و خیرخواهی آنان سرچشمه می‌گیرد در جهت بهبود آن کوشید. بنابراین صمیمانه استدعا دارد مسائل و مشکلات عملی را که در ارتباط با تدریس کتاب وجود دارد از طریق نمایندگی فرهنگی منعکس سازند تا در چاپهای بعدی مورد توجّه قرار گیرد.

از خدای بزرگ موفقیّت آن همکار گرامی را در این خدمت فرهنگی مسئلت دارد.

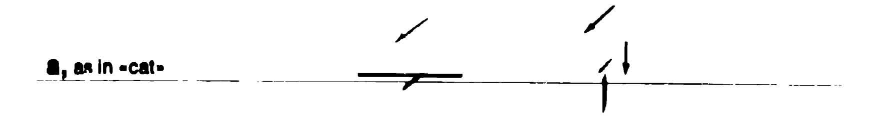
مؤلف



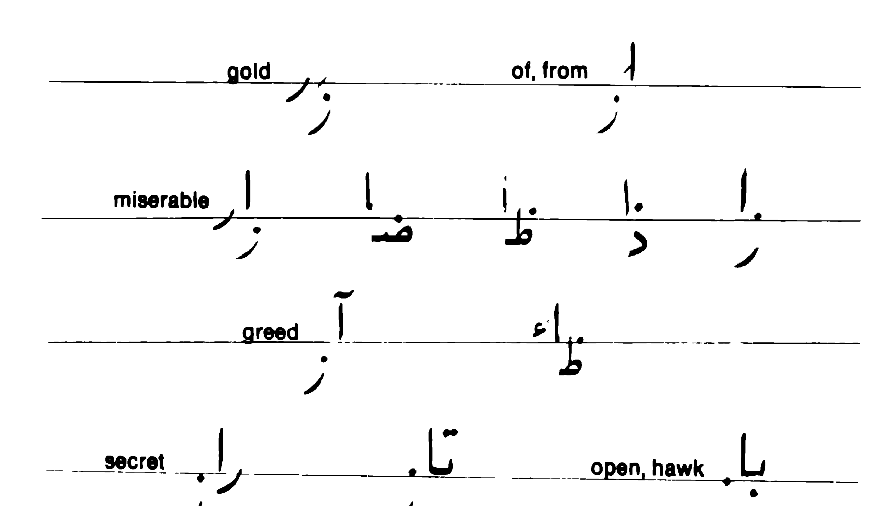
1 Glottal stop, similar to the sound pronounced by the Cockney speakers for «t» in «Saturday»

Exercise 2 ## تمرین ۲

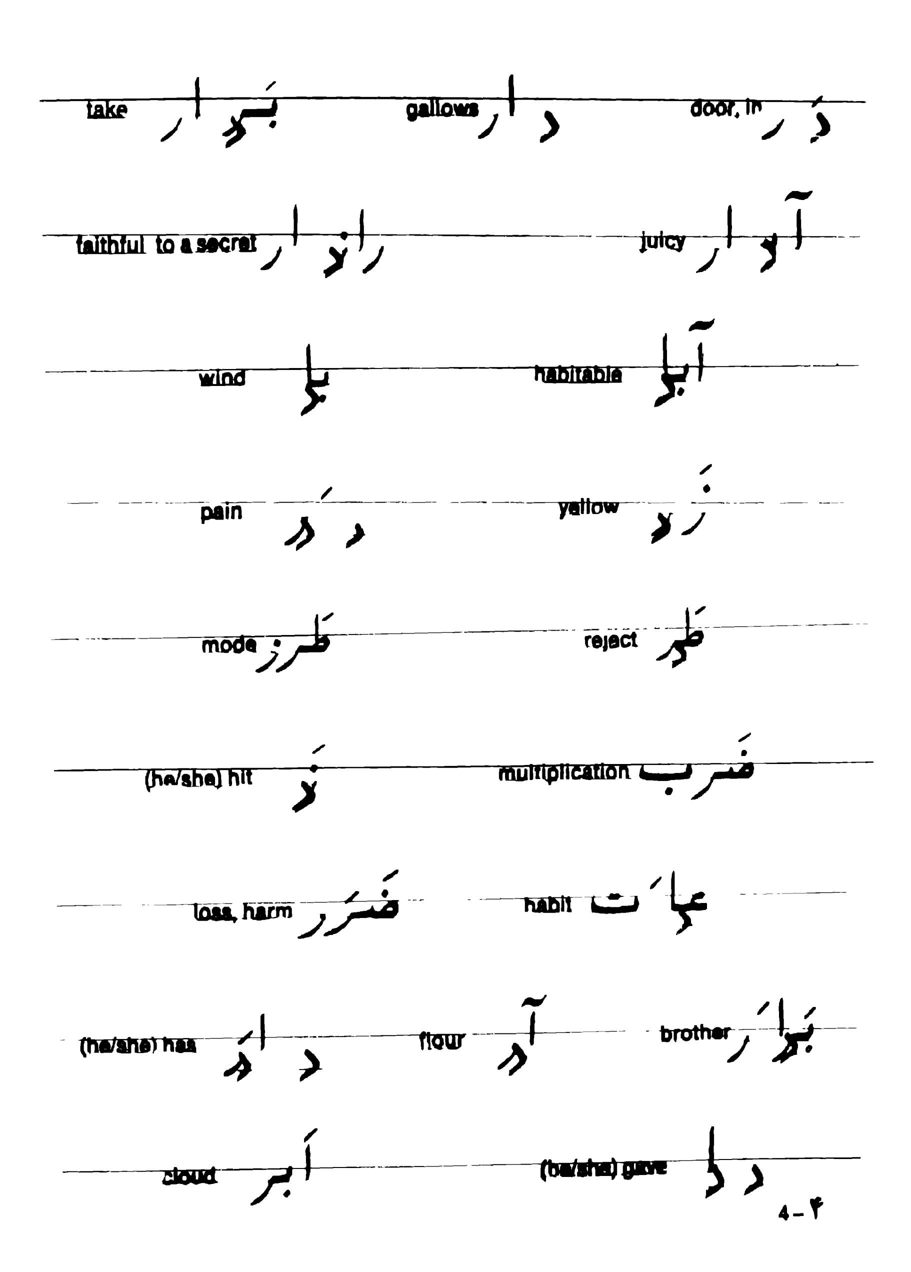
Listen and repeat : بِشنَوید و تِکرار کُنید :



z, as in «zero»



d, as in «deed» but dental



zh, as in «pleasure» ژ

ژژ — اَژدَر torpedo — ژاتا

ژ باژ تاژ پَژ بَژ دَژ

n, as in «none» ن نـ

آن that — نان bread — نا

نار — اَنار pomegranate

ناب pure — ناباب unfit — زن (woman, wife)

نَدارَد (he/she) does not have — نَداد (he/she) did not give

نَعناع spearmint — نَزَد (he/she) did not hit

Exercise 3

تمرین ۳

Write as one word :

بصورت یک واژه بنویسید :

ب + ـَ + ر + ا + د + ـَ + ر

ض + ـَ + ر + ـَ + ر

wise

د + ا + ن + ا

ignorant

ن + ا + د + ا + ن

ن + ـَ + د + ا + ر + ـَ + د

ب + ا + ب + ا

ع + ا + د + ـَ + ت

shining

ت + ا + ب + ا + ن

barren

ن + ا + ز + ا

rain

ب + ا + ر + ا + ن

free

آ + ز + ا + د

harm	آ + ز + ا + ر
tongue, language	ز + ـَ + ب + ا + ن
devotion	اِ + ر + ا + دَ + ت
violent throw	پ + ـَ + ر + ت + ا + ب

Exercise 4 — تمرین ۴

Listen and repeat : — بشنوید و تکرار کنید :

e, as in «nest» — اِ ـِ ـه ه

h, as in «hospital» — هـ ـهـ ـه ه ح ـح ح

clouds اَبرها — every, each هَر — thousand هِزار

lovely! بَه بَه — to بِه — refusal اِبا — those آنها

sigh آه — shabby ژِنده — fresh تازه — office اِداره

rein دَهَنه — iron آهَن — appearance ظاهِر — way راه

ready, present حاضِر — heat, tempreture حَرارَت

designer طَرّاح (ـّ = طَررّاح) — possessing حائِز

m, as in «mummy» 

we ما — I مَن

combat, fight رَزم — feast بَزم

disease مَرَض — prohibition مَنع

building عِمارَت — doctrine مَرام

respect احترام — favour مَرحَمَت

moon, month ماه — uproar هَمهَمه

letter نامه — guest مِهمان

bathroom (حَم مام = ّ) حَمّام

gh, more or less similar to the French «r» in «rue»

ق ق غـ ـغـ ـغ غ

قرائت reading — قند cube sugar

قطعه piece — قطع cutting

بَرّاق (ّ = برراق) shining

قنّاد (ّ = قن ناد) confectioner

بَرق electricity — مَغز brain

غذا food — قضا fate

داغ hot — تَقاضا request

تمرین ۵

بصورت یک واژه بنویسید:

Write as one word:

ق + ـَـ + ن + د + ا + غ — hot water with sugar

ق + ـَـ + ن + د + ا + ن — sugar-bowl

م + ـِـ + هـ + م + ا + ن + د + ا + ر — hostess

ض + ـِـ + د + د (د + د = دّ) — opposed

ن + ـِـ + ظ + ا + م — discipline

ن + ـَـ + ظ + م — good order

ز + ـِـ + ن + د + ا + ن — prison

إ + ض + ط + ـِـ + ر + ا + ب — disturbance of mind

اَ + ژ + د + ـَـ + هـ + ا — dragon

هـ + ـَـم + هـ + ـَـ + م + ـِـ — uproar

ا + ـَـ + ر + ز + ا + ن — cheap

returning — ا + ـِـ + ع + ا + د + ـِـ

point of death — ا + ـِـ + ح + ت + ـِـ + ض + ا + ر

particle — ذ + ـَـ + ر + ر + ـِـ

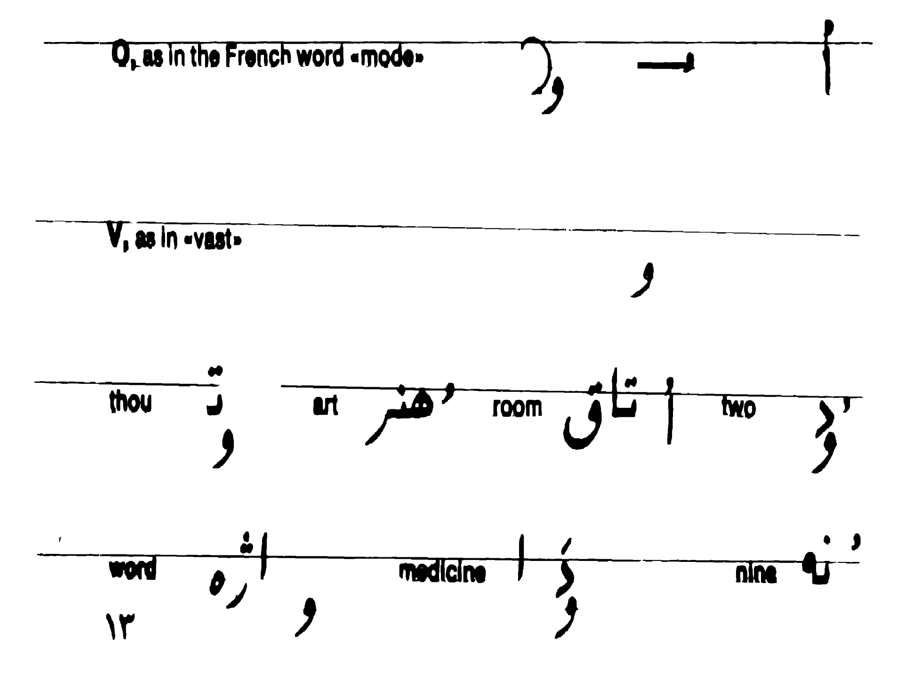
quantity — م + ـِـ + ق + د + ا + رِ

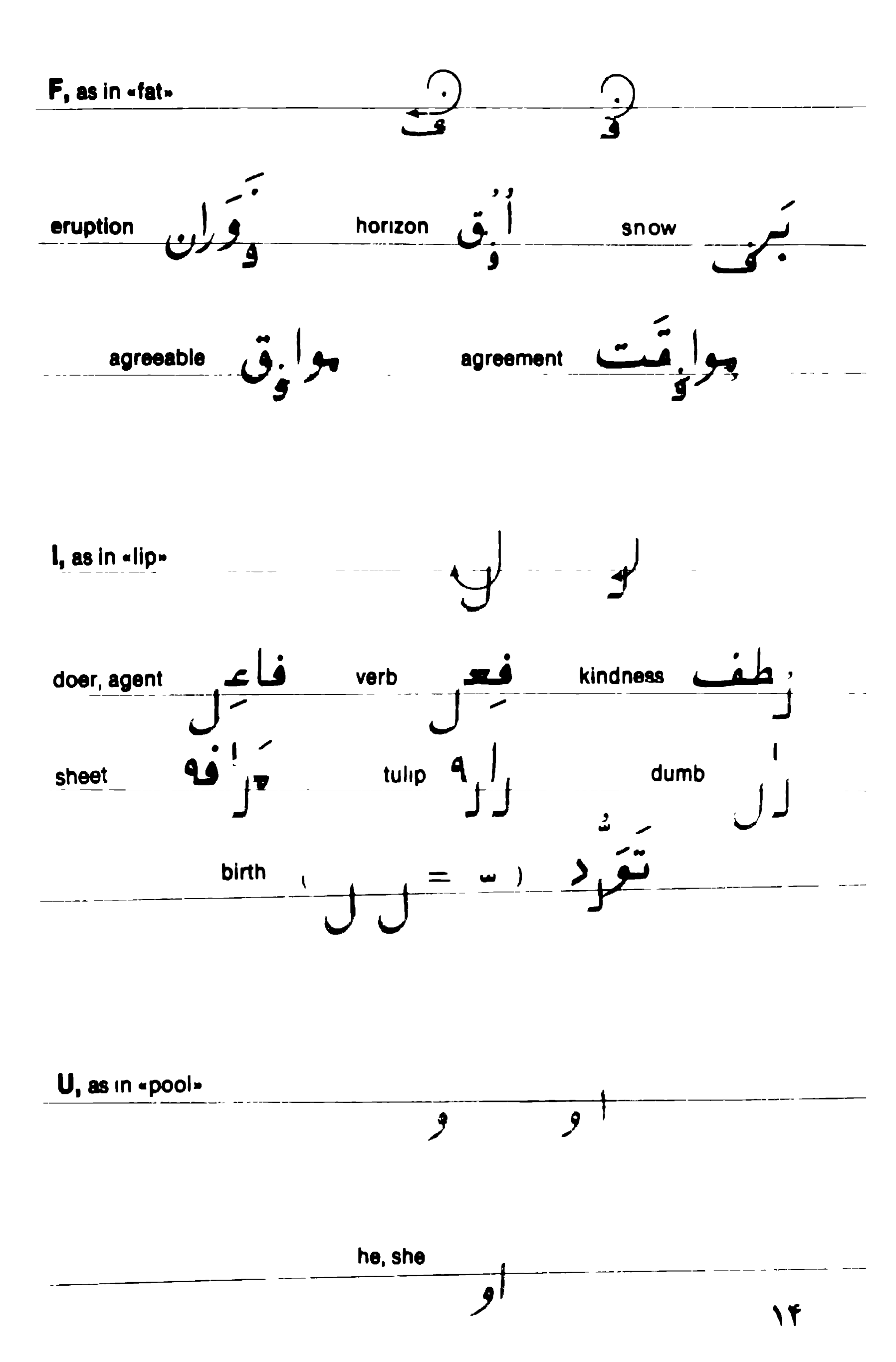
درس ۲

صداها و الفبای فارسی

تمرین ۶

بشنوید و تکرار کنید:





F, as in «fat»
eruption
فَوَران
horizon
اُفُق
snow
بَرف
agreeable
موافِق
agreement
موافِقَت
l, as in «lip»
doer, agent
فاعِل
verb
فِعل
kindness
لُطف
sheet
وَرَقه
tulip
لاله
dumb
لال
birth
تَوَلُّد
U, as in «pool»
he, she
او

S, as in «safe» — سـ س، صـ ص ثـ ث

needle — سوزَن

friend — دوست

spoiled — لوس

face — صورَت

greed — حِرص

one third — ثُلث

furniture — اَثاث

spiritual reward — ثَواب

sh, as in «shame» — شـ ش

rebellion — شورِش

salty — شور

wicked — شَرور

تمرین ۷

Write as one word:

بصورت یک واژه بنویسید:

ف + ا + ع + ـِ + ل

easy — س + ـَ + هـ + ل

offspring, result — ث + ـَ + م + ـَ + ر + ـِ

constant, steady — ث + ا + ب + ـِ + ت

cough — س + ـُ + ر + ف + ـِ

professor, master — اُ + س + ت + ا + د

witness — ش + ا + هـ + ـِ + د

pious foundation — و + ـَ + ق + ف

object of verb — م + ـَ + ف + ع + و + ل

mice — م + و + ش + هـ + ا

ninteen — ن + و + ز + د + ـَ + ه

thunderbolt	ص + ا + ع + ـــِــ + ق + ـــِــ
wistle	س + و + ت
inheritance	و + ـــِــ + ر + ا + ث + ـــَــ + ت
peace, compromise	ص + ـــُــ + ل + ح
wealth	ث + ـــَــ + ر + و + ـــَــ + ت

تمرین ۸

بشنوید و تکرار کنید.

اُو ـــُو u/w, as in «no»

اُوقات times

اُوضاع states, affairs

رُوغَن oil, grease

شُور consultation

دُور cycle, turn

دور far away

نُو new

مُو vine

کَ کـ K, as in «cake»

کوک wound up

کودَن dull

کور blind

کُرک soft wool

کار work, job

کاغَذ paper

کِرم worm

کُوکَب star

g, as in «egg» گـ ـگـ

گاو cow　　گَرم warm

گُودال pit　　گِردو walnut

گُود deep　　گَردَن neck

گُرگ wolf　　گُربه cat

سَگ dog

تمرین ۹

بشنوید و تکرار کنید:

I, as in «sheep» — ایـ ـیـ ـی

Y, as in «yes» — یـ ی

this این	milk, lion, tap شیر	tray سینی
one یک	assistance یاری	namely یعنی
try, effort سعی	objection ایراد	
freedom آزادی		

J, as in «jet» — جـ ج

creation ایجاد	answer جواب	ivory عاج
pocket جیب	sock stocking جوراب	

Ch, as in cheese — چ   چـ

mushroom قارچ   helpless بیچاره   thing چیز

nothing هیچ چیز   screw, twist پیچ

ey, as in pay — ـی   ـیـ   ایـ

Kh, as in scotish word «loch» — خ   ـخو   خـ

animal حـوان   field, square ـیدان   portico ایوان

mean, humble خوار   thorn خار   cane, reed نِی

nail میخ   relative خویش   ploughshare خیش

soaked حیس   much, a lot خِیلی   سوراخ

تمرین ۱۰

بصورت یک واژه بنویسید:

ایـ + ش + ا + ن	they
ش + ـُـ + م + ا	you
ش + ـِـ + ک + ا + ی ـَـ + ت	complaint
ک + و + چ + ـِـ	lane, alley
خ + یـ + ا + ب + ا + ن	street
ک + ـُـ + م + ـَـ + ک	help, aid
ک + ـَـ + ث + یـ + ف	dirty
چ + ـِـ + ر + ا + غ	lamp
ایـ + ک + ا + ش	I wish
گ + ـُـ + ل	flower
گ + ـَـ + ر + د + ـِـ + ش	walking

judge	ق + ا + ض + ى
correct, true	ص + ـَـ + ح + يـ + ح
no	ن + ـَـ + خ + ـِـ + يـ + ر
good	خ + و + ب
young	ج + ـَـ + و + ا + ن
preaching	م + ـُـ + و + ع + ـِـ + ظ + ـِـ
occasion, time	م + ـُـ + و + ق + ـِـ + ع
descriptions	أُو + ص + ا + ف
new-born child	ن + ـُـ + و + ز + ا + د
box	ص + ـَـ + ن + د + و + ق
festival	ع + ـِـ + يـ + د

تمرین ۱۱

با حُروف فارسی بنویسید :

write in Persian letters :

difficult *sakht*

sweet *shirin*

desert *biâbân*

son, boy *pesar*

daughter, girl *dokhtar*

man *mard*

house *khâne*

book *ketâb*

big, great *bozorg*

here *injâ*

there *ânjâ*

today *emruz*

yesterday *diruz*

ruffled *zhulide*

tonight *emshab*

last night *dishab*

hungry *gorosne*

again *dobâre*

window *panjere*

pretty *ghashang*

cool *khonak*

small *kuchak*

slowly *âheste*

always *hamishe*

mother *mâdar*

pencil *medâd*

light *rowshan*

glasses *eynak*

تمرین ۱۲

با حُروف فارسی بنویسید :

write in persian letters :

hospital

saucepan

zigzag

utterance

butcher

shamelessly

invisable

agreculture

large

vivid

gentleman

prospect

dreamy

land

beautiful

predicate

yellow

payment

caravan

guarantee

holidy

measure

movement

pleasure

stupidity

ترتیب الفبائی فارسی

Persian Alphabetic Order

واکه‌ها

Vowels

نام صدا Name of sound	تلفّظ صدا Pronunciation of the sound	نشانهٔ خطّی صدا Written symbol of the sound	
		شکل چاپی printing form	شکل دست‌نویس Hand-written form
اَلِف	a	آ ا	آ ا
زِبَر، فتحه	a	اَ ـَ	اَ ـَ
زیر، کَسره	e	اِ ـِ ـه ه	اِ ـِ ـه ه
پیش، ضَمّه	o	اُ ـُ و	اُ ـُ و
واو	u	او و	او و
واو	ow	اُو ـُو	اُو ـُو
يِ	i	ایـ یـ ی	ایـ یـ ی
يِ	ey	اِیـ ـِیـ ـِی	اِیـ ـِیـ ـِی

ترتیب الفبائی فارسی

هَمخوانها
Consonants

نشانهٔ خطی صدا				تلفّظ صدا	نام صدا
شکل دست‌نویس		شکل چاپی			
بـ	ب	بـ	ب	b	بِ
پـ	پ	پـ	پ	p	پِ
تـ	ت	تـ	ت	t	تِ
ثـ	ث	ثـ	ث	s	ثِ
جـ	ج	جـ	ج	j	جیم
چـ	چ	چـ	چ	ch	چِ
حـ	ح	حـ	ح	h	حِ
خـ	خو خ	خـ	خو خ	kh	خِ
د	د	د	د	d	دال
ذ	ذ	ذ	ذ	z	ذال

نشانهٔ خطّی صدا		تلفظ صدا	نام صدا
شکل دست‌نویس	شکل چاپی		
ر ر	ر ر	r	رِ
ز ز	ز ز	z	زِ
ژ ژ	ژ ژ	zh	ژِ
سـ س	سـ س	s	سین
شـ ش	شـ ش	sh	شین
صـ ص	صـ ص	s	صاد
ضـ ض	ضـ ض	z	ضاد
ط ط	ط ط	t	طا
ظ ظ	ظ ظ	z	ظا
عـ ـعـ ـع ع	عـ ـعـ ـع ع	vowel sound	عِین
غـ ـغـ ـغ غ	غـ ـغـ ـغ غ	gh	غِین

نام صدا	تلفّظ صدا	نشانهٔ خطّی صدا			
		شکل چاپی		شکل دست‌نویس	
فِ	f	ف	فـ	ف	فـ
قاف	gh	ق	قـ	ق	قـ
کاف	k	ک	کـ	ک	کـ
گاف	g	گ	گـ	گ	گـ
لام	l	ل	لـ	ل	لـ
میم	m	م	مـ	م	مـ
نون	n	ن	نـ	ن	نـ
واو	v	و	و	و	و
هِ	h	ـه ـهـ	ـهـ هـ	ه ـه	ـهـ هـ
یِ	y	ی	یـ	ی	یـ

درس ۳

بخش ۱

Part I

Vocabulary	واژگان
that, it	آن [اون][1]
this	این
he, she	او [اون]
place	جا
there	آنجا [اونجا]
here	اینجا
where?	کُجا؟
day	روز
night	شَب

---

1 – Many words and sentences have a spoken form rather different from their written form From now on you will see the spoken form in [ ]

year	سال
today	اِمروز
tonight	اِمشَب
this year	اِمسال
yesterday	دیروز
last night	دیشَب
last year	پارسال
table	میز
chair	صَندَلی
book	کِتاب
notebook	دَفتَر
paper	کاغَذ
pen	قَلَم
pencil	مِداد
one, a	یِک [یه]
two	دُو
three	سه
four	چَهار [چار]

five	پَنج
six	شِش [شیش]
seven	هَفت [هَف]
eight	هَشت [هَش]
nine	نُه
ten	دَه
man	مَرد
woman	زَن
sir, gentleman	آقا
madam, lady	خانُم
father	پِدَر
mother	مادَر
son, boy	پِسَر
daughter, girl	دُختَر
child	بَچّه (ّ = بَچ چه)[1]
sister	خواهَر (= خاهَر)
brother	بَرادَر

1 – The sign « ّ » above a letter indicates a prolonged articulation of the sound involved

house, home	خانه [خونه]
house	مَنزِل
room	اُتاق
hour, watch, clock, time	ساعَت
a female name	ژاله
a female name	پَروین
a male name	ناصِر
a male name	عَلی
(he, she) has	دارَد [داره].
is	اَست / ست [س/ ـِ (= ـه / ه)]
are	هَستَند [هَستَن / ـَ ن]
come	بیا
go	بُرُو
now	حالا
and	وَ [اُ = o]
yes	بَله
what?	چه
what?	چی

چیست (= چی است) [چیه] ؟	what is?
کی ؟	who?
کیست (= کی است) [کیه] ؟	who is?

تمرین ۱۳

بشنوید و تکرار کنید :

۱.

این مرد	this man
این آقا	
این میز	
آن خانه [اون خونه]	
آن زَن	
آن خانُم	
یِک مرد [یه مَرد]	one man
دُو مَرد[1]	
دَه مَرد	
یِک مِداد [یه مِداد]	

1 – The noun following the cardinal numbers must be in the singular form For the other categories of the numbers, see book 2

سه مِداد

یِک شَب [یه تَب]

هَفت شَب [هَف شَب]

these two men — این دُو مَرد

آن سه مِداد [اون سه مِداد]

day and night — روز و شَب

سه روز و چَهار [چار] شَب

این سه روز و چهار شب

این دو پِسَر وَ آن سه دُختَر

بیا اینجا

بُرو آنجا [اونجا]

این چیست [چیه]؟

(It) is seven o'clock — ساعت هَفت است [هَفته].

تمرین ۱۴

write in Farsi and repeat :

بفارسی بنویسید و تکرار کنید:

1. That room
2. This book
3 This father
4. That mother
5 This child
6. That sister
7 That brother
8. This clock
9 This lady and this gentleman
10 Man and woman
11 That man and this woman
12 Three chairs
13 One chair
14. Seven books and eight pens
15. One book and one pen
16. These two children
17 Those nine tables
18 This table and those ten pencils
19 Father and son
20. This mother and daughter
21 That sister and brother
22 Five brothers and four sisters
23 One day and night
24 That one room
25 Those ten rooms
26. Eight hours

بخش ۲

Part II

تمرین ۱۵

بشنوید و تکرار کنید:

.۲

This is

این است
is this

[اینه][1]
is this

This is a table

این یک میز است.
is table a this

[این یه میزه]
is table a this

1. ه / ـه (e) is suffixed to words ending in a consonant or the vowel /

That is a chair

آن یک صَندَلی است.

[اون یه صَندَلیه]

is chair a that

He is a gentleman

او یک آقاست (= است)

[او/ اون یه آقا س][1]

is gentleman a he

آن یک خانه است.

[اون یه خونَس][2]

is house a that

Ali is here

علی اینجاست [س]

is here Ali

Where is he?

او کُجاست [س]؟

is where he

---

1 س (s) is suffixed to words ending in a vowel
2 when the final vowel of the word is e, it changes into the vowel a and then takes س (s)

Jaleh is there

ژاله آنجا ست.

is there Jaleh

[ژاله اونجاس]

Is Jaleh there?

ژاله آنجاست؟

بَله، او آنجا ست [اونجاس]

is there she yes

What is that?

آن چیست؟

[اون چیه؟]

Who is this woman?

این زَن کیست؟

[این زَن کیه؟]

تمرین ۱۶

Write in Farsi and repeat :

به فارسی بنویسید و تکرار کنید:

1 Who is that man?

2. This lady has three children

3. Where is she today?

4 He is there tonight

5 There are six books and eight notebooks here

6 Where are those nine men and ten women?

7 That gentleman has five brothers and one sister

8 Who are this man and that woman?

9 This house has four rooms

10 Those two tables and ten chairs are there

11 Has Ali (any) son?

12 Yes, he has two sons

13 This man is Ali and that lady is Parvin

14 Who are these six women?

15. Where is Nader?

16 He is here

17 Where is she now?

18. Come here tonight.

19. Go home now.

20. It is four o'clock.

21. Jaleh has three watches

تمرین ۱۷ گُفت و شُنود

Dialogue

بشنوید و تکرار کنید:

عَلی: [این چیه؟

پَروین: این یه قَلَمه.

علی: اون چیه؟.

پروین: اون یه مَرده.

علی: اون آقا کیه؟

پروین: اون آقا، نادِره.

علی: این خانم و اون آقا کی هَستَن؟ /کیَن؟

پروین: راله وَ نادِر

علی: ژاله دُختر داره؟ Has Jaleh (any) daughter?

پروین: بله، او یه دختر داره.

علی: اینجا کُجاس؟

پروین: اینجا اِصفَهانه

علی: اونجا چیه؟

پروین: اونجا یه میز و شیش صندلیه.

علی: کی اونجاس؟

پروین: چار پِسَر و هَف دُختَر.

علی: نادِر اِمشَب کُجاس؟

پروین: او اِمشَب اینجاس.

علی: حالا اون دو خواهر و سه بَرادر کجا هستن؟

پروین: اون دو دُختر و سه پِسَر حالا اینجان.

علی: نادِر بَچّه داره؟ Has Nader (any) children?

پروین: بله، او یه بچّه داره.

علی: اون بچّه، پسره یا دختر؟ Is that child (a) boy or (a) girl?

پروین: بچّه، دختره.

علی: اون مادر و بچّه امروز کُجان؟

پروین: خُونه هَستَن.]

درس ۴

بَخش ۱

واژگان

خوب	good, nice, well
بَد	bad
زیبا	beautiful
قَشَنگ	pretty, nice, beautiful
زِشت	ugly, nasty
تَمیز	clean, tidy
کَثیف	dirty
کُهنه	old
پیر	old
دانا	wise
جَوان [جَوون]	young, youth

new	نُو
big, large, great	بُزُرگ
small	کوچَک [کوچیک]
tiny, very small	ریز
cold	سَرد
cool	خُنَک
warm	گَرم
hot	داغ
thirsty	تِشنه
hungry	گُرُسنه [گُشنه]
white	سِفید
black	سیاه
yellow	زَرد
green	سَبز
sweet	شیرین
sour	تُرش
apple	سیب
grape	اَنگور

lemon	لیمو
thing	چیز
door	دَر
window	پَنجِره
wall	دیوار
open	باز [واز]
closed, shut	بَسته
water	آب
weather, air	هَوا
horse	اَسب
dog	سَگ
cat	گُربه
week	هَفته
month, moon	ماه
minute	دَقیقه [دَیقه]
second	ثانیه
tomorrow	فَردا
the day after tomorrow	پَس‌فَردا

the day before yesterday	پَریروز
slowly, gently	یَواش
slowly, gently	آهِسته
fast, quick, quickly	تُند
all	هَمه
all of	هَمهٔ (= هَمهیِ)
all of	تمامِ
always, all the time	هَمیشه
when?	کِی؟
which?	کُدام [کُدوم]؟
how?	چطور؟
again	دُوباره
(he, she, it) was	بود
(they) were	بودَند [بودَن]
(he, she, it) went.	رَفت
(they) went	رَفتَند [رَفتَن]
(he, she, it) came.	آمَد [اومَد]
(they) came	آمَدَند [اومَدَن]

۳. مَعرِفه وَ نَکَره

indefinite definite

معرفه + { ـ ی / یِک [یه] ـ / یِک .... ی } ← نکره[1][2]

a man	مَرد + ی ← مَردی
a man	یِک [یه] + مَرد ← یِک [یه] مَرد
a man	یِک [یه] + مَرد + ی ← یِک [یه] مَردی

---

1 The definite is usually without any symbol 2 The indefinite is expressed in three ways a) by adding an – *i* to the end of the noun, b) by putting the word *yek* "one, a" before the definite noun, c) by using both *yek* and – *i* The latter is the most common spoken form

تمرین ۱۸

بشنوید و تکرار کنید:

گُربه‌ای اینجاست[1] [س]

یک اَسب آنجا بود.

[یه اَسبی اونجا بود]

دیروز یک خانُم آمد اینجا.

[دیروز یه خانُمی اومد اینجا]

یک [یه] سَگ هَمیشه آنجاست [اونجاس].

یک هَفته هَفت روز است.

[یه هفته هَف روزه.]

دَری باز بود.

[یه دری واز بود.]

چیزی.

[یه چیز]

[یه چیزی]

---

1 The verb usually comes at the end of the sentence

مُفرَد وَ جمَع

plural singular

مفرد + «ها» [ا] ← جمع

مرد + ها ← مَردها	men
اَسب + ها ← اَسبها	horses
[اَسب + ا ← اَسبا]	horses

تمرین ۱۹

بشنوید و تکرار کنید:

آنها [اونا]	those, they
پِدَرها [پدرا]	the fathers
پِدَرهایی (= ی)	some fathers.
[پدرایی]	some fathers
کِتابها [کِتابا]	the books
کتابهایی [کتابایی]	some books

[یه کتابایی] some books

چیزها the things

[یه حیزایی] some things

آن بَچّه (= بحچه)

هَفت بَچّه

آن هَفت بَچّه

بَچّه‌ها

بَچّه‌هایی

آن [اون] بچّه‌ها آمدند [اومَدن]

هَمه رَفتَند [رفتن] Everybody (= all) went

هَمهٔ (= یِ) آنها رَفتَند. All of them went

تَمامِ بچّه‌ها رفتند.

هَمهٔ شب all the night

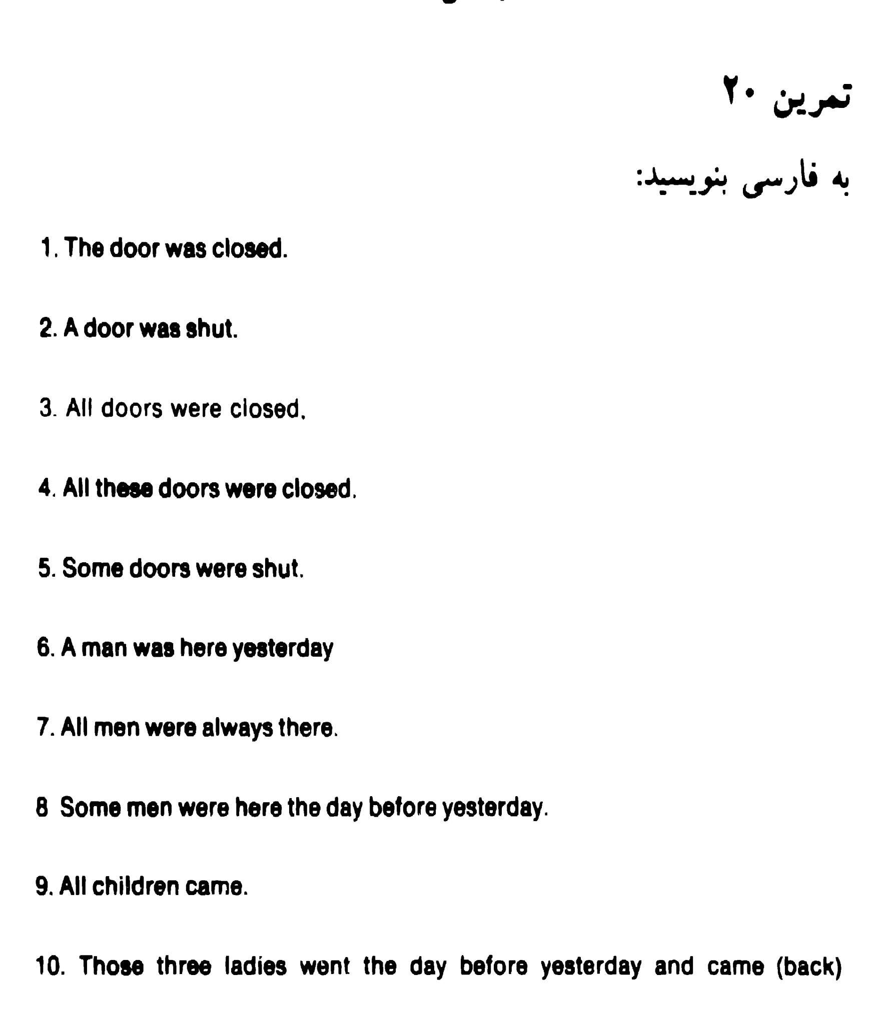
تَمامِ سب all the night

هَمهٔ شبها all nights

تَمامِ سبها all nights

این بنج پِسَر دُوباره آمدند [اومَدن]

این خانُمها کِی اینجا آمدند؟ When did these ladies come here?



بخش ۲

تمرین ۲۰

به فارسی بنویسید:

1. The door was closed.

2. A door was shut.

3. All doors were closed.

4. All these doors were closed.

5. Some doors were shut.

6. A man was here yesterday

7. All men were always there.

8 Some men were here the day before yesterday.

9. All children came.

10. Those three ladies went the day before yesterday and came (back) yesterday.

11. When did that boy come here?

۵. اِسم وَ صِفَت[1]

adjective noun

اِسم + { ـِـ / یِ } + صِفَت

the hungry man مَردِ گُرُسنه ⟵ گُرُسنه + ـِـ + مَرد

good weather هوایِ خوب ⟵ خوب + یِ + هَوا

تمرین ۲۱

بشنوید و تکرار کنید:

دخترِ زیبا

مَردِ جَوان

1 The adjective usually follows the noun It is joined to the qualified noun by an – e (or – ye when the word ends in a vowel other than i) to the end of the noun

هَوایِ سَرد

لیمویِ تُرش

پَنجِرهٔ (= یِ) باز

خانهٔ (= یِ) بُزُرگ

چیزِ خوب

چیزهایِ بَد[۱] — bad things

مرد هایِ زشت

خانه‌هایِ بُزُرگی — some big houses

کُدام [کُدوم] دخترِ زیبا؟ — which beautiful girl?

کُدام [کُدوم] خانه‌هایِ [خونه‌هایِ] بُزُرگ؟ — which big houses?

این دُو پَنجِرهٔ (= یِ) بَسته — these two closed windows

آن گُربهٔ سِفیدِ قَشَنگ[۲] — that pretty white cat

این دَرِ کثیف و کُهنه — this old and dirty door

---

1 Plural nouns always take singular adjectives

2 Adjectives can follow each other by either – e joined to the preceding one or va, o "and" between the two

تمرین ۲۲

بشنوید و بنویسید :

هَوایِ گَرم.

پَریروز هَوا گَرم بود.

اَسبِ سفید.

این اسبها سفید هَستَند.

سیبهایِ سبز تُرش هَستَند.

اَنگورِ زَرد شیرین اَست.

آن پِدَرِ پیر سه پِسَرِ جَوان دارَد.

این مادَرِ جوان دو بچّهٔ کوچکِ تمیز دارَد.

آن زَنهایِ پیر آهِسته رَفتَند. Those old women went slowly

اینجا هَمیشه هَوا سَرد اَست.

آن چیزهای خوب کُجا هَستَند؟

[اون مردِ گُشنه کِی اومد؟]

۶. تَعَجُّب[1] Surprise

۱ ـ ۶ { چه / عَجَب } + اسم... + ی ! ! What a

چه + شَب + ی ← چه شَبی! What a night!

عَجَب + شَب + ی ← عَجَب شَبی! What a night!

تمرین ۲۳

بشنوید و تکرار کنید:

چه روزی!	What a day!
عَجَب روزی!	What a day!
چه روزِ خوبی!	What a nice day!
بَه‌بَه عَجَب روزِ خوبی!	How nice! What a nice day!
بَه‌بَه چه خانهٔ(= یِ) تمیزِ زیبایی!	How nice! What a beautiful clean house!
چه پَنجِرهٔ زِشت وَ کُهنه‌ای(= ی)!	What an old and ugly window!
عَجَب شَبِ سَردیست [سَردیه]!	What a cold night it is!
چه مُعَلّمِ خوبی!	
چه خانه‌هائی!	What houses!
چه لیموهایِ شیرینی!	What sweet lemons!

---

1 Surprise is expressed by the word *che* 'what' before nouns, adjectives, adverbs, and verbs and an -*i* after them. When the surprise is great and intensive, the word *ajab* 'wonder' is used

۲ ـ ۶ { چه / عَجَب } + { صِفَت / فِعل verb } how.... !

چه + بَد چه بَد! how bad (it is)!

عَجَب + تُرشه عَجَب تُرشه! how sour it is!

تمرین ۲۴

بشنوید و تکرار کنید:

چه خوب!	How nice!
چه زیباست!	How beatiful it is!
عَجَب خوبه!	How nice it is!
چه خوبه!	How nice it is!
چه بَده!	How bad it is!
عَجَب تُند رَفت!	How fast she went!
[چه یَواش اومَد!]	How slowly he, she, it came!

چه سَرده!

این سیب عَجَب تُرشه!

[اون مردِ پیر عَجَب گُشنهَ س!]

هوا عَجَب گَرمه!

این آب چه کَثیف و داغه!

۷. چه[1] + اسم... + ی؟

چه + پول + ی ←— چه پولی؟ What money?

چه + کِتاب + ی ←— چه کِتابی؟ What book?

تمرین ۲۵

شنوید و تکرار کنید:

چه روزی؟	What day?
چه روری!	What a day!
حه کتابِ کُهنه‌ای؟	What old book?
چه کتابِ کهنه‌ای!	What an old book!
چه کاغَدهایی؟ [چه کاغذایی؟]	What papers?
[چه کاغدایی!]	What papers!
چه قَلَمهایِ سیاهی؟ [چه قَلَمایِ سیاهی؟]	What black pens?
چه کَسی[2] آنجاست؟ [چه کَسی اونجاس؟]	What person is there?
حه کَسی دیروز اینجا بود؟	What person was here yesterday?
چه چیزهایِ نشَنگی اینجاست!	What pretty things are here!

---

1 چه is only a question word when it is stressed. In this case, the structure has no implication of surprise. 2 kas = person

تمرین ۲۶

جمله بسازید: Make sentences·

۱. سیاه ، گُربهٔ ، آنجا ، است.

۲. این ، گَرم ، آب ، است.

۳. اَست ، او ، تِشنه ، وَ ، گُرُسنه.

۴. آن ، زَرد ، سَگ ، بَچّه ، پَنج ، دارَد.

۵. خانُمِ ، این، جوان، پسَر ، دارد، یِک.

۶. تُرش ، بَد ، است، اَنگور.

۷. کُهنه ، پَنجِره ، وَ ، است ، کَثیف.

۸. اِینجا، بِنِشین[1] ، وَ ، بیا.

۹. کَثیف ، دیوارِ ، است ، زِشت.

۱۰. مَردِ ، پیر ، وَ ، تَمیزی ، بود ، اینجا.

---

1 Sit down

گفت و شنود

تمرین ۲۷

بشنوید و تکرار کنید:

ناصِر[۱]: [سَلام[۲].

پَروین[۳]: سَلام.

ناصر: اِمروز هَوا چِطوره؟

پروین: یه کَمی[۴] سَرده.

ن: هَوایِ سَرد خوبه؟

پ: نه زیاد[۵].

ن: پَریروز هَوا چطور بود؟

پ: خِیلی[۶] گَرم بود.

ن: اون پَنجره بازه؟

پ: نَه[۷]، بَستَه س.

ن: اون زنهایِ جَوون کِی رَفتَن خونه؟

پ: اونا پَریروز اینجا بودَن وَلی[۸] دیروز همه رفتن.

---

1 A male name 2 hello 3 A female name, 4 a little 5 not much 6 very, much 7 no 8 but

ن: اون زنِ پیر گُرُسنَه س؟

پ: بله، خِیلی گُشنَه س.

ن: دَرِ بُزُرگ بازه.

پ: دَرِ کوچیک هَم[1] وازه.

ن: این سیبایِ سَبز هَمه تُرشَن.

پ: اَنگورام (= انگورها هَم) تُرشَن.

ن: ساعَت چَندِه[2]؟

پ: هَفت و یازده[3] دَیقه.

ن: خُداحافِظ[4].

پ: خُداحافِظ.

---

1 too, also 2 What is the time? 3 eleven, 4 bye bye, good bye

درس ۵

بَخش ۱

واژگان

سَر	head
مو	hair
اَبرو	eyebrow
چَشم [چِشم]	eye
لَب	lip
صورَت	face
گوش	ear
دَست	hand
پا	foot ,leg
پوست	skin

friend	دوست
wife	زَن، خانُم
husband	شُوهَر
name	اِسم
teacher	مُعَلِّم
professor	اُستاد
student, pupil	شاگِرد
university student	دانِشجو
elementary school	دَبِستان
secondary school	دَبیرِستان
university	دانِشگاه
tea	چای [چایی]
cube sugar	قَند
sugar	شِکَر
milk	شیر
coffee	قَهوه
bread	نان [نون]
cheese	پَنیر

butter	کَره
yoghurt	ماست
date (palm)	خُرما
fruit	میوه
cherry	گیلاس
pear	گُلابی
peach	هُلو
orange	پُرتِقال
tangerine	نارِنگی
garden	باغ
tree	دِرَخت
unripe	کال، نارَس
condition (of health), present	حال
fat	چاق
thin	لاغَر
light	سَبُک
heavy	سَنگین
salty	شور

bitter	تَلخ
right	راست
left	چَپ
colour	رَنگ
red	قِرمِز، سُرخ
blue	آبی
brown	قَهوه‌یی
animal	حِیوان [حِیوون]
ass, donkey	خَر، اُلاغ
cow	گاو
calf	گوساله
sheep	گوسفَند
meat, flesh	گوشت
city	شَهر
country	کِشوَر
eleven	یازدَه
twelve	دَوازدَه
thirteen	سیزدَه

fourteen	چهاردَه [چاردَه]
fifteen	پانزدَه [پونزدَه]
sixteen	شانزدَه [شونزدَه]
seventeen	هِفدَه [هیودَه]
eighteen	هِجدَه [هیژدَه]
nineteen	نوزدَه
twenty	بیست [بیس]
still, yet	هَنوز
below, underneath	زیر
top, surface	رو

۸. پَسوندهایِ «بودن» «to - be» Endings

مَن ⟵⟶ ـَ م[1]
am

تُو[2] ⟵⟶ ـ ی
you (sing.) are

او [اون] ⟵⟶ ـ ست [ه]
he/ she — he/ she/ it — is

ما ⟵⟶ ـ یم
we — are

شُما ⟵⟶ ـ ید [ـ ین]
you — are

ایشان [ایشون]، آنها [اونا] ⟵⟶ ـَ ند [ـَ ن]
they — they/ those — are

تمرین ۲۸

بشنوید و تکرار کنید:

مَن + ـَ م ⟵ مَنَم	I am
تُو + ـ ی ⟵ تویی	You (sing.) are
او + ـ ست (= اَست) ⟵ اوست	He/ she is
[اون + ـِ ⟵ اونه]	He/ she/ it is

1 You have noticed that '(he, she, it) is' is expressed by the addition of – e/– st' to the words, other than the verbs The rest of the series, e g (I) am, (you) are etc can be expressed in the same way but by different suffixes as the above 2 The scond person singular is only used in speaking to the inferior, intimate friends, or members of the family

We are.	ما + — یم ⟵ ماییم
You are	شُما + — ید ⟵ شُمایید
You are	[شُما + — ین ⟵ شمایین]
They are.	ایشان + ـَ ند ⟵ ایشانَند
	[ایشون + ـَ ن ⟵ ایشونَن]
They are	آنها + ـَ ند ⟵ آنهایَند
They are	[اونا + — ن ⟵ اونان]

تمرین ۲۹

بشنوید و تکرار کنید:

(I) am well	خوب + ـَ م ⟵ خوبَم
I am well	مَن خوبَم[1]
(you) are well.	خوب + ی ⟵ خوبی
You are well	تُو خوبی

1 The Personal Pronouns can be used with their corresponding suffixes to emphasize the subject

(he/she/it) is well	خوب + ـَ ست (= اَست) ← خوبَست
(he/she/it) is well	[خوب + ـِ ← خوبه]
He/she is well	او خوبَست
He/she/it is well	[اون خوب + ـِ ← اون خوبه]
(we) are well	خوب + یم ← خوبیم
We are well	ما خوبیم
(you) are well	خوب + ید ← خوبید
(you) are well	[خوب + — ین ← خوبین]
You are well	شُما خوبید [خوبین]
(they) are well.	خوب + ـَ ند ← خوبَند
They are well.	ایشان خوبَند
They are well	[ایشون خوب + ـَ ن ← خوبَن]
They are well.	[اونا خوبَن]

تمرین ۳۰

Write into Farsi

به فارسی بنویسید:

1 (it) is pretty

2 I am still young

3 (it) is bad

4 These clothes[1] are clean

5 That old woman is still beautiful

6 (a) dirty dress[2] is very bad

7 Where are (you)?

8 How is he?

9 [How is (it)?]

10 Which city?

11 [Which student is here?]

12 Who is ugly?

13 What is this?

14 [What is that?]

15 The fruits are all unripe

16 [Where am I now?]

17 [This old tree is still green]

18 [The old shoes[3] are here]

19 Where is the wise old man?

20 We are all well

21 [You (sing) are thirsty, not hungry]

22 [it (=the air) is cool today, not cold]

23 [You are still a little (too) fat]

24 Where is he now?

25 She was here (for) eight weeks

---

۱ ـ لباسها ۲ ـ لباس ۳ ـ کفشها

بخش ۲

اِضافه[۱] Genetive

اسم + {ِ / یِ[۲]} + اسم / ضَمیر
pronoun

چَشمِ پدَر	father's eye
گوشِ او	his ear
اَبرویِ شما	your eyebrow
خانهٔ (= خانه‌یِ) حَسَن	Hassan's house

1 The genetive is formed by adding an –e (or –ye when the word ends in a vowel other than i) to the end of the governing noun, which preceeds the governed word. This –e is similar in function to the English 'of' and «'s»

2 ی (– ye) is added to the noun when it ends in a vowel

تمرین ۳۱

بشنوید و تکرار کنید :

دَستِ مادَر	mother's hand (= the hand of mother)
دو پایِ مَن	my two feet (= the two feet of me)
مویِ پَروین	
گُلابیِ دوستِ شُما	your friend's pear
قَهوهٔ (= یِ) تُرکیه[1]	
خانُمِ حَسَنی	Miss / Mrs Hassani
آقایِ شاکِری	Mr Shakeri
کِشوَرِ ایران	the country of Iran
شهرِ شیراز[2]	
شوهَرِ ایران[3]	
زَنِ فَرهاد[4]	
بَرگِ سبزِ دِرَخت	
اَسبِ کی؟	whose horse?

---

1 Turkey
2 A city in the south of Iran
3 A female name
4 A male name

[اون اَسبِ کیه؟]

گوشتِ گوساله — veal (= the meat of calf)

گوشتِ گاو — beef (= the meat fo cow)

رَنگِ سُرخ — red colour (= the colour of red)

رَنگِ پُوستِ برادَرِ من سیاهَست [هه]

زیرِ میز — under the table (= under of table)

رویِ کاغذ — on the paper (= on top of paper)

تمرین ۳۲

به فارسی ترجمه کنید

Translate into Farsi

1 His wife

2 Her husband

3 My friends

4 Your (sing.) eyes

5 Your students

6 Our professor

7 Your teacher's name

8 My right hand

9 His wife's left eye (= the left eye of his wife)

10 Mutton (= the meat of sheep)

11 The brown dress of Babak's teacher

12. My son's tea

13 The university of Tehran is very big

14 That green tangerine is unripe

15 Your fifteen cherries are all red

16 Donkeys are good animals (= donkey is a good animal)

17 Esfahan is a beautiful big city

18 Milk is white but coffee is brown

19 Who are those thin women?

20 Those fat men were here yesterday

21 (the) small garden

22 (the) walls of my friend's big garden

23 The yellow cherries are very small (= tiny)

24 These sixteen peach trees (= the trees of peach)

25 (the) weather (=air) of Tabriz city (=city of Tabriz) is always cold

26 Her sister's blue dress is still new, but your (sing.) wife's red dress is old

27 Twelve students and seventeen university students

28 This is a pear tree and that is an orange tree

29 There is a white horse under the tree (= a white horse is under the tree)

30 Those five books are on the table, and that heavy clock is on the wall

31 A black and white cat is on the tree

32 Your left hand is on my right eye

33 The colour of the hair of their son's teacher is red (= the colour of the hair of the teacher of the son of they)

تمرین ۳۳

بشنوید و تکرار کنید:

۱۰. مالِ مَن[1]	mine
مالِ تُو	yours (sing)
مالِ او [اون]	his, hers
مالِ ما	ours
مالِ شما	yours
مالِ آنها [اونا] ایشان [ایشون]	theirs
مالِ کی؟	whose?
مالِ علی	Ali's

اینِ مالِ من است.

[این مالِ مَنه]

آن چایِ شیرین مالِ تُوست.

[اون چایِ شیرین مالِ تُوس]

این نان و کَره مالِ اوست.

[این نون و پَنیر مالِ اونه]

1 the Property of me

آن قَهوهٔ (= یِ) تَلخ مالِ کیست؟

[اون قَهوهٔ تلخ مالِ کیه؟]

ماستِ تُرش مالِ دوستِ ماست.

[ماستِ تُرش مالِ دوست ماس]

آن میوه‌هایِ شیرین مالِ باغِ پدرِ خانُمِ شماست.

Those sweet fruits belong to the garden of your wife's father.

این صَندلیهایِ قَهوه‌یی مالِ اُتاقِ آنهاست.

[این صندلیایِ قَهوه‌یی مالِ اُتاقِ اوناس]

تمرین ۳۴

به فارسی بنویسید و تکرار کنید:

Put Into Farsi and repeat

1 This is mine, but where is yours?

2 That big house is still theirs

3 What is hers?

4. This book was yours (sing) yesterday, but is his now.

5. This country is always ours

6. All good things belong to your city

7 These yellow peaches belong to Ali's garden

8 That blue dress is Iran's

9 Mine is yours, and hers is the children's

10 Whose are these very light shoes?

11 Whose tea is this?

12 Whose sister is Sima?

13 These children are ours?

14 That black chair is hers

بخش ۳

۱۱. ضمیرهای ملکی پیوسته Suffixed Possessive Pronouns

کتاب + َ م[1] = کتابِ من	My book
کتاب + َ ت [ِ ت] = کتابِ تو	Your (sing.) book
کتاب + َ ش [ِ ش] = کتابِ او	His / her book
کتاب + ِ مان [ِ مون] = کتابِ ما	Our book
کتاب + ِ تان [ِ تون] = کتابِ شما	Your book
کتاب + ِ شان [ِ شون] = کتابِ ایشان	Their book

---

1 The possesssive case can also be expressed by the possessive pronouns as the above. If, however, we wish to emphasize the fact of ownership of something the second structure is more frequently used.

When the preceding word ends with/i á, o, u/a /y/ intervenes between the two vowels in the written form, e.g. *mu + am* ⟶ *muyam*. But in the spoken form the first vowel of the suffix drops, e.g. *mu + at* ⟶ *mut*. And when the preceding word ends in e, the e changes into a together with the omission of the initial vowel of the suffix, e.g. *khune + emun* ⟶ *khunamun*. But this happens only in the spoken form.

تمرین ۳۵

بشنوید و تکرار کنید

پدرَم

پدرِ من

اَبرویَت

[اَبروت]

ابرویِ تُو

بَچّه اَش

[بَچَّش]

گُلابیِمان (= گلابیِ‌مان)

[گُلابیمون]

پایِمان

[پامون]

دَستهایِتان

[دَستاتون]

رادیو یِشان

[رادیوشون]

دانشجویِتان

دانشجویِ جَوانِتان[1]

اَسبِ سفیدِ زیبایَم

پَنجرهٔ اُتاقِمان

لباسهایِ کَثیف و کُهنه‌اَت

[لباسایِ کثیف و کُهنَت]

---

1 When the noun is accompanied by some other elements such as nouns, adjectives, etc the pronoun joins the last part of the structure

خُود + ضمیرِ مِلکی / اسم[1]

خُود + ـَ م ⟵ خودَم = خودِ من	myself
خود + ـَ ت [ـِ ت] ⟵ خودَت = خودِ تو	yourself
خود + ـَ ش [ـِ ش] ⟵ خودَش = خودِ او	herself / himself
خود + ـِ مان [ـِ مون] ⟵ خودِمان = خودِ ما	ourselves
خود + ـِ تان [ـِ تون] ⟵ خودِتان = خودِ شما	yourselves
خود + ـِ شان [ـِ شون] ⟵ خودِشان = خود ایشان / آنها	themselves

1 For further emphasis of ownership the word *khod* 'self' may be used with either the separate or suffixed forms of the pronouns It may also be used with a qualifying noun

تمرین ۳۶

بشنوید و تکرار کنید:

Nasser himself	خودِ ناصر
the brothers themselves	خودِ بَرادَرها
my father himself	خودِ پدرَم
my father himself	پدرَم خودَش
I myself	من خودَم
we ourselves	ما خودِمان
you yourselves	شما خودِتان
You yourself go!	تو خودَت بُرو.
they themselves	آنها خودِشان
My son himself came	پسرِ من خودَش آمد.
She herself went	خودِ او رفت.
She herself went	او خودَش رفت.
They are themselves	آنها خودِشان هستند.
They are themselves	[اونا خودِشونَن.]
The sisters themselves went	خواهرها خودِشان رفتَند.

The sisters themselves went	[خواهرا خودِشون رفتَن.]
my own friend (= the friend of myself)	دوستِ خودِ من
your own son	پِسَرِ خودِتان
our own house	[خونهٔ خودِمون]

تمرین ۳۷

Put into Farsi

به فارسی بنویسید:

1 My pretty and good girl

2 Where are their children?

3 Where was your friend last night?

4 His foot is under the table

5 Her eleven oranges are on the table

6 [Our young son is (at) home]

7 My sister's right ear

8 Her husband's blue clothes

9 Their old father's left eye

10 The old door and window of our room

11 His wife herself came.

12 Her husband himself went

13 My daughter's teacher himself was here

14. [All my sons themselves are there.]

15 I myself.

16 Farhad himself.

17. You yourselves

18 They were themselves here yesterday

19 Where is Jaleh herself?

20. Where are they themselves?

تمرین ۳۸

بشنوید و تکرار کنید:

ناصر: [سَلامْ عَلیکُم.[1]

پروین: سلام، حالِتون چطوره؟

ن: مَمنونَم[2]، خِیلی خوبم، حالِ شما چطوره؟

پ: مَنم (= من هَم)[3] خوبم، خِیلی مُتِشَکّرم.[4]

ن: حالِ مادرِتون چطوره؟ ایشون حالا بِهتَرَن[5]؟

پ: بَله، بِهتَرَن خُدا رو شُکر[6].

پ: بِبَخشید[7]، اون آقا و خانم کِیَن؟

ن: آقایِ ایزدی[8] و خانُمِشون.

پ: دوستِ شما هستن؟

ن: بله، دوستای خوبِ من.

پ: دوستایِ خودتون یا[9] دوستای برادرِتون؟

ن: دوستایِ خودِمن.

ن: آقایِ ایزدی!، بِفَرمایید[10] اینجا.

---

1 Hallo to you 2 thank you (= I am grateful) 3 I too 4 I am thankful 5 It is a polite way to use plural pronoun and verb for a singular subject 6 thank God
7 Excuse me 8 A surname 9 or 10 A polite word for asking somebody to come, to go, to sit, to eat, to speak, etc depending on the situation

ن: ایشون آقایِ ایزدی، خانُمِ ایزدی.

پ: خُوشوَقتَم[۱]، بِفرمایین.

ایزدی: خِیلی مَمنونَم[۲].

ن: ایشون خانمِ دُکتُر[۳] پروینِ صَفا[۴] هَستَن.

پ: بِبَخشید، شُما بچّه هم دارین؟

خانم ایزدی: بَله، ما سه بچّه داریم، دوپسر و یه دختر.

ن: چَند سال دارَن[۵]؟

آقای ایزدی: پسرامون، یکی شون بیس سال داره و اون یکی هیودَه سال، دخترِمون یازدَه سالِشه[۶].

پ: ببخشید، روزا کجا میرَن؟

خانم ایزدی: پسرِ بُزُرگِمون میره دانشگاهِ تهران، پسرِ کوچکتَرِمون میره دبیرستانِ اِبنِ‌سینا، و دخترِمون دَبستانِ رازی.

آقای ایزدی: بِبَخشید، ساعت چَنده؟

ن: نُه و بیست دَیقه.

خانم ایزدی: خُداحافظ.

پ: خدانِگَهدار[۷].]

---

1 Nice to see you (= I am happy)   2 I am very grateful   3 doctor, Dr
4 A surname   5 How old are they (=how many years have they?)   6 Our daughter is eleven (= is her eleven years)   7 Good bye

درس ۶

بخش ۱

واژگان

گُل	flower
گُلدان [گُلدون]	vase
شِکوفه	blossom
بَرگ	leaf
یاس	jasmin
نَرگِس	narcissus
خیابان [خیابون]	street, avenue, road
کوچه	lane, alley
مِیدان [مِیدون]	square
راه	road, way

shop	مَغازه
shop	دُکّان [دُکون]
department store	فُروشگاه
butcher's shop	قَصّابی
bakery	نانوایی [نونوایی]
dairy shop	لَبَنیاتی
grocery shop	خواربار فُروشی
green-grocery shop	سَبزی فُروشی
fruitmonger	میوه فروشی
turkey	بوقَلَمون
chicken	مُرغ
fish	ماهی
onion	پیاز
potato	سیب‌زمینی
tomato	گُوجه فَرَنگی
lettuce	کاهو
cucumber	خیار
melon	خَربُزه

water melon	هِندِوانه [هِندونه]
banana	مُوز
rice	بِرِنج
cooking oil	رُوغَن
egg	تُخمِ‌مُرغ
cheap	اَرزان [آرزون]
expensive	گِران [گِرون]
morning	صُبح [صُب]
tomorrow morning	فَردا صُبح
yesterday morning	دیروز صُبح
this morning	اِمروز صُبح
good morning!	صُبح بِخیر
breakfast	صُبحانه
noon, midday	ظُهر
tomorrow midday	فَردا ظُهر
lunch	ناهار
evening	عَصر
tomorrow evening	فَردا عَصر

supper	شام
delicious	لَذیذ
food	غَذا
people	مَردُم
season	فَصل
spring	بَهار
summer	تابِستان [تابِستون]
automn, fall	پاییز
winter	زِمستان [زِمستون]
money	پول
Tuman (Iranian money)	تومان [تُومَن]
Rial (Iranian money)	ریال [اِزار]
Kilo	کیلو
little, few	کَم
a little	کَمی [یه کَمی]
much, many, plenty	زیاد
more, greater	بیشتَر
late	دیر

early, soon	زود
far, distant	دور
near	نَزدیک
long	دِراز
short	کوتاه
to buy	خَریدَن
to be	بودَن
to go	رَفتَن
to come	آمَدَن [اومَدَن]
to sit	نِشَستَن
of, from, since	اَز
till, to, as far as	تا
in, into, at	دَر
to	به
why?	چِرا؟
every	هَر
everyday	هَر روز
everybody, anybody	هَرکَس، هَرکَسی

صِفَت + ـ تَر ⟵ صفتِ بَرتَر[1]

مردِ جوان　　　　مردِ جوانتَر

۱ ـ ۱۳. صِفَتِ بَرتَر + اَز[2]

این مرد جوانتَر اَز آن مرد است.

تمرین ۳۹

بشنوید و تکرار کنید:

سیبِ شیرین

سیبِ شیرینتَر

این سیب شیرینتَر اَز آنست [اونه].

سیبِ شیرینتَر مالِ شُماست [شُماس].

دیروز سردتَر اَز امروز بود.

شُما پیرتَر اَز همه‌اید [این].

کدام خانه بیشتَر اُتاق دارد؟

[کُدوم خونه بیشتر اُتاق داره؟]

1 The comparative adjective is formed by adding the suffix *-tar* to the adjective
2 The English "than" is expressed by *az* "of, from" which follows the adjective

این بهتَر[1] است یا آن؟ = این خوبتَر است یا آن؟

[این بهتَره یا اون؟]

پولِ کی کَمتَر است؟ مالِ من یا مالِ او؟ [پولِ کی کمتَره؟]

کُدام [کدوم] راه دِرازتَر است [درازتره] ؟ اَز تِهران تـا رَشت[2]

یـا از تِهران تـا کِرمان[3] ؟

امروز حالَم بهتَر است [بهتَره].

در ایران گوشتِ گوسفَند گِرانتر از گوشتِ گاو است.

مُرغ ارزانتَر از گوشتِ گوساله است [گوسالَس].

ماهی لَذیذتر از مُرغ است [مُرغه].

خیابانِ [خیابونِ] رِی کوتاهتَر از خیابانِ اِنقِلاب است [اِنقِلابه].

آنها دیرتَر از ما آمَدند وَ زودتَر رَفتَند.

[اونا دیرتَر از ما اومَدن وَ زودتَر رَفتن].

اِمشب حالَش خیلی بهتَر است.

[اِمشب حالِش خیلی بهتَره].

اَکبَر[4] هِجدَه تومان بیشتَر از ناهید[5] دارد.

[اکبر هیزده تومَن زیادتر از ناهید داره].

سه کیلو کاهو خیلی ارزانتَر از دو کیلو مُوز است [مُوزه].

1 *khub* "good" has two comparative forms, i e *khubtar* and *behtar* The latter is much more common 2 A city in the north of Iran 3 A city in the south of Iran
4 A male name 5 A female name

بخش ۲

۱۴. صِفَتِ بَرتَرین Superlative adjective

صِفَت + ـ تَرین ← صفتِ بَرتَرین[۱]

جَوان + ترین ← جوانتَرین

جوانتَرین مَرد

زیباتَرین زَن

جَوانتَرینِ مَردها

زیباتَرینِ زَنها

---

1 The Superlative is formed by adding – *tarin* to the adjective The superlative adjective always precedes the noun

تمرین ۴۰

بشنوید و تکرار کنید:

شهرِ بُزُرگ

بُزُرگتَرین شهر

تهران بُزُرگتَرین شهرِ ایرانَست.

مِیدانِ فِردُوسی کوچکتَرینِ میدانهایِ تهرانست.

Ferdowsi Square is the smallest of (all) squares in (= of) Tehran

اینها کوچکتَرین میدانهایِ تهرانَند

These are the smallest squares in Tehran

تمرین ۴۱

بشنوید و تکرار کنید:

دیشَب سردتَرین شبِ سال بود.

تابِستان گرمتَرین فَصل است [فَصله].

حَسَن بِهتَرین[1] دانشجویِ دانشگاهِ تهرانَست [تهرانه].

بَرادرِ شما بِهتَرین دوستِ پِسرِ مَن است [مَنه].

بَهار زیباترین فصلِ سالَست [ساله].

1 *khub* "good" has two superlative forms, i e khubtarin and behtarin The latter is much more common

زیباترینِ گُلها کُدام اَست [کُدومه]؟

Which is the most beautiful of the flowers?

یاس قَشنگتَرینِ گُلهاست.

اینها قشنگتَرین شکوفه‌هایِ باغِ شما هستَند [هستَن].

مَغازهٔ (= یِ) رضا[1] نَزدیکتَرین مغازه به کوچهٔ ماست [س].

Reza's shop is the nearest one (= shop) to our alley

[بیشتَرین پول مالِ کیه؟]

Whose is the geatest money?

این، بُزُرگترین اُتاقِ خانهٔ [خونهٔ] من اَست [مَنه].

ماهی لَذیذترین غذایِ اوست [اونه].

تمرین ۴۲

Put into Farsi and repeat

به فارسی بنویسید و تکرار کنید:

1 Banana is much more expensive than cucumber

2 4 kiloes (of) water-melon is cheaper than 6 kiloes (of) melon

3 Winter is much colder than automn

4 Spring is a little cooler than summer

5 [Your food is much more delicious than mine]

---

1 A male name

6. Mordad is the warmest month of the summer

7 The best breakfast is egg and butter.

8 [They have thirteen Rials more than you (sing)]

9 Sepah store is the biggest store in (= of) your city

10 He went earlier than everybody (= all)

۱۵. مَصدَر[1] Infinitive

۱ ـ ۱۵ مَصدَر ـ[2] ـَن ← سِتاکِ گُذشته[3]

past stem

خَرِیدَن ـ ـَن ← خَرِید (He / she) bought

رَفتَن ـ ـَن ← رَفت (He / she) went

آمدَن ـ ـَن ← آمد (He / she) came

بودَن ـ ـَن ← بود (He / she) was

نِشَستَن ـ ـَن ← نِشَست (He / she) sat

---

1 The Infinitive of verbs ends in either *dan* or *tan* When the – *an* is taken off the infinitive the remainder will be the Past stem (see also p 106) The past stem is equivalent to the 3rd person singular of the simple past tense 2 The sign (——) means minus 3 The verbs in Farsi have two stems or roots past and present All tenses are derived from these two stems

سِتاکِ گُذَشته + شِناسهٔ صَرفی[۱] ← گُذَشته ساده

رَفت + ـَ م ← رَفتَم	(I) went
من رفتَم[۲]	I went
رَفت + ـ ی ← رفتی	(you, sing.) went
تُو رَفتی	You went
رَفت	(he / she) went
او رَفت	He, she went
رَفت + ـ یم ← رفتیم	(we) went
ما رفتیم	We went
رفت + ید [ـ ین] ← رفتید [رفتین]	(you) went
شما رفتید [رفتین]	You went
رفت + ـَ ند [ـَ ن] ← رفتَند [رفتَن]	(they) went
ایشان [ایشون] رفتَند [رفتَن]	They went
آنها [اونا] رفتَند [رفتَن]	They went

---

1 The verb in Farsi is conjugated, i.e. each person of the verb has a particular ending except the 3rd person singular in the simple past, which has no ending. The conjugational endings play the role of the subject, and they differ from the to-be suffixes (see p. 67) in that they are peculiar to the verb only and have no special meaning. The former endings, on the other hand, can not be used with verbs, and imply the meaning of to be. 2 The personal pronouns (see p. 67) can be used with the personal endings to emphasize the subject.

تمرین ۴۳

بشنوید و تکرار کنید:

دیروز سه کیلو سیب‌زمینی از سبزی‌فروشی خَریدَم.

سما دیروز صُبح دو کیلو گوشتِ گوسفند از قصّابی خریدید.

او دیروز عصر دو مرغ و سه ماهی خرید.

امروز صُبح کَمی پنیر از لبنیاتیِ نزدیکِ خانه‌مان خریدیم.

[اِمروزصُب یه کَمی پنیر از لبنیاتیِ نزدیکِ خونَمون خریدیم.]

پَریروز صُبح [صُب] ساعَتِ یازدَه کُجا بودید [بودین]؟

آنها دیشب ساعَتِ نُه به خانهٔ مَن آمَدند.

تُو رویِ این صَندَلی نِنشَستی، ولی دوستَت آنجا نِشَست.

کِی به اینجا آمدید؟ وَ کی اینجا بود؟

چرا دیر آمدید؟

[بِبَخشید، فَقَط پَنج دَیقه دیر اومَدَم.]

تمرین ۴۴

به فارسی بنویسید :

ɔu sat.

ːat

e was

Γhey were]

(they) bought]

We came]

She went

He came

You (sing) bought.

I came

You were here

2 (you) sat

3 He sat

4 We went

5 We were

16 They were

17 You bought

18 (we) sat

19 [They sat on the chairs]

20 I bought a water-melon

21 They came from Tabriz[1]

22 I was at home

23. Her father bought a small house last year

24 My sister went to Kerman this morning

25 It is a long way from Gilan[2] to Ahvaz[3] (= from Gilan to Ahvaz is a long way)

26 To me (= to I)

A city in the north of Iran   2 A northern province in Iran   3 A city in the south of Iran

27 To them

28 To you

29 To him

30 To us

31 To you (sing)

32 From me (= from I) to you.

33 From us to them

34 From you to my brother

35 Since last night

36 From ten to twelve

37 From 5 o'clock (= hour of five)

to 11 o'clock

38 From the house to the store

39 Sooner or later (= late or soon)

40 [All of them were (at) home.]

41 I sat on the chair near him

(= near of him)

۱۷. حالِ اِخباری Present indicative

می ‌ـ + ستاکِ حال[1] + تِناسهٔ صَرفی ← حالِ اِخباری
present stem

رَفتَن ← رَفت ← ـ رَو ـ

می ـ + رَو + ـَ م	← میرَوَم [میرَم]	(I) go
می ـ + رَو + ـ ی	← میرَوی [میری]	(you) go
می ـ + رَو + ـَ د	← میرَوَد [میره]	(he, she) goes
می ـ + رَو + ـ یم	← میرویم [میریم]	(we) go
می ـ + رَو + ـ ید ـ ین	← میرَوید [میرین]	(you) go
می ـ + رَو + ـَ نَد [ـَ ن]	← میرَوند [میرَن]	(they) go

1 The present stem is usually derived from the past stem by making some changes But there are some cases in which the present stem is completely different from the past stem However, to the present stem the prefix *mi* – and the conjugational endings are added, and this gives the present tense The present of *budan* 'to be and *dāshtan* to have however, do not take the prefix *mi* However, from now onwards the infinitive and the present stem of the verbs will be given

تمرین ۴۵

بشنوید و تکرار کنید:

خَریدَن ← خَرید ← خَر

آمَدَن ← آمد ← آ

نِشَستَن ← نِشَست ← نِشین

مَن هَر روز یِک کیلو خیار از سبزی‌فروشی میخَرَم.

تو هَر ماه پنج کیلو برنج از خواربارفروشیِ بَرادَرت میخَری.

پدرِ اَفشین[1] هَر سال یِک گُلدانِ بُزُرگ میخَرَد.

[پدرِ اَفشین هَر سال یه گلدونِ بزرگ میخَره.]

ما دَر زِمستان بیشتَر از تابِستان شِکَر وَ رُوغَن میخَریم.

شما فردا صُبح یِک خانهٔ کوچَک دَر خیابانِ رِی میخَرید.

[شما فردا صُب یه خونهٔ کوچیک تو[2] خیابونِ رِی میخَرین][3].

مَردُم در فَصلِ تابِستان میوه بیشتَر میخَرَند.

[مردم در فصل تابستون میوه بیشتر میخَرَن].

چرا مردم در فصلِ تابستان میوه بیشتر میخَرَند [میخَرَن]؟

---

1 A male name 2 A colloquial word for در meaning "in, into" 3 Note that the present tense is usually used for future in colloquial style

تمرین ۴۶

بشنوید و تکرار کنید:

من امشب به خانه می‌آیَم[1].

[من امشب میام خونه].

از کجا می‌آیی وَ به کجا میرَوی؟

[از کجا میای وَ کجا میری؟]

استادِ فارسی هَر روز به دانشگاه می‌آیَد [میاد].

ما هَر ماه به اینجا می‌آییم.

چرا ما هَر ماه به اینجا می‌آییم؟

[ما هر ماه میایم اینجا].

شما هر هفته به شهرِ ما می‌آیید [میایین].

آنها فردا ساعتِ هشتِ صبح به مَشهَد می‌آیَند.

[اونا فردا ساعتِ هشتِ صُب میان مشهد].

من رویِ این صندلی می‌نِشینَم.

---

1 Persian orthography does not permit of two vowels coming together without a separating consonant Thus when a suffix beginning with a vowel is to be added to a word ending in a vowel, or a prefix ending in a vowel has to be placed before a word beginning with a vowel, it is necessory to insert a *y* or a *hamze* (glottal stop) In certain cases, however, some other consonants are also used This spelling is in general reflected in pronunciation So, instead of *miâam* we write and pronounce *miyâyam*

بِهزاد[1] همیشه رویِ [رو] آن [اون] صندلی می‌نشینَد [می‌نشینه].

شما کجا می‌نشینید [می‌شینین]؟

ما زیرِ این درختِ گیلاس می‌نشینیم [می‌شینیم].

تو نزدیکِ من می‌نشینی [می‌شینی]؟

چرا تو نزدیکِ من می‌نشینی [می‌شینی]؟

آنها [اونا] دور از پنجره می‌نشینَند [می‌شینَن].

چِرا شما همیشه رویِ این صندلیِ کوچَک [کوچیک] می‌نشینید [می‌شینین]؟

---

1 A male name

تمرین ۴۷

بشنوید و تکرار کنید

هَستَن[1] ← هَست[2] / اَست[3]

بودَن ← بود

من فردا شب تا ساعتِ نُه در خانه هَستَم.

[من فردا شب تا ساعتِ نه خونه هَستَم.]

تو چهار سال بُزُرگتر از من هَستی.

[تو چار سال بزرگتر از مَنی.]

چیزی آنجا [اونجا] هَست؟

[بله، یه چیزی اونجاس.]

من و آقایِ عَسکَری[4] دوست هَستیم [دوستیم].

سیما وَ خانُمِ پروین داوَری[5] خواهَر هَستید [خواهَرین]

بچّه‌هایِ آقایِ سالار[6] زیبا هَستَند [زیبان].

چرا لِباسَش کَثیف است؟

چرا بابک ساعتِ یازدهِ صبح خانه است؟

[چرا بابک ساعتِ یازدهِ صُب خونَس؟]

1 This infinitive, which is actually an imaginary one, has rather the meaning of 'to exist', 'there is', etc and is never used in its own right 2 This form, being the only exception to rule (see p 97), is the present stem of the verb 'to be' and is equivalent to the 3rd person singular 3 This form is only used in the 3rd person singular 4, 5, 6 A surname

تمرین ۴۸

به فارسی بنویسید:

1 Where will you be (= are you) tomorrow evening?

2 When will he come to our house?

3 When will they be here?

4 When are you (sing) at home?

5 My cat sits under the table

6 When did you come from France[1]?

7 When will (= does) she come from England[2]?

8 When do you go shopping[3]?

9 Where do you sit? Near the apple tree or far from it?

10 What does your friend buy? Chicken or fish or turkey?

11 My wife bought 3 kiloes of potato and one kilo of veal

Potato was cheap but veal was very expensive

12 Why is potato much cheaper than beef?

13 Why do they go to America[4] every year?

14 Why do you come late, and go early (= soon)?

---

۱ فَرانسه ۲ اِنگلیس ۳ خَرید ۴ آمریکا

15. What are you going to sit on? (= on what do you sit?)

16 How did you come as far as here?

17. I was at the school[1] till 9 o'clock in the evening (= the hour of nine of night)

18 I will buy a little of butter from your father's shop

19 Come (and) sit near me

20 I am much shorter than your elder brother

تمرین ۴۹

جمله بسازید.

۱. تومان، پیاز، دو کیلو، بازده ، (هستن)

۲. شب، فردا، کجا، شما، (رفتن)

۳. کوچک، ـــ تر، برادر، من، کِی، (رفتن)

۴. حسن، پسرِ، دیروز، شش، کیلو، هندوانه، (خریدن)

۵. آقایِ، مغازۀ، حَسَنی، کدام، خیابان، در (هستن)

۶. پیر، ـــ ترین، دانشگاه، شیراز، استاد، کی (هستن)

۷. او، کدام، زیرِ، درخت، (نشستن)

---

[1] مدرسه

۸. ساعتِ، دیشب، هشت، کجا، آنها، (بودن)

۹. مالِ، من، قشنگ، یا، ــ تر، گربهٔ، شما (بودن)

۱۰. کدام، از، کشور، تُو (آمدن)

۱۱. دیروز، بهزاد، ساعت، دُو، دیر، (آمدن)

۱۲. چرا، دیر، شب، هر، تُو، خانه، به، (آمدن)

۱۳. شهر، کدام، به، حالا، تُو ، (رفتن)

۱۴. من، عصر، فردا، سینما[1]، به، (رفتن)

تمرین ۵۰

جَوابِ سُؤالهایِ زیر را در یک جُمله بنویسید:

Write a sentence in reply to the following questions

۱. بزرگترین کشورِ جَهان[2] کدامست؟

۲. نامِ[3] کشورِ شما چیست؟

۳. سردترین فصلِ سال کدامست؟

۴. فردا کجا میروید؟ (بازار[4])

۵. [رنگِ لباسِتون چیه؟] (قهوه‌ای)

۶. اسمِ بزرگترین شهرِ کشورتان چیست؟

---

1. Cinema. 2 World 3. Name 4 Market, bazaar

۷. [اسمِ خودتون چیه؟]

۸. روزها کجا هستید وَ شبها کجا؟ (اِداره[1]، خانه)

۹. به نَظَرِ شما[2] پاییز بهتر است یا بهار؟

۱۰. به نَظَرِ شما رنگِ سفید قَشَنگتر است یا رنگِ آبی؟

۱۱. شما در تابستان میوه بیشتر میخرید یا در زمستان؟

۱۲. میوه در چه مَغازه‌ای هست؟

۱۳. از چه دکّانی نان میخرید؟

۱۴. از چه فروشگاهی برنج و رُوغن میخرید؟

۱۵. در شهر شما گوشت گرانتر است یا تخمِ‌مرغ؟

---

1 Office 2 In your opinion

تمرین ۵۱

بشنوید و تکرار کنید:

یک گفت و شنودِ تِلِفُنی — A telephone call

احمدِ[1] راجی[2]: دو... دو... هشت... یک... نه... یک... الُو...
منزلِ آقایِ مُهَندِس[3] کِیوان[4]؟

:بله، بفرمایین.

احمد: آقایِ مهندس هَستن؟
گوشی[5]... کیوان، تِلِفُن...

کیوان: بَنده[6] مهندس کیوان، بفرمایین.

احمد: سلام، مهندس جان[7]، من احمدِ راجی.

کیوان: سلا...م احمد جان، حالِتون چطُوره؟ خوبین؟

احمد: آره[8]، خوبم، خِیلی مُتِشَکّرم، شما چطورین؟، بچّه‌ها خوبَن؟

کیوان: مَمنونم[9]، همه خوبن.

احمد: پسرِتون از ایتالیا[10] اومد؟

کیوان: آره، پریروز ساعتِ شیشِ صُب اومد.

---

1 A male name 2 A surname 3 Engineer 4 A surname 5 Hold on the line
6 'slave', a formal and humble expression for the pronoun I 7 A very friendly expression, equivalent in meaning to 'dear', used after the names of intimate friends, children etc
8 An informal word for 'yes', mostly used in Tehran 9 Thank you 10 Italy

احمد: خُب (= خوب)، چِسمِ سما رُوشَن[1].

کیوان: مُتِسکِرَم. خانُمِ شما کِی اَز هِند[2] میان؟

احمد: اونَم (= اون هَم) فردا سب ساعتِ ده میاد.

کیوان: خُب[3] (= خوب) چِسمِ سُمام (= سما هم) رُوسن. جه ساعتی میرین فُرودگاه ؟

احمد: ما ساعتِ هَف میریم فُرودگاه[4].

کیوان: ما هَم میاییم. وَلی یه کمی دیرتر. هواپیما[5] چه ساعتی می‌سینه؟

احمد: ساعتِ هستِ سب. خوسبَختانه[6] زود میاد.

کیوان: باسه[7]. ما ساعتِ نُه میاییم. سما کجا می‌تینین؟

احمد: تا آمدنِ سما ما نزدیکِ اِطّلاعات[8] می‌سینیم.

کیوان: خوبه[9]. تا فردا سب، خُداحافظ.

احمد: قُربانِ سما[10].

1 A complementary phrase, equivalent in meaning to how nice it is! congratulations etc addressed to some one who has had a passenger, dear guest, new born child, etc 2 India 3 Well 4 Airport 5 Aircraft 6 Fortunately 7 O K 8 Information desk 9 All right 10 A complementary expression used for good bye thank you etc

درس ۷

واژگان

قاشُق	spoon
چَنگال	fork
کارد	knife
لیوان	glass
اِستِکان	a small glass for tea
فِنجان [فِنجون]	cup
نَعلبَکی [نَلبَکی]	saucer
قوری	teapot
بُشقاب	plate
جوراب	sock, stocking

trousers	شَلوار
acket	کُت
shirt	پیراهَن [پیرَن]
tie	کِراوات
hat	کُلاه
vest	زیرپوش
pants, underpants	شُورت
pyjamas	پیژامه [پیجامه]
headdress, kerchief	روسَری
Islamic headdress	مَقنَعه
veil	چادُر
skirt	دامَن
glove	دَستکِش [دَسکِش]
coat, overcoat	پالتو
handkerchief	دَستمال [دَسمال]
pocket	جیب
button	دُکمه [دُگمه]
collar	یَخه [یَقه]

tight	تَنگ
loose, loose fitting	گُشاد
long, high	بُلَند
size	اَندازه
thirty	سی
fourty	چِهِل [چِل]
fifty	پَنجاه [پنجا]
sixty	شَصت [شَص]
seventy	هَفتاد
eighty	هَشتاد
ninety	نَوَد
hundred	صَد
thousand	هِزار
million	میلیون [مِلیون]
matter, story, subject	مُوضوع
price	قِیمَت
pair	جُفت [جُف]
half	نِصف

half	نیم[1]
quarter (usually for time)	رُبع [رُب][1]
sometimes	گاهی
often, very often	اَغلَب
next, then	بَعد
after	بَعد اَز
afternoon	بَعدازظُهر
ago, before	قَبل
before	قَبل اَز
later, then	بعداً (= بَعدَن)
already	قبلاً (= قَبلَن)
usually	مَعمولاً (= معمولَن)
nearly, almost, about	تَقریباً (= تَقریبَن)
please	لُطفاً (= لُطفَن)
time	دَفعه [دَفه]
time	بار
once	یکدفعه /یکبار

1 Usually used for fragments of numbers, time, weight, and the like, e g *nohonim* "nine and (a) half", *hashto rob* "eight and (a) quarter", *nim kilu* "half (a) kilo", etc

twice	دُوبار / دُو دفعه
few, how many?	چَند [چَن]
few, how many?	چَندتا [چَن‌تا][1]
several, many	چَندین
how much?	چِقَدر [چِقَد]؟
in, into, inside	تویِ [تو]
with	با
for	بَرایِ [بَرا]
only	فَقَط
to eat, to drink	خُوردَن
to give	دادَن
to see	دیدَن
to say, to tell	گُفتَن
to have	داشتَن

1 The word *chand* and also the Cardinal Numbers, other than yek, are usually followed by the particle tâ when used with tangible nouns It can not, therefore, be used with units of time, weight, money, etc This tâ, infact, helps the idea of plurality to become more concrete This structure is, however, mostly used in the colloquial style

۱۸. مفعولِ صَریح و مفعولِ غیرصَریح

۱ـ۱۸ اِسم /ضمیر + را [رُ] ← مفعولِ صَریح[1]

۲ـ۱۸ حرفِ اضافه + اسم /ضمیر ← مفعولِ غیرِ صَریح[2]

خانه + را ← خانه را

شما + را ← شما را

به + شما ← به شما

---

1 The Direct Object of a verb is usually indicated by the use of the postposition *rā* (colloquially *ro*), which is suffixed to the word or to the last word of a word group constituting the object. The particle *rā* also gives the object a sense of definiteness if it has not already received *-i*, the indefinite suffix (see p. 48). The direct object will have a general or generic sense when it is used without *rā*.

2 The indirect object is always preceded by a preposition.

تمرین ۵۲

بشنوید و تکرار کنید:

کتاب را خریدم.	I bought the book (already referred to).
کتابی را خریدم.	I bought a book
تَمامِ پولم را کتاب خریدم.	I bought book (s) (with) all my money
او را دیدَم.	I saw him
خانهٔ کوچکِ آنها را خریدم.	I bought their small house
دخترم با من به خانه آمد.	My daughter came home with me
اِسمش را به من گُفت.	She told me her name
این روسَری را بَرایِ مادرِتان خریدید. [این روسری‌رو بَرا مادرتون خریدین.]	(you) bought this headdress for your mother
این دامَنِ قَشَنگ را از کُجا خریدی؟	Where did you buy this pretty skirt from? (= from where?)

مصدر	ستاکِ گذشته	ستاکِ حال
خُوردن	خورد	خور
دادَن	داد	دِه
دیدَن	دید	بین
گُفتَن	گفت	گو
داشتَن	داشت	دار

تمرین ۵۳

بشنوید و تکرار کنید:

من بَعداً شما را می‌بینم.

آقا و خانمِ راجی دیشب ساعتِ هفت‌ونیم به دیدنِ ما آمدَند.

[شما اونارو اَغلَب تو فروشگاهِ نزدیکِ خونَشون می‌بینین.]

اکبر همیشه یک دَستمال توی جیبِ شلوارَش دارَد.[۱]

[اکبر همیشه یه دَسمال تو جیبِ شَلوارِش داره.]

---

[1] See footnote 1, p 102

شما چَند بچّه دارید؟

شما چند تا بچّه دارید؟

[شما چن‌تا بچّه دارین؟]

ما سه‌تا دختر و یک [یه] پسر داریم.

من فقط یک [یه] بچّه دارم.

شما چند جُفت جوراب دارید؟

[شما چن جُف جوراب دارین؟]

آنها بیست‌وچهار[1] جفت جوراب دارَند.

[اونا بیس‌وچار جف جوراب دارَن.]

دیروز چندبار او را دیدید؟

[دیروز چن‌بار اورو دیدین؟]

فقط یک دَفعه او را دیدم.

[فقط یه‌دَفه اورو دیدم.]

---

1. Compound numerals (e g sixty three) are formed by expressing the largest numeral first and, then, adding the lesser ones with the conjunction و (pronounced «O»), e g *hezaro sado haft – ādo panj* «1175»

تمرین ۵۴

جاهای خالی را پر کنید:

۱. شما... او... دیدید؟ (کِی، را)

۲. اومعمولاً... روزهایی... دیدنِ مادر... می‌رو...؟(به، ـ ش، چه، ـ د)

۳. ما فردا عصر. . آقایِ... بـه... میرو... (صَفا، سینما، بـا، ـ یم)

۴. قبل... من... کسی... دید...؟ (چه، از، را، ـ ید)

۵. من پدر... شما... چند.... قبل... اصفهان دید...(را، سالِ، بزرگِ، در، ـ م)

۶. [اندازهٔ... شوهرِ... چند...؟] (یقهٔ، ـ ه، ـ تون)

۷. اِمروز... و... خُرداد[1] هِزار... سیصد[2]... شصت... یکِ هِجریِ شَمسی[3]... (چهارِ، و، بیست، و،است، و)

۸. ... صبح... کیلو... از... برادرِ... میخَر... (عَسَل، مغازهٔ، نیم، تان، فردا، ـ یم)

۹. امروز بعد... نـاهار... و بـرادرتان... در... دوستم... بـین... (شما، از، خانهٔ، را، ـ م، می ـ)

۱۰. ... بزرگِ شما... سال‌دار ..؟ (چند، مادر، ـ د)

1 The third month of Iranian Calender 2 Three hundred 3 Hegira solar Iranian Calender beginning with the Hegira

۱۱. او نِصفِ غذایِ... را... مـن... دِهـ... (بــه، ــ ش، ــ د، می ــ)

۱۲. [او ... غذا... رو... من میده] (نصفِ ــ، ــ ش، به)

تمرین ۵۵

واژهٔ دُرُست را انتخاب کنید: choose the right word.

(نیم، نِصف، نِصفِ)

۱. ... پرتقال — half of the orange

۲. ... ساعت — half an hour.

۳. دو ساعت و... — two and half an hour

۴. ... مَردُم

۵. ... کتاب

۶. ... کیلو

۷. ... خانه

۸. ... شب

۹. ... پول

۱۰. صدونود و پنج و... — one hundred ninty five and a half

۱۱. ... راه

۱۲. سه‌و...

۱۳. سه‌کیلو و...

۱۴. ... هفت

۱۵. ... سه، یک و... است

۱۶. ... موضوع

۱۷. ... قِیمت

تمرین ۵۶

واژهٔ درست را انتخاب کنید.

(چَند، چَندتا، تا، چِقدر)

۱. ... دقیقه.

۲. [یه... ساعت.] a few hours

۳. ... ساگرد؟

۴. ... تومان.

۵. ... روز؟

۶. [یه... کیلو انار.] a few kiloes of pomegranate

۷. [یه... فنجون.]

۸. [یه... سال.]

۹. ... دَفعه.

۱۰. ... ماه.

۱۱. [یه... بُشقاب.]

۱۲. سه... گلابی.

۱۳. ... جُفت دستکش.

۱۴. چند... سیب؟

۱۵. چهل... قلم.

۱۶. ... شِکر؟

۱۷. ... پول؟

۱۸. از تهران تا کرمان... راه است؟

How far is Tehran from Kerman? (= how much way is)

۱۹. از شیراز تا اصفهان... کیلومتر[1] است؟

۲۰. ... قاشُق و چنگال.

۲۱. ... آب؟

۲۲. ... لیوان آب.

۲۳. ... کیلو گوشت.

۲۴. [قِیمتِ این پالتُو... ه؟]

۲۵. برنج کیلویی... است؟

1. Kilometer

بخش ۲

تمرین ۵۷

بشنوید و تکرار کنید.

او گاهی قبل از من غذایش را میخورد.

تو معمولاً روزی[1] سه بار غذا میخوری.

[شما معمولاً بعد از ساعتِ دوازده ونیم ناهارِتون رو میخورین.]

آنها [اونا] معمولاً چه ساعتی شام میخورَند [میخورَن]؟

دیروز چه خوردید و حالا چه میخورید؟

[سه روزِ قبل چی خوردین؟]

هفتهٔ قبل به من چه گفتید و حالا چه میگویید؟

[هفتهٔ فبل به من چی گفتین و حالا چی میگین؟]

مُوضوع چیست [چیه][2]؟

[جَریان[3] چیه؟]

بعداً جریان را به شما میگویَم.

[بعداً موضوع‌رو به شما میگَم.]

[فقط یه کمی از موضوع رو به پسرش گفت.][4]

کِی موضوع را [رو] به زنت میگویی [میگی]؟

1 A day 2 What is the matter? what is (it) about? 3 matter, story 4 He told his son only a little of the story

تمرین ۵۸

واژه درست را انتخاب کنید. Cnoose the right word

(قَبل، قَبل از، قَبلاً)

۱. ... شام. Before supper

۲. شبِ ... The night before

۳. شش ماهِ ... Six months ago

۴. ... شما.

۵. ... نصفِ شب.

۶. هَفتهٔ ...

۷. ... به شما گُفتم. I told you already

۸. ... ساعتِ چهار.

۹. ... هَر چیز. Before everything

۱۰. ... رفتنِ ما. Before we go (= before our going)

۱۱. پنج سالِ ...

۱۲. ... به او می‌گویَم.

(بَعد، بَعد از، بَعداً)

۱۳. روز ... The next day

۱۴. ... یک هفته. After one week

۱۵. ... من. After me

۱۶. ساعتِ ششِ ... ظُهر. Six o'clock in the afternoon.

۱۷. ... ساعتِ چهارِ ... ظهر. After 4 o'clock in the afternoon

۱۸. ناهارَم را ... می‌خورم. I (will) eat my lunch later

۱۹. ... خوردنِ غذا. After eating lunch

۲۰. پانزده سالِ ... Fifteen years later

۱۹. فعلِ أمر Imperative

بـ + ستاکِ حال ← فعلِ أمر[1]

بـ + گو ← بِگو tell (sing.)

بـ + گو + ید ← بِگویید tell (pl.)

تمرین ۵۹

بشنوید و تکرار کنید:

لطفاً کتاب را به من بِده. Give me the book.

لطفاً یک [یه] لیوان آب به او بِدهید [بدید، بدین].

لطفاً اسمتان را به پُلیس[2] بِگویید [بگید، بگین].

آدرسِ[3] خانه‌ات را به پلیس بگو.

امشب فقط سوپ[4] بِخور [بُخور].

---

1. The *Imperative* is formed by adding the prefix *be* – (or *bi*– before a vowel) to the present stem It has two persons singular and plural. The singular do not take any conjugational ending, but the plural takes *id* [*–in*]

2. Police 3 Address 4. Soup

[اَوَّل[1] سوپ بُخورین، بَعد غذا].

سوپ را [رو] قَبل از غَذا و چایی را [رو] بعد از غذا بُخور.

لطفاً امروز ظُهر بَرایِ ناهار به خانهٔ ما بیایید.

[لطفاً امروز بَرا ناهار بیاین خونهٔ ما].

با من بیا.

با برادَرت به خانهٔ عَمو بُرو.

[با برادِرت بُرو خونهٔ عمو].

لطفاً از اینجا بِرَوید [بِرید، بِرین].

این پیراهن خِیلی اَرزان است، آن را بِخَرید.

[این پیرَن خیلی ارزونه، اون رو بِخَرین].

1 First

تمرین ۶۰

به فارسی بنویسید و تکرار کنید.

1. Please tell (pl.) me the story.

2. Always tell (sing.) the truth

3. [Dad[1] buy me (= for me) this green jacket, please It is nice and cheap.]

4 Come (and) sit near me (= near to me), my son

5. Sit only on this chair.

6. Eat (pl.) salad[2] first.

7. [Have (=eat) your tea ten minutes later]

8. Eat (sing.) your food with spoon and fork

9. Go (and) see who (it) is

10. [Please give (pl.) me (= to me) your plate.]

11. Please give (pl.) me a cup (of) coffee

12 [Please give (=to) my friend a glass (of) water]

13 Please give (= to) him a small glass (of) tea.

---

۱ بابا ۲ سالاد

تمرین ۶۱

جاهای خالی را پر کنید.

۱. [... آقا، ... این ... چَند ...؟] (کُلاه، قیمتِ، ببخشید، ــ ه)

۲. قبل ... شما دو ... خانم آمد ... اینجا و دو ... سیب‌زمینی ... ــ ند.
(کیلو، از، تا، خرید، ــند)

۳. [آقای فُروشَنده[1]، این ... بَرا ... خِیلی ... ــ ه، لطفاً ... کوچیک... به ... بِد ...] (گُشاد، من، پالتو، یه، ــ تَر، من، ــ ید)

۴. [ولی این ... ی[2] یه ... تَنگ ــ ...، این ... پسرِ ... خوب...] (کمی، برا، یک ــ، من، ه، ه)

۵. [بِبخش ... آقا ... فروشنده، این انگورا شیرین ... یا تُرش، ... یی ... ه؟] (یِ، ــَن، کیلو، چند، ــ ید)

۶. [خانم، ... خِیلی خوبیه، اَوّل ... خورین ... بِخَرین، کیلو ... بیست ... پنج ...] (بـ ــ، بعد، انگورِ، ــ یی، و، تومن)

---

1 Seller 2. This one

۷. [آقایِ ....، لُطفاً ... کم ... تُند... بِـرو ....، .... هشت و ....، فـقط ... ساعت وَقت[1] ... یـم (یک، ـــی، ـــید، رانَـنده، ـــتر، نـــیمه، نـــیم، ساعت، دار ـــ)

۸. لطفاً ... تر بیا ... وَ ... ایـن ... نـزدیکِ ... تـان ... ـــید. (صندلی، بنشین ـــ ، نزدیک ـــ ، خواهرِ ـــ یید، رویِ)

۹. ... جُفت ... و ... زیرپوش و سه ... دُکمه ... من ... ـــخر. (تا، چند، چند تا، برایِ، جوراب، بـ ـــ)

۱۰. [این ... برایِ ... بُلَند ....، .... شلوارِ ... ـــ تر .... ـــ خر ـــ.] (شما، شلوار، ـــ ه، کوتاه ـــ، یه، ـــ ین، بـ ـــ)

1. Time.

بخش ۳

۲۰ فعلِ مَنفی Negative verb

نَـ / نِـ + فعل ← فِعلِ مَنفی[۱]

نَـ + رَفتَم ← نَرفتَم.	(I) did not go
نِـ + می‌رَوَم ← نِمی‌رَوَم.	(I) do not go
نَـ + رُو ← نَرو.	You (sing.) do not go!
نَـ + رَوید ← نَروید.	You (pl.) do not go!

تمرین ۶۲

بشنوید و تکرار کنید.

پریروز علی آمد ولی شما نَیامَدید.[۲]

چرا امروز به مَدرسه نَرفتی؟

هیچکَس[۳] در اداره نَبود.[۴]

هیچ چیز[۵] [هیچ‌چی] نَخوردم.

---

1 The negative verb is obtained by adding the prefix *na* – to the past tense and imperative, and *ne* – to the present tense. The prefix *mi* – (of the present tense) is retained, but the prefix *be* – (of the imperative) must be dropped. 2 See footnote 1, p. 104 3 Anybody, no one. 4 Unlike English, the negative expressions such as *hichkas* «no one» *hich chiz* «nothing» *hargez* «never» and the like require negative verbs. 5. Anything, nothing

آنها دیروز به بازار رفتند ولی هیچ چیز نَخریدند.

هیچ[1] [هیچ‌چی] پول دارید؟

نَخِیر[2]، هیچ پول نَدارم.

هیچکَس[3] را دیدید؟

نَخِیر، هیچکس را نَدیدم.

این مُوضوع را [رو] به هیچکس نَگو.

به من نَگُفتید هفتهٔ قبل کجا بودید.

هیچوَقت[4] دُروغ[5] نَگویید[6].

چرا غذایَت را نِمی‌خوری؟

مَجید[7] کتابهایَش را به کَسی[8] نِمیدهد.

[مَجید کتاباش رو به کِسی نِمیده].

گُرُسنه هَستی؟

نَخِیر، من گُرُسنه نیستَم[9].

تو هیچوقت در خانه نیستی.

مَجید شاگرد زرَنگی نیست.

ما برادر او نیستیم.

---

1. Any, none 2 No! 3 Anybody 4. Never (= no time) 5 Lie 6. Never tell lies (=lie) 7. A male name 8. Anybody 9 The negative form of hastam 'I am', hasti 'you (sing.)are' etc. is nistam 'I am not', nisti 'you are not', etc.

شما هَنوز پیر نیستید.

آنها هیچوَقت شاد نیستند.

احمد و ناصر هیچوقت با هَم[1] به مدرسه نِمی‌رَوَند.

تمرین ۶۳

فعلهای زیر را منفی کنید.

Make the following verbs negative

زمان حال	زمانِ گُذَشته	امر
من میگویَم[2] [میگم]	گُفتَم	
تو میگویی [میگی]	گفتی	بِگو
او میگویَد [میگه]	گفت	
ما میگوییم [میگیم]	گفتیم	
شما میگویید [میگید، میگین]	گفتید [گفتین]	بِگویید[بگید، بگین]
آنها میگویَند [میگَن]	گفتَند [گفتَن]	

1. Together 2 See footnote 1, p.104

مصدر	ستاک گذشته	ستاک حال
آوَردَن[1] ⟵	آوَرد ⟵	ـ آوَر [ـ آر]
بُردَن[2] ⟵	بُرد ⟵	ـ بَر
شُستَن[3] ⟵	شُست ⟵	ـ شوی [ـ شور]

میاوَرَم [میارَم]	آوَردم [آوُردم]	
میاوَری [میاری]	آوَردی [آوُردی]	بیاوَر[4] [بیار]
میاوَرَد [میاره]	آوَرد [آوُرد]	
میاوَریم [میاریم]	آوَردیم [آوُردیم]	
میاوَرید [میارید، میارین]	آوَردید [آوُردین]	بیاورید [بیارین]
میاوَرَند [میارَن]	آوَردَند [آوُردَن]	

1. To bring 2. To take away, to carry 3. To wash 4. See footnote 1, p 104

میبَرم	بُردَم	
میبَری	بُردی	
میبَرَد [میبَره]	بُرد	بِبَر
میبَریم	بُردیم	
میبَرید [میبرین]	بُردید [بُردین]	
میبَرَند [میبَرَن]	بُردَند [بُردَن]	بِبَرید [بِبَرین]

شُستَم	میشویَم [میشورَم]	
شُستی	میشویی [میشوری]	
شُست	میشویَد [میشوره]	بِشوی [بِشور]
شُستیم	میشوییم [میشوریم]	
شُستید [شستین]	میشویید [میشورین]	بشویید [بشورین]
شُستَند [شستَن]	میشویَند [میشورَن]	

تمرین ۶۴

جاهای خالی را پر کنید.

۱. مُعَلِّم ..... هَر ..... ساعتِ ..... یک ..... می.....

(سیب، دَه، ما، روز، ــ خورَد)

۲. علی ..... گوشتِ ..... نـ ..... خور .....

(هیچوقت، ـــ می، خوک[1]، ـَـ د)

۳. رویِ ..... صندلی ..... نِشینـ ......، ..... است.

(کثیف، این، نـ ـــ، ـــ ید)

۴. چرا ..... یَت ..... با ..... نـ ..... شو .....؟

(صابون[2]، ـــ می، دستها، ـــ یی، را)

۵. مادرِ ..... هَر ..... او ..... به ..... می .....

(روز، را، مدرسه، حَمید[3]، ـــ بَرَد)

۶. ..... بچّه ..... را ..... خودِ ..... به ..... نـ .....بَر .....؟

(ـــ می، ها، ـــ تان، سینما، با، ـــ ید، چرا)

۷. هفتهٔ ..... او ..... بیشه ..... از ..... بار ..... دید.....

(را، یک، قبل، ـــ تر، ـَـ م، نـ ـــ)

۸. فردا ..... تان ..... برایِ ..... می‌آور .....

(ـَـ م، ـــ تان، کتابـ ـــ، را)

۹. پسر ..... به ..... دُروغ ..... ـــ می ..... یَد.

(ـــ گو ـــ، نـ ـــ، من، ـَـ م)

۱۰. شما ..... روزی ..... بار .....ها ..... را ..... شو .....؟

(چند، معمولاً، می، دستـ ـــ، ـــ یید، یِتان)

---

1. Pig. 2. Soap. 3 A male name.

تمرین ۶۵

به فارسی بنویسید.

1. How much money do you have?

2. I have two thousand[1] five hundred[2] and seventy six Tomans.

3. How much time do we have?

4. You have only half an hour (= half hour time).

5. Where does he take his son to (= to where)?

6. [Why don't you bring my food for me?]

7. How many times a week do you see your mother?

8. [Go (and) wash your hands and face with soap.]

9. [Come (sing.) and eat (= come eat), then, go and sit (= go sit)]

10. Take your son with you (= with yourself)

11. Why doesn't she eat this delicious dish[3]?

12 They sometimes go to see their grand father

13. How old (= how many years) is (= has) your elder (= big) daughter?

14. Why don't you buy this nice skirt for your wife?

---

۱ دو هزار (do hezâr) ۲ پانصد (Pânsad) ۳ خوراک (Khorâk)

15. Why didn't you bring your sister with you?

16. How many buttons does his coat have?

17. What are you washing (= do you wash) your hands with? (= with what?)

18. Why doesn't he tell me (= to me) his friend's name?

19 Where are you (sing.) taking (= do you take) these dirty plates?

20. What time (= hour) do you usually eat breakfast?

تمرین ۶۶

بشنوید و تکرار کنید.

سیما خانم و مِهری خانم با هَم به خَرید می‌روند.

Miss Sima and Miss Mehri go shopping together

صدای زنگِ دَرِ خانهٔ مهری خانم .....

مهری: کیه؟

سیما: مَنَم، مهری خانم.

مهری: اومَدَم.

مهری: سلام ..... بَه‌بَه[1]، خوش آمدین[2].

---

1. Oh, lovely 2. You are welcome

سیما: سلام مهری خانم، حالِتون چطوره؟

مهری: متشکّرم، حال شما چطوره؟ بِفرمایین تو[۱].

سیما: نه، نِمیام تو، دیره، میرم خرید، شما میایین؟

مهری: آره، مَنَم (= من هَم) میام، چن دَیقه بیایین تو، یه اِستِکانِ چایی بُخورین، بَعد با هَم میریم.

مهری: خِیلی خوش اومَدین، چی میخورین؟ چایی یا آب پُرتقال[۲]؟

سیما: هوا یه کمی گرمه، آبِ پرتقال خُنَک بِهتَره، مَمنونم.

سیما: بَه بَه چه خُنَکه! دستِ شُما دَرد نَکُنه[۳].

مهری: خُب. حالا من حاضِرَم[۴]، بِریم[۵].

مهری: کُدوم فُروشگاه میریم؟

سیما: فروشگاهِ قُدس، همه چیز داره.

مهری: با تاکسی[۶] میریم یا با اُتوبوس[۷]؟

سیما: با هیچکدوم[۸]، پیاده[۹] میریم، نزدیکه. فقط دَه دَیقه راهه[۱۰].

مهری: باشِه، پَس تُندتر بِریم، یه کمی دیره.

مهری: امروز چی میخرین؟

سیما: خِیلی چیزا، یه جُف کفش، بَراخودم، شیش تا لیوان، چَن تا

---

1. Come in 2. Orange juice. 3 Thank you very much (= may your hand not be hurt). 4. (I) am ready. 5 Let us go 6 Taxi. 7. Bus 8. With none of them 9. On foot. 10. (It) is ten minutes walk (= way)

کارد و چَنگال، چَن تا شُورت و زیرپوش بَرا پسرَم. شُما چـی میخرین؟

مهری: من فقط یه روسَری بَرا خودم میخَرَم، یه دامن هَم بَرا فَریده، دخترم. خِیلی پول ندارَم.

سیما: من پول دارَم، چِقَد میخواییِن[1] (= میخایین)

مهری: نه، خیلی مَمنون، هیچ‌چی.

(در فروشگاه)

سیما: ببخشید آقا، یه جُفت کفش بَرا خودم میخوام[2].

فروشنده: اندازه‌تون چنده؟ چه رَنگ میخوایین؟

سیما: اندازهٔ پایِ من چِهِله، رَنگِ سفید میخوام.

فروشنده: متأسّفانه رنگِ سفید نداریم. صورَتی[3] داریم.

سیما: باشه، بِدین لطفاً، قِیمَتِش چَنده؟

فروشنده: سیصَد و هشتاد و پنج تومن.

سیما: خوبه، بفرمایین.

فروشنده: مُبارَکه[4]!

---

1 How much do you want? 2 (I) Want 3. Pink 4 Congratulation

درس ۸

Review دوره

تمرین ۶۷

Dictation دیکته

Write in persian letters

با حروف فارسی بنویسید.

1. Parıruz havå garm bud vali emshab khonak ast.

2 in asbhå sefid hastand valı ån olåghhå sıåhand

3. in mådare javån se bachcheye kuckake tamiz dårad.

4. havåye tehrån dar tåbestån garm va dar zemestån sard ast

5. in khånome pir yek pesare bıst såle dårad

6 u hasht hafte inıå bud 7. ån chåye shirin måle kıst?

8. in sandalihåye ghahvei måle otåghe ånhåst

9. ishån khånome doktor parvıne safå hastand

10. gole narges ghashangtarıne golhåst.

تمرین ۶۸

به فارسی بنویسید.

1 This man

2 Which woman?

3 From that boy

4 To which girl?

5 To that room

6 In this book

7 Which pencil?

8 Which gentelman?

9. What place?

10 On what table?

11 Under which table?

12 Who to?

13 Where from?

14. In this garden

15 Come here

16. Sit there

17 Go home

18. A night

19. One night

20 Eleven nights.

21 A man

22 One man.

23 Four men

24 To what place?

25 A woman

26. One woman

27. Five women

28. ten girls

29 thirteen boys

30 One hour

31 Six hours.

32 Where is he?

33. Where is Ali?

34. What is on the table?

35. Where is that man?

36 That man is here

37 That dog is in the house.

38 The pen is under the chair

39 These two pens.

40. These two men and three women

تمرین ۶۹

به فارسی بنویسید.

1 This mother

2 Those nine mothers

3 This father.

4 These eight fathers

5. What cat?

6. These cats.

7 These three cats.

8 What is this?

9. This is a pen.

10 Who is that?

11. That is a man.

12 Who is that lady?

13 She is Mrs Safa

14 What house?

15 What city is this?

16 This is Shiraz

17 Come here now

18 Babak is here today

19 There is a child here

20 A man came here

21 There was a horse over there

(= a horse was there)

22. There was a flower under the chair

23. A window was open.

24. A door was shut

25. The door of the house

26 The window of the room.

27 These windows

28 The windows of the rooms.

29 There is a vase on the table

30 From this house to that house

تمرین ۷۰

به فارسی بنویسید.

1 The children

2. The clean children

3 These dirty hands

4. These girls.

5 These intelligent[1] girls

6 Three intelligent and clever[2] students

7 This new and fast[3] car[4]

8. Which red car?

9 The clever driver[5]

10. Which clever driver?

11 A fast train[6]

12 A close[7] friend.

13 Which fast train goes to Ahvâz?

14. The angry[8] driver came again

15 Who came again?

16. Yesterday and today

17 Come fast and go slowly

---

۱ باهوش ۲ زِرَنگ ۳ سَریع ۴ ماشین ۵ رانَنده ۶ قَطار
۷ نَزدیک ۸ عَصَبانی

18 The sour grapes and the sweet pomegranates

19 A thirsty dog and a hungry cat

20. Cold air and warm water.

21 A kind[1] and learned[2] teacher

تمرین ۷۱

به فارسی بنویسید.

1 I am healthy [3]

2 You are sick (= ill)[4]

3 We are tired[5]

4 They are sick and tired

5 She is well and happy[6]

6 (His) uncle[7] is still young and chearful [8]

7 Where are (you)?

8 (Her) aunt[9] is always sad[10]

9 (My) grandfather[11] is very old but still healthy

10 How is (your) grandmother[12] ?

11 (I) am sorry[13]

12 His aunt[14] was in the hospital[15] yesterday

13 Your uncle[16] is here now

---

۱ مِهرَبان [مِهرَبون] ۲ باسواد ۳ سالِم ۴ مَریض، بیمار ۵ خَسته ۶ خوشحال ۷ عَمو (father's brother) ۸ شاد، شاداب ۹ خاله (mother's sister) ۱۰ غمگین ۱۱ پدربزرگ ۱۲ مادربزرگ ۱۳ مُتِأسِّف (moteassef) ۱۴ عَمّه (father's sister) ۱۵. بیمارستان ۱۶ دایی (mother's brother)

تمرین ۷۲

به فارسی بنویسید.

1 What a lovely[1] day!

2 How fat she is!

3 What a long and tiresome[2] road!

4 How heavy this table is!

5 How nice it is!

6 You bought two kiloes (of) honey[3]

7 What book did (you) buy?

8 Which car goes faster?

9 Which shop is nearer to your office

10 Whose is this unripe pear?

11 This intelligent young man is Mr Hassani's son

12 These sour apples belong to my uncle's garden

13 Whose are these old shoes, yours or his?

14 From which fruitmonger do they buy fruits (= fruit)

15 How far (= as far as where) do we go?

---

۱ خوب　　۲ خسته کننده　　۳ عسل

تمرین ۷۳

جاهای خالی را پر کنید.

۱. من خود ... آنجا بودم.

۲. شما خودتان آمد...

۳. ما خود ... در بیمارستان بود ...

۴. علی خود ... روی این صندلی می‌نشین ...

۵. تو خود ... به یَزد[1] آمد ...

۶. آنها خود ... به کرمان رفتن ...

۷. خودِ تُو ... لبنیاتی نزدیکِ خانه‌تان شیر ... کَره خرید ...

۸. آقای دکتر صفا خودتان هست ...؟

۹. صندلی شما رنگ ... سفید ...

۱۰. خانهٔ خودِ او در آبادان[2] ... ولی مالِ برادر ... در چه شهر ... است؟

---

1 A city in the center of Iran 2 A city in the south of Iran

تمرین ۷۴

جاهای خالی را پر کنید.

۱. پسرم هر روز به مدرسه ..... رَو .....

۲. من کی ....؟

۳. او مادر ..... بیمار .....

۴. پدرِ تو پیر ..... از پدرِ من .....

۵. خواهرِ زَهرا زیبا ..... از لِیلا[۱] .....

۶. سیما فداکار[۲] ..... زنِ روستا[۳]یِ ما .....

۷. این دو برادر هر هفته ..... مغازهٔ من ..... آ .....

۸. شما و دخترتان دیروز از ..... نُه و ده دقیقه ..... ساعت ده .....
بیست ..... در ادارهٔ من بود.....

۹. من و پسرم به آنجا رفت..... و در حدودِ[۴] یک ساعت نشست.....

۱۰. دیروز چه کسه ..... اینجا بود؟

۱۱. مُتِأسّفانه[۵] بیشترِ[۶] مَردُمِ جَهان بی‌سواد[۷] .....

۱۲. چه جا ..... بهتر ..... اینجا .....؟

۱۳. چرا شما همیشه از این فروشگاه کفش ..... خر.....

---

1 A female name 2. devoted 3 village 4 about, nearly (= in the limits of)
5. unfortunately 6 most of 7 illiterate

تمرین ۷۵

دیکته

با حروف فارسی بنویسید.

1 nâser behtarin dâneshjuye dâneshgahe ahvâz ast

2 maghâzeye akbar durtarin dokkân be khiâbâne mâst

3 mordâd garmtarin mâhe sàl ast

4 forushgâhe ghods bozorgtarin m[illegible]âzeye in shahr ast

5 mardom dar fasle zemestân kh[illegible]shtar mikharand

6 behzâd hamishe ruye in sand[illegible]inad

7 to davâzdah sâl kuchaktar a[illegible]

8 khiâre man talkh ast

9 bebakhshid, nâme keshvare [illegible]ist?

10 âghaye izadi va khânome [illegible] mâ hastand

تمرین ۷۶

تمرین ۶۶ را بخوانید و بعد حواب سؤالهای زیر را بنویسید

Read exercise 66 and then answer the following questions

۱. سیما خانم مادرِ مهری خانُم است؟

۲. مهری خانم برایِ سیما خانم چه /جی آوَرد؟

۳. سیما و مهری کُجا رفتند؟

۴. آنها با تاکسی رفتند یا با اتوبوس؟

۵. سیما در خانهٔ مهری چه /جی خورد؟

۶. سیما برای سرس چه /جی خَرید؟

۷. اسمِ دختر مِهری چیست؟

۸. سیما بیشتر بول داست یا مهری؟

۹. سیما به مهری چقَدر بول داد؟

۱۰. سیما برایِ خودَس چه / حی خَرید؟

۱۱. اندازهٔ پایِ سیما چند است؟

۱۲. سیما کفشِ سفید خَرید یا کفس صورتی؟

۱۳. چرا سیما کفشِ صورتی خَرید؟

۱۴. قیمتِ کفشِ صورتی چَند بود؟

کلیدِ تمرینها

Key to exercises

تمرین ۳

بَرادَر، ضَرَر، دانا، نادان، نَدارَد، بابا، عادَت، تابان، نازا،
باران، آزاد، آزار، زَبان، اِرادَت، تَرتاب.

تمرین ۵

قَنداغ، قَندان، مِهماندار، ضِدّ ... نَظم، زِندان، اِضطِراب،
اَردَها، هَمهَمه، اَرزان، اِعاده. ... ار، ذَرّه، مِقدار.

تمرین ۷

فاعِل، سَهل، ثَمَره، ثابِت، سُر- ... ف، مَفعول،
موسها، نوزدَه، صاعِقه، سو ... وَن.

تمرین ۱۰

اِنسان، شُما، شِکایَت، کوچه، ... ع، چِراغ،

اِیکاتس، گُل، گَردِش، قاضی ، صَحیح، نَـجیر، خـوب، جَـوان، مُوعِظه، مُوقِع، اُوصاف ، نُوزاد، صَندوق، عِید.

تمرین ۱۱

سَخت، شیرین، بیابان، پِسَر، دُختَر، مَرد، خانه، کِـتاب، بُـزُرگ، اینجا، آنـجا، اِمـروز، دیـروز، رولیده، اِمشَب، دیشَب، گُـرُسنه، دوباره، پَنجِره، قَشَنگ خُنَک، کـوچَک، آهسته، هَمیشه، مـادَر، مِداد، رُوشَن، عِینَک.

تمرین ۱۲

دریمی، لَند، بیوتیفول، پـرِدیکِیت، پِـلُو، پِـیمِنت، کـاراوان، گارانتی، هالیدِی، مِزِر، مووِمنت، پِلِزِر، ستیوپـیدیتی، هاسپیتال، سُسپَن، زیگزاگ، اَیـترنس، بـوچِر، شِیمِلِسلی، ایـنویزِبل، آگریکَلچِر، لارج، ویوید، جِنتِلمَن، پراسپِکت.

تمرین ۱۴

۱. آن اُتاق

۲. این کِتاب

۳. این پِدَر

۴. آن مادَر

۵. این بَچّه

۶. آن خواهَر

۷. آن بَرادَر

۸. این ساعَت

۹. این خانُم وَ این آقا

۱۰. مَرد و زَن

۱۱. آن مَرد وَ این زَن

۱۲. سه صَندَلی

۱۳. یِک [یه] صَندَلی

۱۴. هَفت [هَف] کتاب و هَ... [...] قَلَم

۱۵. یِک [یه] کِتاب و یِک [یه...

۱۶. این دو بَچّه

۱۷. آن نُه میز

۱۸. این میز و آن دَه مِداد

۱۹. پِدَر و پِسَر

۲۰. این مادَر و دُختَر

۲۱. آن خواهَر و بَرادَر

۲۲. پَنج بَرادَر و چَهار خواهَر

۲۳. یِک روز و شَب

۲۴. آن یِک اُتاق

۲۵. آن دَه اُتاق

۲۶. هَشت ساعَت

تمرین ۱۶

۱. آن مَرد کیست؟

۲. این خانُم سه بَچّه دارَد.

۳. او اِمروز کُجاست؟ / اِمروز او کُجاست؟

۴. او اِمشَب آنجاست. /اِمشَب او آنجاست.

۵. شِش کِتاب و هَشت دَفتَر اینجاست.

۶. آن نُه مَرد و دَه زَن کُجا هَستَند

۷. آن آقا پَنج بَرادَر و یِک خواهَر دارَد.

۸. این مَرد و آن زَن کی هَستَند؟

۹. این خانه چَهار اُتاق دارد.

۱۰. آن دو میز و دَه صَندَلی آنجا هَستَند.

۱۱. عَلی پِسَر دارَد؟

۱۲. بَله، او دو پِسَر دارَد.

۱۳. این مَرد عَلیست (= علی اَست) و آن خانُم پَروین اَست.

۱۴. این شِش زَن کی هَستَند؟

۱۵. نادِر کُجاست؟

۱۶. او اینجاست.

۱۷. او حالا کُجاست؟

۱۸. اِمشَب بیا اینجا.

۱۹. حالا بُرو خانه.

۲۰. ساعت چَهار است.

۲۱. راله سه ساعت دارَد.

تمرین ۲۰

۱. دَر بَسته بود.

۲. دَری بَسته بود / یِک دَر [illegible] بسته بود.

۳. تمامِ دَرها بَسته بودَند / [illegible]

۴. تمامِ / هَمهٔ این دَرها بَستـ[illegible]

۵. دَرهائی بَسته بودند.

۶. دیروز مردی / یک مَرد / یک مَردی اینجا بود.

۷. هَمهٔ / تَمامِ مَردها هَمیشه آنجا بودَند.

۸. پَریروز مَردهایی اینجا بودَند.

۹. تَمامِ / هَمهٔ بَچّه‌ها آمَدَند.

۱۰. آن سه خانُم پَریروز رَفتَند و دیروز آمَدَند.

۱۱. آن پِسَر کِی اینجا آمد؟ / کِی آن پِسَر اینجا آمَد؟

تمرین ۲۶

۱. گربهٔ سیاه آنجاست (= آنجا است).

۲. این آب گَرم است.

۳. او تِشنه وَ گُرُسنه است.

۴. آن سَگِ زَرد پَنج بَچّه دارَد.

۵. این خانُم جَوان یک پِسَر دارَد.

۶. اَنگورِ تُرش بَد است.

۷. پَنجِره کُهنه و کَثیف است / پَنجره کَثیف و کُهنه است.

۸. بیا اینجا و بِنشین / بیا و بِنشین اینجا.

۹. دیوارِ کَثیف زِشت است.

۱۰. مَردِ پیر و تَمیزی اینجا بود / مَردِ تَمیز و پیری اینجا بود.

تمرین ۳۰

۱. قَشَنگ است.

۲. مَن هَنوز جَوانَم.

۳. بَد است.

۴. این لِباسها تَمیزَند.

۵. آن زنِ پیر هَنوز زیبا...

۶. لباس کَثیف خِیلی بَد

۷. کُجایید؟

۸. او چطُور است؟

۹. [چطُوره؟]

۱۰. کُدام شَهر؟

۱۱. [کُدوم شاگِرد اینجا...

۱۲. کی رِشت است؟

۱۳. این چیست؟

۱۴. [اون چیه؟]

۱۵. میوه‌ها هَمه کالَند / ...

۱۶. [حالا من کُجام / من حالا کُجام؟]

۱۷. [این دِرَختِ پیر هَنوز سَبزه.]

۱۸. [کَفشهایِ کُهنه اینجان.]

۱۹. مَردِ پیرِ دانا کُجاست؟

۲۰. ما هَمه خوبیم.

۲۱. [تو تِشنه‌ای (= یی)، نَه گُرُسنه / گُشنه.]

۲۲. [اِمروز هَوا خُنَکه، نَه سَرد.]

۲۳. [شُما هَنوز یه کَمی چاقین.]

۲۴. او حالا کُجاست / حالا او کُجاست؟

۲۵. او هَشت هَفته اینجا بود.

تمرین ۳۲

۱. زَنِ او.

۲. شُوهرِ او.

۳. دوستهایِ من.

۴. چَشمهایِ تو.

۵. شاگِردهایِ شُما.

۶. اُستادِ ما.

۷. اسمِ مُعَلّمِ شما.

۸. دَستِ راستِ مَن.

۹. چَشمِ چَپِ زَنِ او.

۱۰. گوشتِ گوسفَند.

۱۱. لِباسِ قَهوه‌ایِ مُعَلّمِ بابَک.

۱۲. جایِ پِسَرِ مَن.

۱۳. دانشگاهِ تهران خِیلی بُزُرگ است.

۱۴. آن نارِنگیِ سَبز نا... کال است.

۱۵. پانزده گیلاسِ تُ... ...قرمِزَند / سُرخَند.

۱۶. خَر حِیوانِ خوب... خوبی است).

۱۷. اصفهان شهرِ بُزُر... ...ئیست (= زیبائی است).

۱۸. شیر سِفید است وَلی ...قهوه‌ایست (= قهوه‌ای است).

۱۹. آن زنهای لاغر ک... ...کی ... ند)؟

۲۰. آن مَردهایِ حاق... ...نجا...

۲۱. باغ کوچک

۲۲. دیوارهایِ باغ بُزُر...

۲۳. گیلاسهایِ زَرد خی...

۲۴. این سانزده درخت...

۲۵. هَوایِ شهر تَبریز هَمیشه سَرد است.

۲۶. لباسِ آبیِ خواهرِ او هَنوز نُو است، وَلی لِباسِ قِرمِزِ خانمِ / زنِ تو کُهنه است.

۲۷. دَوازده شاگِرد و هِفدَه دانِشجو.

۲۸. این یک درختِ گلابیست و آن یک درختِ پُرتقال است.

۲۹. یک اسبِ سِفید / اسبِ سفید ی / یک اسبِ سفید ی زیرِ درخت است.

۳۰. آن پنج کتاب رویِ میزَند. آن ساعتِ سَنگین رویِ دیوار است.

۳۱. یک گربهٔ سیاه و سفید / گربهٔ سیاه و سفیدی / یک گُربهٔ سیاه و سفیدی رویِ درخت است.

۳۲. دستِ چپِ شما رویِ چشمِ راستِ من است.

۳۳. رَنگِ مویِ مُعَلِّمِ پِسَرِ آنها قِرمِز / سُرخ است.

تمرین ۳۴

۱. این مالِ من است، ولی مالِ شما کجاست؟

۲. آن خانهٔ بُزُرگ هَنوز مالِ آنها / ایشان است.

۳. چی مالِ اوست؟

۴. این کتاب دیروز مالِ تو بود، وَلی حالا مالِ اوست.

۵. این کِشوَر همیشه مالِ ماست.

۶. هَمهٔ / تمامِ چیزهای خوب مالِ شهرِ شماست.

۷. این هُلوهای زَرد مالِ باغ علی‌اَند / است.

۸. آن لِباسِ آبی مالِ ایرانست.

۹. مالِ من مالِ شُماست و مالِ او مالِ بَچّه‌هاست.

۱۰. این کفشهایِ خیلی سَبُک مالِ کی‌اَند / هَستَند.

۱۱. این چای مالِ کیست؟

۱۲. سیما خواهرِ کیست؟

۱۳. این بَچّه‌ها مالِ ما هَستند.

۱۴. آن صَندَلیِ سیاه مالِ او.

تمرین ۳۷

۱. دخترِ خوب و قَشَنگم.

۲. بَچّه‌هایشان کُجا هستند؟

۳. دوستِتان دیشب کُجا بود؟

۴. پایَش زیرِ میز است.
۵. یازدَه پُرتقالَش رویِ میزَند / میز هستند.
۶. [پسَرِ جَوونِمون خونه‌اس.]
۷. گوشِ راستِ خواهَرَم.
۸. لِباسهایِ آبیِ شوهَرَش.
۹. چَشمِ چَپِ پدَرِ پیرشان.
۱۰. دَر و پَنجرهٔ کُهنهٔ اُتاقمان.
۱۱. خانمِ / زنِ او خودش آمَد.
۱۲. شوهرِ او خودَش رَفت.
۱۳. مُعَلِّمِ دخترَم خودَش اینجا بود.
۱۴. [همهٔ / تمامِ پسرام خودِشون اونجان / اونجا هستَن.]
۱۵. من خودم / خودِ من.
۱۶. فَرهاد خودش / خودِ فرهاد.
۱۷. شما خودِتان / خودِ شما.
۱۸. آنها خودِشان / خودِ آنها دیروز اینجا بودَند.
۱۹. ژاله خودش / خودِ ژاله کُجاست؟
۲۰. [اونا خودِشون / خودِ اونا کُجا هستَن؟]

تمرین ۴۲

۱. موز خِیلی گرانتَر اَز خیار است

۲ چَهار کیلو هندِوانه ارزانتَر اَز شِش کیلو خُربُزه است.

۳. زِمستان خِیلی سَردتَر اَز پائیز است.

۴ بَهار کَمی / یک کَمی خُنَکتَر از تابستان است.

۵ [غَذایِ سما / غذاتون خِیلی لَذیذتَر از مالِ مَنه]

۶. مُرداد گَرمتَرین ماهِ تابستان است.

۷. بِهتَرین / خوبتَرین صـ ... تخمِ‌مُرغ و کَره است

۸. [اونا سیزدَه اِزار / ر ... َر / زیادتَر اَز تو دارَن]

۹. فُروشگاهِ سَه بُزُرگتر ... سگاهِ شهرِ شماست

۱۰. او زودتَر از هَمه ر...

تمرین ۴۴

۱. شما نِشَستید.

۲. من نِشستَم.

۳. او بود.

۴. [اونا بودَن.]

۵. [خریدَن.]

۶. [ما اومَدیم.]

۷. او رَفت.

۸. او آمَد.

۹. تو خَریدی.

۱۰. من آمَدم.

۱۱. شما اینجا بودید.

۱۲. نِشَستید.

۱۳. او نِشَست.

۱۴. ما رَفتیم.

۱۵. ما بودیم.

۱۶. آنها بودَند.

۱۷. شما خَریدید.

۱۸. نِشَستیم.

۱۹. [اوناروی صَندَلیها / صَندَلیا نِشستَن.]

۲۰. من یک هِندوانه / یک هندوانه‌ای خَریدَم.

۲۱. آنها از تبریز آمدَند.

۲۲. من دَر خانه بودَم.

۲۳. پدرش/ پدرِ او پارسال یک خانهٔ کوچَک / کوچکی خَرید.

۲۴. خواهرِ من / خواهرَم اِمروز صُبح به کرمان رَفت.

۲۵. از گیلان تا اهواز راهِ دِرازیست (= درازی است).

۲۶. به من.

۲۷. به آنها / به ایشان.

۲۸. به شما.

۲۹. به او.

۳۰. به ما.

۳۱. به‌تو.

۳۲. اَز من به شما.

۳۳. اَز ما به آنها / ایشان.

۳۴. اَز شما به بَرادرِ من.

۳۵. اَز دیشَب.

۳۶. اَز ده تا دوازدَه.

۳۷. اَز ساعَتِ پَنج تا ساعَـ

۳۸. اَز خانه تا فروشگاه.

۳۹. دیر یا زود.

۴۰ [هَمهٔ / تَمامِ اونا خونه بو

۴۱. من رویِ صَندَلی نزدیکِ ______.

تمرین ۴۸

۱. شما فردا شَب کُجا هَستید؟

۲. او کِی به خانهٔ ما میایَد؟

۳. [اونا کِی اینجا هَستَن؟]

۴. تو کِی خانه هَستی؟

۵. گُربهٔ من زیرِ میز میِ‌نشینَد.

۶. شما کِی از فَرانسه آمَدید؟

۷. او کِی اَز اِنگِلیس میایَد؟

۸. شما کِی خَرید میرَوید؟

۹. شما کُجا میِ‌نشینید؟ نزدیکِ درختِ سیب یا دور از آن؟

۱۰. دوستِ شما چی میخَرَد؟ مُرغ یا ماهی یا بوقَلَمون؟

۱۱. زنِ / خانُمِ من سه کیلو سیب‌زَمینی و یک کیلو گوشتِ گوساله خَرید. سیب‌زَمینی اَرزان بود ولی گوشتِ گوساله خیلی گران بود.

۱۲. چرا سیب‌زَمینی خِیلی اَرزانتر اَز گوشتِ گاو است؟

۱۲. چرا آنها هَرسال به آمریکا میروَند؟

۱۴. چرا شما دیر میایید و ود میرَوبد؟

۱۵. شما رویِ چه / چی میِ‌نشینید؟

۱۶. سما چِطُور تا اینجا آمَدید؟

۱۷. من تا ساعَتِ نُهِ سَب در مَدرِسه بودَم.

۱۸. من کمی / یک کمی کَره از مَغازهٔ ســدرِ شما / بـــدرتان میخَرَم.

۱۹. بیا نزدیکِ من بِنِسین / بیا بنسین نزدیکِ من.

۲۰. من خیلی کوتاهَتر اَز برادرِ بُزُرگِ شما / بُزُرگتان هَستَم.

تمرین ۴۹

۱. دو کیلو بیاز بازده تومان

۲. سما فردا سب کجا میرَو

۳. بَرادرِ کوچکترِ من کِی رَفـ ـود؟

۴. بِسرِ حسن دیروز سس کـ انه خَرید.

۵. مغازهٔ آقایِ حسنی در کُدا ن است؟

۶. بیرترین استادِ دانسگاهِ سیر

۷. او زیرِ کُدام درخت نسسته

۸. آنها دیسب ساعتِ هست کـ

۹. گربهٔ من/ سما قَسَنگتَر اسـ

۱۰. تو از کدام کسور میایی/

۱۱. دیروز بهزاد دو ساعت دیر آمَد.

۱۲. چرا تو هَر شب دیر به خانه میایی؟

۱۳. تو حالا به کدام شهر میروی؟

۱۴. من فردا عصر به سینما میروم.

تمرین ۵۰

۱. ــــ بُزُرگترین کشور جهان اَست.

۲. نامِ کشورِ من ــــ است.

۳. زِمستان سردترین فصلِ سال است.

۴. من فردا به بازار میروَم/ فردا به بازار میرَوم.

۵. [رنگِ لباسِ من/ لباسَم قَهوه‌ایه.]

۶. اسمِ بُزُرگتَرین شهرِ کشورِ من ــــ است.

۷. [اسمِ خودَم ــــ ه.]

۸. روزها در اداره هَستَم و شبها در خانه.

۹. به نظرِ من بهار/ پائیز بهتَر است.

۱۰. به نظرِ من رنگِ آبی/ سفید قَشنگتَر از رنگِ سفید/ آبی است.

۱۱. من در تابستان بیشتر از زِمستان میوه میخَرَم. من در تابستان بیشتر میوه میخَرَم. من در تابستان میوه بیشتر میخَرَم.

۱۲. میوه در مغازهٔ میوه‌فروشی است.

۱۳. من از دُکّانِ/ مغازهٔ نانوائی نان میخَرَم.

۱۴. من از خواربار فروشی/ مغازهٔ خواربار فروشی برنج و رُوغن میخَرَم.

۱۵. در شهرِ ما گوشت/ تخم‌مرغ گرانتَر از تخم‌مرغ/ گوشت است.

تمرین ۵۴

۱. شما کِی او را دیدید؟

۲. او معمولاً چه روزهایی [illegible]نِ مادَرش می‌روَد.

۳. ما فردا عصر با آقای [illegible] سینما میرویم.

۴. قبل از من چه کَسی ر[illegible]

۵. من پدر بُزُرگِ شما را چ[illegible] [illegible]هان دیدَم.

۶. [اندازهٔ یَقهٔ شُوهرتون چ[illegible]

۷. امروز بیست و چهارِ خُرد[illegible] [illegible]صت و یکِ هِجریِ شَمسی است.

۸. فردا صُبح نیم کیلو عَسَل از مَغازهٔ برادرِتان میخَریم.

۹. امروز بَعد از ناهار شما و برادرِتان را در خانهٔ دوستَم می‌بینَم.

۱۰. مادر بُزُرگِ شما چند سال دارَد؟

۱۱. او نِصفِ غذایَش را به من میدِهَد.

۱۲. [او نِصفِ غذاش رو به من میده.]

تمرین ۵۵

۱. نصفِ پرتقال.

۲. نیم ساعت.

۳. دو ساعت و نیم.

۴. نصفِ مَردُم.

۵. نصفِ کتاب.

۶. نیم کیلو.

۷. نصفِ خانه.

۸. نصفِ شب.

۹. نصفِ پول.

۱۰. صَد و نَوَد و پَنج و نیم.

۱۱. نصفِ راه.

۱۲. سه و نیم.

۱۳. سه کیلو و نیم.

۱۴. نصفِ هفت.

۱۵. نصفِ سه، یک و نیم است.

۱۶. نصفِ مُوضوع.

۱۷. نصفِ قِیمَت.

تمرین ۵۶

۱. جَند دَقیقه.

۲. [یه چند ساعت.]

۳. جند تا شاگِرد؟

۴. چند تومان.

۵. چند روز؟

۶. [یه چند کیلو اَنار.]

۷. یه چند تا فنجون.]

۸. [یه چند سال.]

۹. چند دَفعه.

۱۰. چند ماه.

۱۱. [یه چند تا بشقاب.]

۱۲. سه تا گلابی.

۱۳. چند جفت دَستکش.

۱۴. چند تا سیب؟

۱۵. چهل تا قَلَم.

۱۶. چِقَدر شِکَر؟

۱۷. چِقَدر پول؟

۱۸. از تهران تا کرمان چقدر راه است؟

۱۹. از شیراز تا اصفهان چند کیلومتر است؟

۲۰. چند تا قاشُق و چَنگال.

۲۱. چقدر آب؟

۲۲. چند تا لیوان آب.

۲۳. چند کیلو گوشت.

۲۴. [قِیمتِ این پالتُو چنده؟]

۲۵. بِرِنج کیلویی چند است؟

تمرین ۵۸

۱. قبل از شام.

۲. شبِ قبل.

۳. شش ماهِ قبل.

۴. قبل از شما.

۵. قبل از نِصفِ شب.

۶. هَفتهٔ قبل.

۷. قبلاً به شما گفتم.

۸. قبل از ساعتِ چَهار.

۹. قبل از هَر چیز.

۱۰. قبل از رفتن ما.

۱۱. پَنج سالِ قبل.

۱۲. قبلاً به او می‌گویم.

۱۳. روزِ بَعد.

۱۴. بعد از یک هفته.

۱۵. بعد از من.

۱۶ ــ ساعتِ ششِ بعدازظُهر.

۱۷. بعد از ساعتِ چهارِ بعد

۱۸. ناهارَم را بعداً می‌خورَم.

۱۹. بعد از خوردنِ غذا.

۲۰. پانزده سالِ بعد.

تمرین ۶۰

۱. لطفاً مُوضوع را به من بگویید.

۲. هَمیشه راست بِگو.

۳. [بابا، لطفاً این کُتِ سَبز رو بَرا مـن / بَـرام بِـخَر، قَشَنگ و ارزونه.]

۴. پِسَرَم، بیا نَزدیکِ من بِنِشین.

۵. فقط رویِ این صندلی بنشینید / بنشین.

۶. اَوَّل سالاد بِخورید.

۷. [دَه دَیقه بَعد چایی‌تون رو بِخورین.]

۸. غذایَت را با قاشُق و چَنگال بخور.

۹. برو ببین کیست.

۱۰. [لطفاً بُشقابِتون رو به من بدین.]

۱۱. لُطفاً یک فِنجان قَهوه به من بِدَهید.

۱۲. [لطفاً یه لیوان آب به دوستِ من / دوستم بِدین.]

۱۳. لطفاً یک اِستِکان چای به او بده.

تمرین ۶۱

۱. [ببخشید آقا، قیمتِ این کُلاه چنده؟]

۲. قَبل از شُما دو تا خانُم آمدَند اینجا و دو کیلو سیب‌زمینی خَریدَند.

۳. [آقایِ فُروشَنده، این پالتو بَرا من خِیلی گُشاده، لطفاً یه کوچیکتَر به من بِدید.]

۴. [وَلی این یکی یه کَمی تَنگه. این بَرا پسرِ من خوبه.]

۵. [ببخشید آقایِ فُروشَنده. [illegible] انگورا شیرینَن یا تُرش، کیلویی چنده؟]

۶. [خانُم، اَنگورِ خِیلی خو[illegible] بِخورین بعد بِخَرید، کیلویی بیست و پَنج تومَن.]

۷. [آقایِ رانَنده، لطفاً یک[illegible]ندتر بِرید، ساعت هَشت و نیمه، فقط نیم ساعت وَقت دار[illegible]

۸. لطفاً نزدیکتَر بیایید وَ رو[illegible] [illegible]ـکِ خواهرِتان بنشینید.

۹. چند جُفت جوراب و چند [illegible] [illegible]کمه برایِ من بِخَر.

۱۰. [این شَلوار بَرایِ شما [illegible] [illegible]تَر بِخَرین.]

تمرین ۶۴

۱. مُعَلّمِ ما هر روز ساعتِ دَه یک سیب می‌خورَد.

۲. عَلی هیچوقت گوشتِ خوک نِمی‌خورَد.

۳. رویِ این صَندَلی نَنشینید، کثیف است.

۴. چرا دستهایَت را با صابون نِمی‌شویی؟

۵. مادرِ حَمید هر روز او را به مَدرسه می‌بَرَد.

۶. چرا بچّه‌ها را با خودِتان به سینما نِمی‌بَرید؟

۷. هفتهٔ قبل او را بیشتَر از یک بار نَدیدَم.

۸. فردا کتابِتان را برایِتان می‌آوَرَم.

۹. پسَرَم به من دُروغ نِمی‌گویَد.

۱۰. شُما مَعمولاً روزی چند بار دستهایِتان را می‌شویید؟

تمرین ۶۵

۱. چقدر پول دارید؟

۲. من دو هزار و پانصَد و هفتاد و شش تومان دارَم.

۳. ما چقدر وَقت داریم؟

۴. شما فقط نیم ساعت وَقت دارید.

۵. او پسرش را به کُجا می‌بَرَد؟

۶. [چرا شما غذایِ مَن رو بَرام نِمی‌آرین؟]

۷. شما هفته‌ای چند بار مادرتان را می‌بینید؟

۸. [بِرین دَستا و صورتتون رو با صابون بِشورین.]

۹. [بیا بُخور، بعد، بُرو بِشین.]

۱۰. پسَرتان را با خودتان بِبَرید.

۱۱. چرا او این غذایِ لَذیذ را نمی‌خورَد؟

۱۲. آنها گاهی به دیدَنِ پدَر... گشان می‌رَوَند.

۱۳. دُختَرِ بُزُرگتان چَند ... ؟

۱۴. چرا شما این دامنِ قَشن... برایِ خانُمِتان نِمی‌خرید؟

۱۵. چرا شما خواهَرتان ر... ...دتان نَیاوَردید؟

۱۶. پالتوِ شما چند تا دُکم...

۱۷. شما دستهایتان را با ... ...ی می‌شویید؟

۱۸. چرا او نام / اسمِ دوس... به من نمی‌گوید؟

۱۹. تو این بشقابهایِ کثیف...

۲۰. شما مَعمولاً چه ساعتی... ؟

تمرین ۶۷

۱. پَریروز هَوا گَرم بود وَلی...

۲. این اَسبها سِفید هَستَند وَلی آن اُلاغها سیاهَند.

۳. این مادَرِ جَوان سه بَچّهٔ کوچَکِ تَمیز دارد.

۴. هَوایِ تِهران دَر تابِستان گَرم و دَر زِمِستان سَرد اَست.

۵. این خانُمِ پیر یِک پِسَرِ بیست ساله دارد.

۶. او هَشت هَفته اینجا بود.

۷. آن چایِ شیرین مالِ کیست؟

۸. این صَندَلیهایِ قَهوه‌ای مالِ اُتاق آنهاست.

۹. ایشان خانُمِ دُکتُر پروینِ صَفا هَستَند.

۱۰. گُلِ نَرگِس قَشَنگتَرینِ گُلهاست.

تمرین ۶۸

۱. این مرد.

۲. کُدام زَن؟

۳. از آن پسر.

۴. به کُدام دختر؟ [به کُدوم دختر؟]

۵. به آن اُتاق.

۶. در این کتاب. / [تو این کتاب.]

۷. کدام مداد؟ / [کُدوم مِداد؟]

۸. کدام آقا؟

۹. چه جایی؟

۱۰. رویِ چه میزی؟

۱۱. زیرِ کدام میز؟

۱۲. به کی / به چه کَسی؟

۱۳. از کجا؟

۱۴. در این باغ.

۱۵. بیا اینجا.

۱۶. بِنشین آنجا / آنجا [illegible]

۱۷. بُرو به خانه / [بُرو [illegible]

۱۸. یک شَب / شَبی / [illegible] / [یه شب، یه شبی.]

۱۹. یک شَب.

۲۰. یازدَه شب.

۲۱. مَردی / یک مرد / [illegible] یه مَردی]

۲۲. یک مَرد.

۲۳. چهار مرد.

۲۴. به چه جایی؟

۲۵. یک زَن / زَنی / یک [illegible]

۲۶. یک زن.

۲۷. پنج زن.

۲۸. دَه دُختَر.

۲۹. سیزدَه پسَر.

۳۰. یک ساعت.

۳۱. شِش ساعت.

۳۲. او کُجاست؟

۳۳. عَلی کجاست؟

۳۴. رویِ میز چیست؟ / چی رویِ میز است؟

۳۵. آن مَرد کُجاست؟

۳۶. آن مَرد اینجاست؟

۳۷. سَگ در خانه است.

۳۸. قَلَم زیرِ صَنَدَلی است.

۳۹. این دو قَلَم.

۴۰. این دو مَرد و سه زن.

تمرین ۶۹

۱. این مادر.

۲. آن سه مادر.

۳. [illegible]

۴. این هشت پدر.

۵. چه گُربه‌ای؟

۶. این گربه‌ها.

۷. این سه گربه.

۸. این چیست؟

۹. این یک قَلَم است.

۱۰. آن کیست؟

۱۱. آن یک مرد است.

۱۲. آن خانُم کیست؟

۱۳. او خانُمِ صَفاست.

۱۴. چه خانه‌ای؟

۱۵. این چه شهری است؟

۱۶. این شیراز است.

۱۷. حالا بیا اینجا.

۱۸. بابک امروز اینجاست. [illegible] جاست.

۱۹. یک بچّه / بچّه‌ای اینج

۲۰. یک مَرد / مردی اینجا آمد.

۲۱. اسبی / یک اسب آنجا بود.

۲۲. یک گُل / گلی زیر صندلی بود.

۲۳. پنجره‌ای / یک پنجره باز بود.

۲۴. یک در / دری بسته بود.

۲۵. درِ خانه.

۲۶. پنجرهٔ اُتاق.

۲۷. این پنجره‌ها.

۲۸. پنجره‌هایِ اُتاقها.

۲۹. یک گُلدان / گُلدانی رویِ میز است.

۳۰. از این خانه به آن خانه / از این خانه تا آن خانه.

تمرین ۷۰

۱. بچّه‌ها.

۲. بچّه‌هایِ تَمیز.

۳. این دستهایِ کثیف.

۴. این دخترها.

۵. این دخترهای باهوش.

۶. سه شاگردِ زرَنگ و باهوش.

۷. این ماشینِ سَریع و نُو.

۸. کُدام ماشین قِرمِز؟

۹. رانَندهٔ زِرَنگ.

۱۰. کدام رانندهٔ زرنگ؟

۱۱. یک قَطارِ سَریع / قَطارِ سَریعی / یک قطارِ سَریعی.

۱۲. یک دوستِ نَزدیک.

۱۳. کُدام قطارِ سَریع به آ[illegible]ی‌رَوَد؟

۱۴. رانَندهٔ عَصَبانی دوبار[illegible]

۱۵. کی دوباره آمَد؟

۱۶. دیروز و امروز.

۱۷. تُند / سریع بیا و آهِست[illegible]

۱۸. انگورهای تُرش و اَنا[illegible]یرین.

۱۹. یک سَگِ تِشنه و یک [illegible] [illegible]تنه‌ای و گربهٔ گرسنه‌ای.

۲۰. هَوای سَرد و آب گَرم.

۲۱. یک معلّمِ باسَواد و مِهر[illegible] و مهرَبانی.

تمرین ۷۱

۱. من سالِم هَستم / من سالِمَم.

۲. شما مَریضید / شما مَریض هَستید.

۳. ما خَسته‌ایم / ما خَسته هَستیم.

۴. آنها مریض و خسته هستند / آنها مریض و خسته‌اَند.

۵. او خوب و خوشحال است.

۶. عَمویَش هَنوز جَوان و شاداب / شاد است.

۷. کجایید؟ / کجا هستید؟

۸. خاله‌اَش هَمیشه غَمگین است.

۹. پدر بُزُرگَم خِیلی پیر ولی هَنوز سالِم است.

۱۰. مادَربُزُرگتان چِطُور است؟

۱۱. مُتِأسِّفَم / مُتأسِّف هَستَم.

۱۲. عمهٔ او دیروز در بیمارِستان بود.

۱۳. دایِیِ شما حالا اینجاست.

تمرین ۷۲

۱. چه / عَجَب روزِ خوبی!

۲. او چه / عَجَب چاق است!

۳. عَجَب / چه راهِ خَسته‌کُنَنده و درازی!

۴. این میز چه /عَجَب سَنگین است!

۵. چه خوب است!

۶. شُما دو کیلو عَسَل خریدید.

۷. چه کتابی خریدید؟

۸. کدام ماشین تُندتَر می‌رَوَد؟

۹. کُدام مَغازه به اِدارهٔ شـ ـزدیکتَر است؟

۱۰. این گُلابیِ کال / نا... ...ن کیست؟

۱۱. این مردِ جوانِ باهو... آقایِ حَسَنی است.

۱۲. این سیبهای تُرش م... عَمویِ / دایی من است.

۱۳. این کَفشهای کُهنه مال... / کی هَستَند، مالِ شما یا مالِ او؟

۱۴. آنها از کُدام میوه‌فرو... ...ه می... ؟

۱۵. ما تا کُجا می‌رَویم؟

تمرین ۷۳

۱. من خودَم آنجا بودم.

۲. شما خودِتان آمدید.

۳. ما خودِمان در بیمارستان بودیم.

۴. عَلی خودَش رویِ این صَندَلی می‌نشینَد.

۵. تو خودَت به یَزد آمَدی.

۶. آنها خودشان به کِرمان رفتَند.

۷. خودِ تو از لَبَنیاتیِ نزدیکِ خانه‌تان شیر و کَره خریدی.

۸. آقایِ دُکتُر صَفا خودتان هستید؟

۹. صَندَلیِ شما رَنگَش سفید است.

۱۰. خانۀ خودِ او در آبادان است ولی مالِ برادرَش در چه شهری است؟

تمرین ۷۴

۱. پِسَرم هرروز به مَدرسه می‌رَوَد.

۲. من کی هَستَم / من کیَم؟

۳. او مادرَش بیمار است.

۴. پدرِ تو پیرتَر از پدرِ من است.

۵. خواهرِ زَهرا زیباتَر از لِیلاست.

۶. سیما فداکارتَرین زَنِ روستایِ ماست.

۷. این دو برادَر هر هَفته به مَغازۀ من می‌آیَند.

۸. شما و دخترِتان دیروز از ساعتِ نُه و دَه دَقیقه تـا ساعتِ ده و بیست دَقیقه در ادارهٔ من بودید.

۹. من و پسرَم به آنجا رفتیم و دَر حُدودِ یک ساعت نِشَستیم.

۱۰. دیروز چه کَسی اینجا بود؟

۱۱. مُتِأسّفانه بیشتَرِ مَردُمِ جَهان بی‌سوادَند / بی‌سواد هَستَند.

۱۲. چه جایی بهتر از اینجاست؟

۱۳. چرا شما هَمیشه از این [illegible] شگاه کَفش می‌خَرید؟

تمرین ۷۵

۱. ناصِر بِهتَرین دانِشجویِ [illegible] اَهواز است.

۲. مَغازِهٔ اَکبَر دورتَرین دُکّا[illegible] [illegible]ابانِ ماست.

۳. مُرداد گَرمتَرین ماهِ سال [illegible]

۴. فُروشگاهِ قُدس بُزُرگتَرین [illegible] این [illegible] ست.

۵. مَردُم در فَصلِ زِمِستان خُ[illegible]

۶. بِهزاد هَمیشه رویِ این ص[illegible]

۷. تو دَوازدَه سال کوچَکتَر ا[illegible]

۸. خیارِ مَن تَلخ است.

۹. بِبَخشید، نامِ کِشوَرِ شُما چ[illegible]

۱۰. آقایِ ایزَدی و خانُمِشان دوستِ ما هَستَند

تمرین ۷۶

۱. نَه، او دوستِ مهری‌خانم است.

۲. مِهری‌خانم برایِ سیماخانم آب پُرتِقال خُنَک آوَرد.

۳. آنها به فروشگاه قدس رَفتَند.

۴. با هیچکُدام، آنها پیاده رَفتَند.

۵. سیما در خانهٔ مهری آب پُرتِقال خورد.

۶. سیما چند تا شورت وزیرپوش برایِ پسرش خرید.

۷. اسمِ دخترِ مهری فریده است.

۸. سیما بیشتَر از مهری پول داشت.

۹. او به مهری هیچ پول نداد.

۱۰. او یک جُفت کفش برایِ خودش خرید.

۱۱. اندازهٔ پایِ سیما چهل است.

۱۲. او کفشِ صورتی خرید.

۱۳. فروشگاهِ قدس کفش سفید نَداشت / فروشگاه کفش سفید نَداشت.

۱۴. قیمت آن کفش سیصدوهشتاد و پنج تومن بود.

واژه‌نامه

Vocabulary

فارسی ـ انگلیسی

آ

آب	water
آباد	habitable
آبادان	A city in the south of Iran
آب پُرتِقال	orange juice
آبدار	juicy
آبی	blue
آدرِس	address
آذَر	9th Iranian month
آراء	votes
آرد	flour
[آره]	yes
آز	greed
آزاد	free
آزادی	freedom
آزار	harm
آقا	gentleman, sir, Mr
آمَدَن	to come
آمریکا	America
آن [اون]	that, it
آنجا [اونجا]	there
آوَردَن	to bring
آه	sigh

آهِسته	slow, slowly, gently
آهَن	iron

ا

اِبا	refusal
اَبر	cloud
اَبرو	eyebrow
اُتاق	room
اُتوبوس	bus
اَثاث	furniture
اِحتِرام	respect
اِحتِضار	point of death
اَحمَد	A male name
اِداره	office
اِرادَت	devotion
اَرباب	employer
اَرزان [اَرزون]	cheap
اَز	from, of, since
اَژدَر	torpedo
اَژدَها	dragon
اَسب	horse
اُستاد	professor
اِستِکان	A small cup for tea
اِسم	noun, name
اِضافه	genetive
[illegible]راب	disturbance of mind
[illegible]ات	information
[illegible]	returning, return
[illegible]	often, very often
[illegible]	A male name
[illegible]	horizon
[illegible]	A male nam-
اُ[illegible]	ass, donkey
اَلِ[illegible]	alphabet
اِمر[illegible]	today
اِمر[illegible]	this morn·
اِمس[illegible]	this year

اِمشَب	tonight
اَنار	pomegranate
اَندازه	size, measurement
اِنگِلیس	England
اَنگور	grape
او	he, she
اوصاف	descriptions
اُوضاع	state of affairs
اُوقات	times
اَوَّل	first
اَهواز	A city in the south of Iran
ایتالیا	Italy
ایجاد	creation
ایراد	objection
ایران	Iran
ایشان [ایشون]	they
اِیکاش!	if only!
این	this
اینجا	here
اِیوان [اِیوون]	portico

ب

با	with
باب	fit
بابا	dad
بابَک	A male name
باد	wind
بار	time (s)
باران [بارون]	rain
باز [واز]	open
بازار	bazaar, market
باسَواد	learned, literate
باشه	O K
باغ	garden
باهَم	together
باهوش	intelligent
بِبَخشید [ببخشین]	Excuse me

بَچّه	child
بَد	bad
بَرادَر	brother
بَرّاق	shining
بَرایِ	for
بَرائَت	acquittance
بُردَن	to take away, to carry
برف	snow
بَرق	electricity
بَرگ	leaf
بِرِنج	rice
بُرُو	go
بُزُرگ	big, large , great
بَزم	feast
بَسته	closed, shut
بُشقاب	plate
بَعد	next, then
تَقاضا	request
بَعداً	later, then
بَعدازَ	after
بَعدازَظُهر	afternoon
بُلَند	long, high
بَله	yes
بَنده	I
	to be
	turkey
	to
	spring
	lovely how nice!
	A male name
	in your opin
	come
	helpless
	twenty
	illiterate
	more

بیشتَرِ	most of
بیمار	sick, ill
بیمارِستان	hospital

پ

پا	foot
پارسال	last year
پالتُو	coat, overcoat
پانزدَه	fifteen
پانصَد	five hundred
پاییز	automn
پِدَر	father
پِدَر بُزُرگ	grandfather
پَرتاب	violent throw
پُرتقال	orange
پروین	A female name
پَریروز	the day before yesterday
پِسَر	son, boy
پَس فَردا	the day after tomorrow
پُلیس	police
پَنج	five
پَنجاه	fifty
پَنجِره	window
پَنهان	hidden
پَنیر	cheese
پوست	skin
پول	money
پیاده	on foot
پیاز	onion
پیچ	screw
پیر	old
پیراهَن [پیرَن]	shirt
پیژامه	pyjamas

ت

تا	till, to, so that
تابان	shining
تابِستان [تابِستون]	summer

تار	dark
تازه	fresh
تاکسی	taxi
تبریز	A city in the north of Iran
تُخمِ مُرغ	egg
تُرش	sour
تُرکیه	Turkey
تِشنه	thirsty
تَقریباً	nearly, almost, about
تَلخ	bitter
تَمام	all
تَمامِ	all of
تَمرین	exercise
تَمیز	clean, tidy
تُند	fast, quick, quickly
تَنگ	tight
تُو	you (sing.)
تو	in, into, inside
تَوَلُّد	birth
تومان [تومَن]	Toman (Iranian currency)
تویِ [تو]	in, into, inside

ث

ثابِت	constant
ثانیه	second
ثَروَت	wealth
ثُلث	one third
ثمره	offspring
ثواب	spiritual reward

ج

[illegible]	place
جان	dear (after proper names)
جریان	matter, story
[illegible]	pair
[illegible]	plural
[illegible]	sentence
[illegible]	answer

جَوان [جَوون]	young, youth
جوراب	sock, stocking
جَهان	world
جیب	pocket

چ

چادُر	veil
چاق	fat
چای [چایی]	tea
چَپ	left
چرا؟	why?
چراغ	lamp
چَشم [چِشم]	eye
چَند [چَن]	few, how many?
چند تا [چَن تا]	few, how many?
چَندین	several, many
چَنگال	fork
چه؟	what?
چَهار [چار]	four
چِطور؟	how?
چِقَدر [چِقَد]؟	how much?
چِهِل [چِل]	fourty
چی؟	what?
چیز	thing
چیست؟	what is (it)?

ح

حاضِر	ready
حال	condition (of health), present
حالا	now
حالِ اِخباری	present indicative tense
حائِز	possessing
حَرارَت	heat
حِرص	greed
حَرفِ اِضافه	preposition
حَمّام	bathroom
حَمید	A male name
حِیوان [حِیوون]	animal

خ

خار	thorn
خاله	aunt (maternal)
خانُم	lady, madam, wife
خانه [خونه]	house, home
خُداحافِظ	good bye
[خُدا رو شُکر]	thank God!
خُدا نِگهدار	good bye
خَر	donkey, ass
خَربُزه	melon
خُرداد	3 rd Iranian month
خُرما	date (fruit)
خَرید	shopping
خَریدَن	to buy
خَسته	tired
خَسته کُنَنده	tiresome
خُنَک	cool
خوار	humble
خواربارفُروشی	grocery shop
خواهَر	sister
خوب [خُب]	good, well, nice
[خوبه]	all right
خُود	self
خُوراک	dish
خُوردَن	to eat
خُوش آمَدید!	You are welcome!
ـشبَختانه	fortunately
ـشحال	happy
ـسوَقت	happy, pleased
ـک	pig
ـیش	relative
ـان[خیابون]	street, avenue, road
[illegible]	cucumber
[illegible]	soaked
[illegible]	ploughshare
[illegible]	very, very much

د

دادَن	to give
دار	gallows
داشتَن	to have
داغ	hot
دامَن	skirt
دانا	wise
دانِشجو	university student
دانِشگاه	university
داوَری	A surname
دایی	uncle (maternal)
دَبِستان	elementary school
دَبیرِستان	secondary school
دُختَر	daughter, girl
دَر	in, into, at
دَر	door
دِراز	long
دَر حُدودِ	about, nearly
دِرَخت	tree
دَرد	pain
دَرس	lesson
دُروغ	lie
دَست	hand
دَستکِش [دَسکِش]	glove
دَستمال [دَسمال]	handkerchief
دَفتَر	notebook
دَفعه [دَفه]	time (s)
دَقیقه [دَیقه]	minute
دُکّان [دُکون]	shop
دُکتُر	doctor, Dr
دُکمه [دُگمه]	button
دَندان	tooth
دُو	two
دَوا	medicine, drug
دَوازدَه	twelve
دُوبار	twice

دُوباره	again
دُو دَفعه	twice
دُور	cycle
دور	far away, distant
دُوره	review
دوست	friend
دَه	ten
دیدَن	to see
دیر	late
دیروز	yesterday
دیروز صُبح	yesterday morning
دیشَب	last night
دیکته	dictation

ذ

ذَرّه	particle

ر

را	direct object postposition
راجی	A surname
راز	secret
رازدار	faithful to a secret
راست	right, truth
رانَنده	driver
راه	road, way
رُبع	quarter
رَزم	fight
[illegible]	A city in the north of Iran
	A male name
	to go
	colour
	top, surface
	day
	village
	headdress
[illegible]	cooking oil
[illegible]	on
[illegible]	Rial (Iraniar. [illegible]

ریز — tiny, very small

ز

زار — miserable

زَبان [زَبون] — language

زَر — gold

زَرد — yellow

زِرَنگ — clever

زِشت — ugly

زِمستان [زِمستون] — winter

زَن — woman, wife

زِندان [زِندون] — prison

زود — early, quick

زَهرا — A female name

زیاد — much, many, plenty

زیبا — beautiful

زیر — underneath

زیرِ — under, beneath

زیرپوش — vest

ژ

ژاله — A female name

ژنده — shabby

س

ساعَت — hour, watch, clock

سال — year

سالاد — salad

سالار — A surname

سالِم — healthy

سَبز — green

سَبزی‌فُروشی — green grocery shop

سَبُک — light (weight)

سِتاک — stem, root

سِتاکِ حال — present stem

سِتاکِ گُذَشته — past stem

سَر — head

سُرخ — red

سَرد — cold

سُرفه	cough
سَریع	fast, quick
سَعی	effort
سِفید	white
سَگ	dog
سَلام	hello!
سلام عَلیکُم	hello!
سَنگین	heavy
سوپ	soup
سوت	whistle
سوراخ	hole
سوزَن	needle
سه	three
سَهل	easy
سی	thirty
سیاه	black
سیب	apple
سیب‌زَمینی	potato
سیزدَه	thirteen
سینما	cinema
سینی	tray

ش

شاد	chearful
شاداب	chearful, joyful
شاگِرد	student, pupil
[illegible]ام	supper
[illegible]زدَه [شونزدَه]	sixteen
[illegible]	witness
[illegible]	night, evening
[illegible]	wicked
[illegible]	to wash
[illegible] [شیش]	six
[illegible]	sixty
[illegible]	complaint
[illegible]	sugar
[illegible]	blossom

شَلوار — trousers

شُما — you

شِناسهٔ صرفی — conjugational ending

شور — salty

شُور — consultation

شُورت — pants

شورِش — rebelion

شُوهَر — husband

شَهر — city

شیر — milk

شیرین — sweet

ص

صابون — soap

صاعِقه — thunderbolt

صُبح [صُب] — morning

صُبحانه — breakfast

صُبح بِخیر — good morning

صَحیح [صَحی] — correct, true

صَد — hundred

صِدا — sound

صِفَت — adjective

صِفَتِ بَرتَر — comparative adjective

صِفَتِ بَرتَرین — superlative adjective

صُلح — peace

صَندَلی — chair

صورَت — face

صورَتی — pink

ض

ضِدّ — opposed

ضَرب — multiplication

ضَرَر — loss

ضَمیر — pronoun

ضَمیرِ مِلکی — possessive pronoun

ط

طَرّاح — designer

طَرد — reject

طَرز	mode

ظ

ظاهِر	appearance
ظُهر	noon, midday

ع

عاج	ivory
عادَت	habit
عار	shame
عَسکَری	A surname
عَسَل	honey
عَصَبانی	angry
عَصر	evening
عَلی	A male name
عمارت	building
عَمو	uncle (paternal)
عَمّه	aunt (paternal)
عِید	festival

غ

غَذا	food
غَمگین	sad

ف

فارسی	Persian
فاعِل	agent
فداکار	devoted
[illegible]نسه	France
[illegible]	tomorrow
[illegible] صُبح	tomorrow morning
[illegible] ظُهر	tomorrow midday
[illegible] عَصر	tomorrow evening
[illegible]گاه	airport
[illegible]	departmental st[illegible]
[illegible]	seller
[illegible]	A male name
[illegible]	A female name
[illegible]	verb

فِعلِ أمر — imperative

فَقَط — only

فِنجان [فِنجون] — cup

فَوَران — eruption

ق

قارچ — mushroom

قاشُق — spoon

قاضی — judge

قَبل — ago, before

قَبلاً — already

قَبل اَز — before

قَرائت — reading

قُربانِ شُما — good bye, thank you

قِرمِز — red

قَشَنگ — pretty, nice, beautiful

قَصّابی — butcher's shop

قَضا — fate

قَطار — train

قَطع — cutting

قِطعه — piece

قَلَم — pen

قَنّاد — confectioner

قَند — cube – sugar

قَنداغ — hot water with sugar

قَندان [قَندون] — sugarbowl

قوری — teapot

قَهوه — coffee

قَهوه‌ای — brown

قِیمت — price

ک

کار — work

کارد — knife

کاغَذ — paper

کال — unripe

کاهو — lettuce

کُت — Jacket

book	کِتاب
dirty	کَثیف
where?	کُجا؟
which?	کُدام [کُدوم]؟
tie	کِراوات
soft wool	کُرک
worm	کِرم
a city in the south of Iran	کِرمان
utter	کَره
ybody	کَسی
ountry	کِشوَر
hoe	کَفش
at	کُلاه
ey	کِلید
ttle, few	کَم
elp	کُمَک
little	کَمی
hort	کوتاه
small	کوچَک [کوچیک]
lane,alley	کوچه
dull	کُودَن
blind	کور
wound up	کوک
star	کوکب
old	کُهنه
when?	کِی؟
who?	کی؟
who is (it)	یست؟
kilo	یلو
kilometer	یلومتر
A surname	وان

گ

cow	[illegible]
sometimes	[illegible]
simple past tense	[illegible]
expensive	[illegible]

گُربه	cat
گَردِش	walking
گَردَن	neck
گِردو	walnut
گُرُسنه	hungry
گُرگ	wolf
گَرم	warm
گُشاد	loose, loose – fitting
گُفتَن	to say, to tell
گُفت و شِنود	dialogue
گُل	flower
گُلابی	pear
گُلدان	vase
گُوجه فَرَنگی	tomato
گُود	deep
گُودال	pit
گوساله	calf
گوسفَند	sheep
گوش	ear
گوشت	meat
گوشتِ گاو	beef
گوشتِ گوساله	veal
گوشتِ گوسفَند	mutton
گوشی	hold on
گیلاس	cherry
گیلان	A northern province in Iran

ل

لاغَر	thin
لال	dumb
لاله	tulip
لَب	lip
لِباس	dress, clothe(s)
لَبَنیاتی	dairy shop
لَذیذ	delicious
لُطف	kindness
لُطفاً	please

لوس	spoiled
لیمو	lemon
لیوان	glass

م

ما	me
مادَر	mother
مادَر بُزُرگ	grandmother
ماست [ماس]	..ghurt
ماشین	[illegible]
ماه	..th moon
ماهی	[illegible]
مُبارَکه!	..gratulation!
مُتأسَف	..ry
مُتأسَفانه	..ortunately
مُتشَکِّر	..ankful
مَجید	.. male name
مِداد	..ancil
مَدرِسه	..chool
مَرحَمَت	favour
مَرد	man
مَردُم	people
مَرَض	disease
مُرغ	chicken
مَریض	sick, ill
مَصدَر	infinitive
مَعرِفه	definite
مُعَلِّم	teacher
مَعمولاً	usually
مَغازه	shop, store
مَغز	brain
مُفرَد	singular
[illegible]	object (of the verb)
[illegible]	direct object
[illegible]	indirect object
[illegible]	quantity
[illegible]	sheet

مَمنون	grateful
مَن	I
مَنزِل	home, house
مَنع	prohibition
مَنفی	negative
مُو	vine
مو	hair
مُوافِق	agreeable
مُوافِقَت	agreement
مُوز	benana
مُوضوع	matter, story, subject
مُوعِظه	preaching
مُوقِع	occasion, time
مِهرَبان [مِهرَبون]	kind
مِهمان [مِهمون]	guest
مِهماندار	hostess
مُهَندِس	engineer
میخ	nail
مِیدان [مِیدون]	square
میز	table
میلیون [مِلیون]	million
میوه	fruit

ن

ناب	pure
ناباب	unfit
نادان	ignorant
نادِر	A male name
نارَس	unripe
نارِنگی	tangerine
نازا	barren
ناصِر	A male name
نام	name
نامه	letter
نان [نون]	bread
نانوایی [نونوایی]	bakery
ناهار	lunch

ناهید	A female name
نَرگِس	narcissus
نَزدیک	near, close
نِشَستَن	to sit
نِصف	half
نِظام	discipline
نَظم	order
نَعره	roar
نَعلبَکی [نَلبَکی]	saucer
نَعناع	spearmint
نَکَره	indefinite
نُو	new
نَوَد	ninety
نُوزاد	new born child
نوزدَه	nineteen
نُه	nine
نَه	no
نخیر	no

نِی	flute, cane
نیم	half

و

وَ	and
واژگان	vocabulary
واژه	word
واکه	vowel
اِثَت	inheritance
	time
	pious foundation
	but

ه

	eighteen
	Hegira – solar
	every
	everyday
	everybody, an...
	thousand

هَستَن — to exist, to be

هَشت — eight

هَشتاد — eighty

هَفت — seven

هَفتاد — seventy

هَفته — week

هِفدَه [هیودَه] — seventeen

هُلو — peach

هَم — too, also

هَمخوان — consonant

هَمه — all

هَمیشه — always

هَمهَمه — uproar

هَمین — the same

هِند — India

هِندوانه [هِندونه] — water-melon

هُنَر — art

هَنوز — still, yet

هَوا — weather, air

هَواپیما — aircraft

هیچ — none, any

هیچ چیز — nothing, anything

هیچکُدام — none of them

هیچکَس — no one, anybody

هیچوَقت — never

ی

یا — or

یاری — assistance

یازدَه — eleven

یاس — jasmin

یَخه [یَقه] — collar

یَزد — A city in the center of Iran

یَعنی — namely

یِک — one, a

یِک بار — once

یِک دَفعه — once

یَواش — slowly, gently

واژه‌نامه

Vocabulary

انگلیسی ـ فارسی

A

a	یِک
Abadan (city)	آبادان
about	دَرحُدودِ، تَقریباً
acquittance	بَرائت
address	آدرِس
adjective	صِفَت
Afshin (name)	اَفشین
after	بَعداَز
afternoon	بَعدازظُهر
again	دوباره
agent	فاعِل
ago	قَبل
agreeable	مُوافِق
agreement	مُوافِقَت
Ahmad (name)	اَحمَد
Ahvaz (city)	اَهواز
air	هَوا
aircraft	هَواپیما
airport	فُرودگاه
Akbar (name)	اَکبَر
Ali (name)	عَلی
a little	کَمی

English	Persian
all	هَمه، تَمام
all of	هَمهٔ، تَمامِ
all right	[خوبه]
almost	تقریباً
alphabet	اَلفبا
already	قَبلاً
also	هَم
always	هَمیشه
America	ریکا
and	[illegible]
angry	ـصَبانی
animal	ـوان [حیوون]
answer	[illegible]
any	[illegible]
anybody	[illegible]
anything	[illegible]
appearance	[illegible]
apple	[illegible]
art	هُنَر
ass	خَر، اُلاغ
assistance	یاری
at	دَر
aunt	عَمّه، خاله
automn	پاییز
avenue	خیابان
Azar (month)	آذَر

B

English	Persian
Babak (name)	بابَک
bad	بَد
bakery	نانوایی [نونوائی]
barren	نازا
bathroom	حَمّام
bazaar	بازار
beautiful	زیبا، قَشَنگ
beef	گوشتِ گاو
before	قَبل، قَبل اَز

Behzad (name)	بِهزاد
benana	مُوز
big	بُزُرگ
birth	تَوَلُّد
bitter	تَلخ
black	سیاه
blind	کور
blossom	شِکوفه
blue	آبی
book	کِتاب
boy	پِسَر
brain	مَغز
brother	بَرادَر
bread	نان [نون]
breakfast	صُبحانه
brown	قَهوه‌ای
bus	اُتوبوس
but	وَلی
butcher's shop	قَصّابی
butter	کَره
button	دُکمه

C

calf	گوساله
cane	نِی
car	ماشین
cat	گُربه
chair	صَندَلی
cheap	اَرزان [اَرزون]
chearful	شاداب، شاد
cheese	پَنیر
cherry	گیلاس
chicken	مُرغ
child	بَچه
cinema	سینِما
city	شَهر
clean	تَمیز

clever	زِرَنگ
clock	ساعَت
close	نَزدیک
closed	بَسته
clothe	لِباس
cloud	اَبر
coat	پالتو
coffee	[illegible]
cold	[illegible]
collar	[illegible]
colour	[illegible]
come	[illegible]
comparative adjective	[illegible]
complaint	[illegible]
condition (o[illegible]	[illegible]
co[illegible]fectione[illegible]	[illegible]
congratulat[illegible]	[illegible]
conjugation[illegible]	[illegible]

consonant	هَمخوان
constant	ثابِت
consultation	شُور
cooking oil	رُوغَن
cool	خُنَک
correct	صَحیح
cough	سُرفه
country	کِشوَر
cow	گاو
creation	ایجاد
cube-sugar	قَند
cucumber	خیار
cup	فِنجان [فِنجون]
cutting	قَطع
cycle	دُور

D

dad	بابا
dairy shop	لَبَنیاتی

dark	تار
date (fruit)	خُرما
daughter	دُختَر
Davari (surname)	داوَری
day	روز
dear (after names)	جان
deep	گود
definite	مَعرِفه
delicious	لذیذ
departmental store	فُروشگاه
description	اُوصاف
designer	طَرّاح
devotion	ارادت
dialogue	گفت و شِنود
dictation	دیکته
direct object	مَفعولِ صَریح
dirty	کَثیف
disease	مَرَض
discipline	نِظام
dish	خوراک
distant	دور
disturbance of mind	اِضطِراب
dog	سَگ
doctor, Dr	دُکتُر
donkey	اُلاغ، خَر
door	دَر
dragon	اِژدِها
dress	لِباس
driver	رانَنده
dull	کُودَن
dumb	لال

E

ear	گوش
early	زود
easy	سَهل
effort	سَعی

English	Persian
egg	تُخمِ مُرغ
eight	هَشت
eighteen	هِجدَه [هیردَه]
eighty	هَشتاد
electricity	بَرق
elementary school	دَبستان
eleven	یازدَه
employer	اب
engineer	س
England	ں
eruption	
evening	شَب
every	
everybody	هَرکَسی
everyday	
excuse me!	
exercise	
expensive	
eye	چَشم [چِشم]
eyebrow	اَبرو

F

English	Persian
face	صورَت
faithful (to a secret)	رازدار
far away	دور
Farhad (name)	فَرهاد
Faride (name)	فَریده
fast	سَریع، تُند
fat	چاق
fate	قَضا
father	پِدَر
favour	مَرحَمَت
feast	بَزم
festival	عید
few	چَند، چَند تا [چَن، چَن‌تا]
fifteen	پانزدَه [پونزدَه]
fifty	پَنجاه

fight	رَزم
first	اَوَّل
fish	ماهی
fit	باب
five	پَنج
five hundred	پانصَد [پونصَد]
flour	آرد
flower	گُل
flute	نِی
food	غَذا
foot	پا
for	بَرایِ
fork	چَنگال
fortunately	خوشبَختانه
four	چَهار [چار]
fourty	چِهِل [چِل]
France	فَرانسه
fresh	تازه
friend	دوست
free	آزاد
freedom	آزادی
from	اَز
fruit	میوه
furniture	اَثاث

G

gallows	دار
garden	باغ
genetive	اِضافه
gentleman	آقا
Gilan (province)	گیلان
girl	دُختَر
glass	لیوان
glove	دَستِکش [دَسکش]
go	بُرُو
gold	زَر
good	خوب

good bye خُداحافِظ، خُدانِگَهدار،

good morning صُبح بِخیر

grandfather پِدَر بُزُرگ

grandmother مادَر بُزُرگ

grape اَنگور

grateful مَمنون

great بُزُرگ

greed ص، آز

green

green–grocery shop ی‌فُروش

grocery shop ار فُروشی

guest [مِهمون]

H

habit

habitable

hair

half

Hamid (nam-

hand دست

handkerchief دَستمال [دَسمال]

happy خوشحال، خوشوَقت

harm آزار

hat کُلاه

he او

head سَر

headdress روسَری

healthy سالِم

heat حَرارَت

heavy سَنگین

Hegira–solar هِجریِ شَمسی

hello! سَلام! سَلامٌ عَلَیکُم!

help کُمَک

helpless بیچاره

here اینجا

hidden پَنهان

high بُلند

hold on!	گوشی!
hole	سوراخ
home	خانه [خونه]، مَنزِل
honey	عَسَل
horizon	اُفُق
horse	اَسب
hospital	بیمارِستان
hostess	مِهماندار
hot	داغ
hour	ساعَت
house	خانه [خونه]
how?	چِطور
how many?	چَند؟ چَندتا؟
how much?	چِقَدر [چِقَد]؟
humble	خوار
hundred	صَد
hungry	گُرُسنه [گُشنه]
husband	شُوهَر

I

I	مَن، بَنده
if only!	اِیکاش
ignorant	نادان
ill	بیمار، مریض
illiterate	بیسَواد
imperative	فِعلِ اَمر
in	دَر، [تو]
indefinite	نَکَره
India	هِند
indirect object	مَفعولِ غِیرِ صَریح
infinitive	مَصدَر
information	اِطّلاعات
inheritance	وِراثَت
intelligent	باهوش
into	دَر، [تو]
Iran	ایران
Iran (name)	ایران

iron	آهَن
it	آن [اون]
Italy	ایتالیا
ivory	عاج

J

jacket	کُت
jasmin	یاس
juicy	[illegible]

K

Kerman (city)	[illegible]
key	[illegible]
Keyvan (surname)	[illegible]
Khordad (month)	[illegible]
kilo	
kilometer	[illegible]
kind	[illegible]
kindness	
knife	

L

lady	خانُم
lamp	چراغ
lane	کوچه
language	زَبان
large	بُزُرگ
last night	دیشَب
last year	پارسال
late	دیر
later	بَعداً
leaf	بَرگ
learned	باسَواد
left	چَپ
lemon	لیمو
lesson	دَرس
letter	نامه
lettuce	کاهو
lie	دُروغ

light سَبُک

lip لَب

literate باسَواد

little کَم

long دِراز، بُلَند

loose, loose–fitting گُشاد

loss ضَرَر

lovely! خوب، بَه‌بَه

lunch ناهار

M

madam خانُم

Majid (name) مَجید

man مَرد

many زیاد، چَندین

matter جَریان، مُوضوع

meat گوشت

medicine دَوا

melon خربُزه

milk شیر

million میلیون [مِلیون]

minute دَقیقه [دَیقه]

miserable زار

mode طَرز

money پول

month ماه

moon ماه

more بیشتَر

morning صُبح [صُب]

most of بیشتَرِ، اَغلَبِ

mother مادَر

much زیاد، خِیلی

multiplication ضَرب

mushroom قارچ

mutton گوشتِ گوسفَند

N

Nader (name) نادِر

Nahid (name)	ناهید
nail	میخ
name	نام، اِسم
namely	یَعنی
narcessus	نَرگِس
Naser (name)	ناصِر
near	نزدیک
nearly	...، در حُدود
neck	[illegible]
needle	[illegible]
negative	
never	[illegible]
new	
new – born ch[illegible]	
next	
nice	
night	
nine	
nineteen	نوزدَه
ninty	نَوَد
no	نَه، نَخِیر
none	هیچ
none of them	هیچکُدام
noon	ظُهر
no one	هیچکَس
notebook	دَفتَر
nothing	هیچ چیز
now	حالا

O

object (of the verb)	مَفعول
objection	ایراد
occasion	مُوقِع
of	اَز
office	اداره
offspring	ثَمَره
O K	باشه

often	اَغلَب
old	پیر، کُهنه
on	روی
once	یک‌بار، [یه‌بار]، یک دَفعه
one	یَک
one third	ثُلث
on foot	پیاده
onion	پیاز
only	فقط
open	باز [وا]
opposed	ضِد
or	یا
orange	پُرتقال
orange juice	آب پُرتقال
order	نَظم

P

pain	دَرد
pair	جُفت [جُف]
pants	شُورت
paper	کاغَذ
particle	ذَرّه
Parvin (name)	پَروین
past stem	سِتاکِ گُذَشته
peach	هُلو
peace	صُلح
pear	گُلابی
pen	قَلَم
pencil	مِداد
people	مَردُم
Persian	فارسی
piece	قطعه
pig	خوک
pink	صورَتی
pit	گُودال
place	جا
plate	بُشقاب

please!	لُطفاً
pleased	خوشوَقت
plenty	زیاد، خِیلی
ploughshare	خیش
plural	جَمع
pocket	جیب
police	پُلیس
pomegranate	[illegible]
portico	[illegible] [ایوون]
possessing	[illegible]
possessive pronoun	[illegible] مِلکی
potato	[illegible] مینی
preaching	[illegible]
preposition	[illegible]
present indic[illegible]	[illegible]
present stem	[illegible]
pretty	[illegible]
price	[illegible]
prison	زِندان [زِندون]
professor	اُستاد
prohibition	مَنع
pronoun	ضَمیر
pupil	شاگِرد
pure	ناب
pyjamas	پیژامه [پیجامه]

Q

quantity	مقدار
quarter	رُبع
quick	تُند، سَریع
quickly	تُند

R

rain	باران [بارون]
Raji (surname)	راجی
Rasht (city)	رَشت
reading	قَرائت
ready	حاضِر

rebelion	شورِش
red	قِرمِز، سُرخ
refusal	اِبا
reject	طَرد
relative	خویش
request	تَقاضا
respect	اِحتِرام
returning	اِعاده
review	دُوره
Reza (name)	رِضا
Rial	ریال
rice	بِرِنج
right	راست
road	راه، خیابان [خیابون]
roar	نَعره
room	اُتاق

S

sad	غَمگین
salad	سالاد
Salar (surname)	سالار
salty	شور
saucer	نَعلبَکی [نَلبَکی]
school	مَدرِسه
screw	پیچ
second	ثانیه
secondary school	دَبیرستان
secret	راز
self	خُود
seller	فُروشَنده
sentence	جُمله
seven	هَفت [هَف]
seventeen	هِفدَه [هیودَه]
seventy	هَفتاد
several	چَندین
shabby	ژنده
shame	عار

English	Persian
she	او
sheep	گوسفَند
shining	بَرّاق
shirt	پیراهَن [پیرَن]
shoe	کَفش
shop	دُکّان [دُکون]، مَغازه
shopping	خَرید
short	
shut	
sick	مَریض
sigh	
simple past tense	ساده
since	
singular	
sirl	
sister	
six	
sixteen	
sixty	شَصت
size	اَندازه
skin	پوست
skirt	دامَن
slow	آهِسته، یَواش
slowly	یَواش
small	کوچَک [کوچیک]
snow	بَرف
soaked	خیس
soap	صابون
soft wool	کُرک
sometimes	گاهی
son	پِسَر
sorry	مُتِأَسِّف
sound	صِدا
soup	سوپ
sour	تُرش
spearmint	نَعناع

spoiled	لوس
spoon	قاشُق
spring	بَهار
square	مِیدان [مِیدون]
state of affairs	اُوضاع
stem	سِتاک
still	هَنوز
stocking	جوراب
store	مَغازه، دُکّان، فُروشگاه
story	جَریان، مُوضوع
street	خیابان [خیابون]
student	شاگِرد
subject	مُوضوع
sugar	شِکَر
sugarbowl	قَندان [قَندون]
summer	تابِستان [تابِستون]
superlative adjective	صِفَتِ بَرتَرین
supper	شام
surface	رو
sweet	شیرین

T

table	میز
Tabriz (city)	تَبریز
tangerine	نارِنگی
taxi	تاکسی
tea	چای [چایی]
teacher	مُعَلّم
teapot	قوری
ten	دَه
thankful	مُتِشَکّر، مَمنون
that	آن [اون]
the day after tomorrow	پَس فَردا
the day before yesterday	دیروز
then	بَعد، بَعداً
there	آنجا [اونجا]
the same	هَمین

they	ایشان [ایشون]، آنها [اونا]
thin	لاغَر
thing	چیز
thirsty	تِشنه
thirteen	سیزدَه
thirty	سی
this	
this morning	صُبح
this year	
thorn	
thousand	
three	
thunderbolt	
tidy	
tie	
tight	
till	
time	
time (s)	بار، دَفعه [دَفه]
tiny	ریز
tired	خَسته
tiresome	خَسته کُنَنده
to	به، تا
to be	بودَن، هَستَن
to bring	آوَردَن
to buy	خَریدَن
to carry	بُردَن
to come	آمَدَن
today	اِمروز
to eat	خُوردَن
to exist	هَستَن
together	با هَم
to give	دادَن
to go	رَفتَن
to have	داشتَن
Toman (money)	تومان [تومَن]

tomato گُوجه فَرَنگی
tomorrow فَردا
tomorrow evening فَرداعَصر،یا شَب
tomorrow morning فَردا صُبح
tomorrow noon فَردا ظُهر
tonight اِمشَب
too هَم
tooth دَندان
torpedo اَژدَر
to say گفتَن
to see دیدَن
to sit نِشَستَن
to take away بُردَن
to tell گُفتَن
to wash شُستَن
train قَطار
tray سینی
tree دِرَخت

trousers شَلوار
true راست، صَحیح
tulip لاله
Turkey (country) تُرکیه
turkey بوقَلَمون
twelve دَوازدَه
twenty بیست [بیس]
twice دُوبار، دُو دَفعه [دُو دَفه]
two دو

U

ugly زِشت
uncle (maternal) دایی
uncle (paternal) عَمو
under زیر
unfit ناباب
unfortunately مُتِأسَّفانه
university دانِشگاه
university student دانِشجو

unripe	کال، نارَس
uproar	هَمهَمه
usually	مَعمولاً

V

vase	گُلدان [گُلدون]
veal	گوشتِ گوساله
veil	چادُر
verb	[illegible]
very	[illegible]
very much	خیلی زیاد
vest	[illegible]
village	ر…
vine	مُو
vocabulary	وا…
votes	آر…
vowel	واک…

W

walking	گَردِ…
walnut	گِردو
warm	گَرم
watch	ساعَت
water	آب
water-melon	هِندِوانه [هِندونه]
way	راه
we	ما
wealth	ثَروَت
weather	هَوا
week	هَفته
well	خوب
what?	چه؟، چی؟
when?	کِی؟
where?	کُجا؟
which?	کُدام [کُدوم]
whistle	سوت
white	سِفید
who?	کی، چه کَسی؟

why?	چرا
wicked	شَرور
wife	زَن
wind	باد
window	پَنجِره
winter	زِمِستان
wise	دانا
with	با
witness	شاهِد
wolf	گُرگ
woman	زَن
word	واژه
work	کار
world	جَهان
worm	کِرم

Y

Yazd (city)	یَزد
year	سال
yellow	زَرد
yes	بَله، [آره]
yesterday	دیروز
yesterday morning	دیروز صُبح
yet	هَنوز
yoghurt	ماست [ماس]
you (sing.)	تُو
you (pl.)	شُما
young	جَوان [جَوون]
youth	جَوان

Z

Zahra (name)	زَهرا
Zhale (name)	ژاله

واژه‌ها، عِبارَتها و جُمله‌های اِصطلاحی[1]

Idiomatic words, Phrases, and Sentences.

1 For the [illegible] [illegible]vant pages.

Notes on how to use the book as a self-tuition device

1. The symbols used are as follows:
    a) [ ] shows the colloquial form.
    b) ( ) indicates what exists in English but not in Persian.
    c) (=) indicates what exists in persian but not in English
        e.g. (it) is pretty.
        It (= the air) is cold.
    d) { } means equal choice
    e) / means "or".

2. The book comprises eight lessons, which can be covered in about 8 weeks at a rate of 6 hours in the class and at least 6 hours of work at home for doing the exercises and listening to the tapes

3. The first 2 lessons, which include the sounds and alphabet, are of special importance, and must not be left behind until the correct pronunciation of the sounds is attained

4. There is a vocabulary at the beginning of each lesson The learner should first listen to the tape and then try to imitate the pronunciation of the words with a loud voice a few times

5. The pattern sentences marked by "listen and repeat" show grammatical points, and must be studied carefully. The learner should first hear them from the tape and then repeat again and again.

6. There is a "key to exercises" at the end of the book. But on the tape, the key has been recorded instead of the exercise itself. The learner can corroct his mistakes by referring to the keys

7. Try to use the tapes as much as you can, because the more repetition the quicker learning.

8. Finally, there is a word list at the end of the book for the learner's reference

Ferdowssi, Mowlavi, Saadi, Hafez, and many others have presented their immortal masterpieces in this language Learning Farsi and gaining command of it is, therefore, a key to a very rich and wonderful treasure And it is hoped that the AZFA series would serve to make the learning of the language easier and more delightful for the learner

I would like to take this opportunity to express my gratitude to Dr Jaleh Amuzegar, the professor of Ancient Languages at the University of Tehran, for reading the manuscript of this book and making very useful comments and suggestions My appreciation is due to Mr Hassan Askari-Rad for his project of "Teaching Persian to Foreigners By means of Audio-Visual Aids", and for encouraging me to undertake this responsibility My thanks also go to Mr M Massumi whose enthusiastic help made the publication of this book possible Finally, I am [illegible]ted to my wife, Dr Iran Kalbassi, for the peace of mind I enjoyed du[illegible] compilation of this book

Yadollah Samareh Ph D

words, verbs, and the sentences are given.

From amongst the various dialects Tehrani accent, which is regarded as "standard" and is used in radio, television and cinema films, has been chosen

The grammar is dealt with through phrases and sentences, just in the same manner a child learns his mother tongue But, since the user of this book is already familiar with the grammatical concepts of his own mother tongue, an extract of every grammatical subject has been presented in the shape of a formula, and a short explanatory footnote in English is given Every grammatical subject is supplied with many examples and different, sometimes long, exercises all of which are in daily common use to make the learner feel himself in a Persian environment so that his desire for learning would continue

English is used as a medium only to the extent of necessity But, of course, the English equivalent of the words and the English translation of the pattern sentences have been given The translation is mostly word-for-word because Persian, and not English, is the traget, and a literally translation can better show the grammatical characteristics of the Persian sentences This is why some of the English sentences might sound non-English

Since the correct pronunciation of the words, phrases, sentences, as well as the intonation carry vital importance in speaking, every effort has been made to make maximum use of audio-visual aids so that the task of learning could be easier and more delightful and, at the same time, maximum result would be obtained in minimum time Accordingly, all the content of the book has been recorded on magnetic tape or cassets, which should be used in conjunction with the book itself In addition, some short video films on the basis of the dialogues in the book have been provided, which has, no doubt, good effect upon the task of language acquisition

It is noteworthy that the book and the corresponding tapes may be used as a self-tuition device when the Persian-speaking teacher is not available, provided that the tapes are so sufficiently heard and repeated that the words and the sentences can be pronounced as they are heard. But, in any case, the Iranian teacher will be very useful in assessing and correcting the learner's pronunciation

As you know, Persian language has played an invaluable role in manifesting the most magnificent thoughts and in stating the finest humane feelings and sentiments during the centuries Literary giants such as

National Library Index card No M66 - 580.

Name: Persian Language Teaching, Elementary Course, Book 1, series No 1
By: Yadollah Samareh, ph D
Publisher: International Relations Department, Ministry of Islamic Culture and Guidance
First Edition: 1988
Printed by: offset incorporation

This book was printed and bound in Tehran, Iran.

Preface

This book is the first part of the Elementary course of the "Persian Language Teaching" (AZFA). The whole AZFA series comprises three courses: Elementary, Intermediate, and Advance. The aim of the AZFA series is to teach Persian (Farsi) to foreigners from the beginning to the end, i.e. reading, writing, as well as speaking so that the learner could make use of radio, television, newspapers, and the literary texts, poetry and prose.

The Elementary Course consists ... books by which the learner will get acquainted with the spoken and ... styles of Persian to the extent of daily practical needs. At the end of ... urse he will be able to establish linguistic communication with the ... eakers, to read the elementary school texts, to understand and use ... matic phrases and grammatical structures of the colloquial Persian.

Farsi, like any other language ... colloquial and formal styles The difference between the two varieties ... e cases, is so great that the non-native speaker would confront d... n understanding, and will find himself obliged to learn. The collo... le is characterized by shortening some words and verbs by mean... ions, assimilations, and certain vocalic changes; the word order ... fixed and, in some cases, some elements of the sentence may ... itted. To illustrate the type of differences between ... sider the following examples of which the first form ... and is colloquial

mineshinam mish...
miravand miran
nân nun "Brea...
U be khâne âmad ... He came home"

Both varieties ... have been dealt with during the elementary course ... itten form the spoken form of the

AZFA 1

Persian Language Teaching

Elementary Course

BO[illegible] 1

b[illegible]

Yadollah Sa[illegible]h ph. D.

Pub[illegible]

I[illegible] Re[illegible] Department

Min[illegible] and Guidance

[illegible] Re[illegible] Iran